

نوشتن مقدمه عربی برام هیچ وقت کار راحتی نبود. کلی ایده به ذهنم می‌رسد، جمع‌بندی‌شون می‌کنم، اما تا می‌خوام بنویسم، خودم! به خودم! می‌گه: «مگه حرف عربی نیست؟ مگه قرار نیست راجع به زبان عربی چیزی بنویسی؟ فک نمی‌کنی یه شعر زیبای عربی کافیه تا تموم این حرفا رو، بلکه بیش از اینا رو بگه؟» خب، چرا واقعاً پس به جای این که راجع به عربی حرف بزنیم، بذاریم خود عربی باهامون حرف بزنه! این شعر رو تو یکی از گشت و گذارای اینترنتیم پیدا کردم؛ ظاهراً مال شاعریه به اسم محمد الماغوط.

ولكن من أنت؟
سفينة؟
أين أشرعتك؟
صحراء؟
أين رياحك و نخيلك؟
ثورة؟
أين راياتك و أصفادك؟
إنني لا أعرف عنك أكثر مما أعرف عن الليل
ولكن من يسلبك متي
يغامر مع أعظم غضب في التاريخ
كمن يسلب الجنود الموتى خواتمهم و بقايا نقودهم
و هم مازالوا ينزفون على أرض المعركة.
قولي لمن يريد:
هذا ولدي و لم أنجبه من أحشائي
هذا وطني و لم أعرف له حدوداً
هذا محتلي و لم أرفع في وجهه صوتاً أو حصاة
اهدروا دمه، اقتلوه
ولكن شريطة أن يسقط بين ذراعي.
چندتا تشکر هم بکنم و شما رو با حال و هوای این شعر تنها بذارم.
سپاس گزارم از جناب آقای غلامی که این قدر مسلط و باتجربه و متعهد هستن که هر کاری رو به ایشون می‌سپرم از همون قدم اول مطمئنم که بهترین نتیجه ممکن حاصل خواهد شد. جناب غلامی عزیز، دستم‌ریزاد و ممنون. هم‌چنین تشکریم از آقایان آریا ذوقی و بهروز حیدریکی و خانم ریحانی که تسلط و خلاقیتشون تو درس عربی به کیفیت این کتاب بسیار کمک کرد. یه تشکر دیگه از همکارانمون تو واحد تألیف انسانی، خصوصاً آقایان سعید احمدپور و محمدابراهیم مازنی و مسئول پروژه کتاب، خانم الهه آرانی و هم‌چنین سپاس‌گزاریم از همکاران عزیزمون در واحد تولید که بدون زحمات شبانه‌روزشون، کتاب با این کیفیت آماده می‌شد.

اما تو کیستی؟
کشتی؟
کجايند بادبان‌هايت؟
بیابان؟
کجايند بادها و نخل‌هايت؟
انقلاب؟
کو پرچم‌ها و زنجیر‌هايت؟
از تو چیزی، بیش از چیزی که از شب می‌شناسم، نمی‌دانم
اما کسی که تو را از من بگیرد
با بزرگ‌ترین خشم تاریخ مواجه می‌شود
مانند کسی که اموال و انگشتر سربازان مرده را به غارت می‌برد
در حالی که خونشان هنوز بر میدان جنگ می‌ریزد
بگو به آن که می‌خواهد:
این پسر من است، در حالی که او را از جسم خود نزاییده‌ام
این وطن من است، حال آن که مرزی برایش نشناخته‌ام
این اشغالگر من است، حال آن که در برابرش فریادی نزده و
سنگی نینداخته‌ام
خونش را بریزید، بکشیدش
اما به شرطی که میان بازوان من بیفتد.

تقدیم به

مقدمه مؤلفان

تقدیم به همه استادیگرامی خودم
کاظم غلامی
تقدیم به کودکان کار، به امید روزی که
درس بخوانند.
بهروز حیدریکی
تقدیم به کودکان میناب که هر بار به یادشان
می‌افتم، فرزندم رامحکم ترد را غوش می‌گیرم.
سمانه ریحانی
تقدیم به هر کسی که تا حالا هیچ کتابی بهش
تقدیم نشده.
آریا ذوقی

عربی یکی از درس‌هایی است که بسیاری از دانش‌آموزان دید مثبتی به آن ندارند و تصور می‌کنند که یادگرفتن آن و به دست آوردن نمره و درصد بالا در این درس، کار خیلی سخت و نزدیک به غیرممکن است. دلیل آن‌ها هم نتایجی است که دانش‌آموزان سال‌های قبل در کنکور سراسری به دست آوردند و آن‌هایی هم که نمرات بالایی گرفته‌اند حتماً استعداد ویژه‌ای دارند که هر کسی ندارد.

ما با نوشتن این کتاب تلاش کردیم این تصور را تغییر بدهیم و ادعا داریم که هر دانش‌آموزی توانایی دارد که موفقیت و درصد بالا را در این درس کسب کند. مهم این است که بدانیم عربی یک درس حفظی نیست بلکه یادگرفتنی است و یادگرفتن نیاز به تلاش، حوصله، آموزش خوب و تمرین کافی دارد. تلاش و حوصله از شما و آموزش خوب و تمرین کافی از ما. ان‌شاءالله پایان این ماجرا برای همگی شما نتیجه‌ای خوب و خاطره‌ای شیرین خواهد بود.

ما (گروه مؤلفان) همه توان، تجربه و سوادمان را در این کتاب جمع کرده‌ایم تا اثری مناسب برای شما به وجود بیاید. در تهیه و تألیف هر کتابی به غیر از مؤلفان، تیم بزرگ و کاربلدی مشارکت دارند که بدون آن‌ها کتاب خوبی متولد نمی‌شود. در مجموعه خیلی سبز دوستان و همراهان توانمند و باتجربه‌ای کنار ما هستند که سهم بسیار بزرگی در این کتاب دارند. از جناب دکتر کامیل نصری عزیز و مهندس سبزمیدانی مهربان و استاد مازنی بزرگوار که مدیریت تألیف را بر عهده داشتند تا عوامل اجرایی و گروه تولید تلاشگر، صبور و منظمی که پیگیری تهیه و تولید آن بودند، خصوصاً خانم آرانی محترم که نقش ویژه‌ای در برنامه‌ریزی و اجرای این پروژه داشتند. یکی از مهم‌ترین ارکان در تألیف هر کتاب ویراستاران علمی و فنی هستند که تراز علمی کتاب را بالا می‌برند. از همه این مجموعه بزرگوار و دوست‌داشتنی سپاس و قدردانی ویژه‌ای داریم که در کلام و نوشتار قابل بیان نیست.

با آرزوی بهترین‌ها برای تک‌تک شما

گروه مؤلفان

آشنایی با عربی جامع انسانی خیلی سبز

یک اسکن، همه چیز در دسترس

اول از همه باید فعال سازی پنل کتاب رو انجام بدی تا به همه محتوایها و امکانات دسترسی داشته باشی.

گام سوم



کد اسکرچ رو بعد از خراشیدن ثبت و فعال سازی کنی. (فقط برای بار اول)

گام دوم



با شماره موبایل و وارد بشی

گام اول



فقط کافی QR Code کتاب رو اسکن کنی!

حالا بریم ببینیم با فعال شدن پنل کتاب چیا گیرمون میاد؟!

حل ویدیویی سؤالات

گاهی اوقات برای یادگیری بهتر فقط خواندن پاسخ نامه تشریحی کافی نیست و لازمه مسیر حل سؤال رو هم مرحله به مرحله بررسی کنی. به همین دلیل بسیاری از سؤالات مهم و تپیکال این کتاب، توسط اساتید درجه یک کنکور به صورت ویدیویی حل شده تا بتونی علاوه بر پاسخ صحیح، روش فکر کردن و رسیدن به جواب رو هم یاد بگیری ...!

- ✓ اشتباهات رایج و دام های احتمالی هر مبحث را بشناسید.
- ✓ در مباحث دشوار، درک عمیق تری از مفاهیم و روش حل پیدا کنید.
- ✓ پاسخ و روش خود را با راه حل تشریحی ویدیویی مقایسه کنید.
- ✓ هر ویدیو را در زمان دلخواه بازبینی و دوباره مشاهده کنید.

هم چنین نکات مهم، تله های تستی، مثال های کنکوری و ... در جلد درس نامه رو هم در قالب ویدیوهای آموزشی ارائه کرده ایم.

۷۰۷
حل ویدیویی

آزمون‌های تعاملی



آزمون‌های تعاملی این کتاب فرصتی برای سنجش آموخته‌ها، تمرین و پیشرفت است. این کتاب شامل ۲۰ آزمون تعاملی است که در جلد ضمیمه قرار داده شده است.



هر جا علامت  را دیدید بدانید و آگاه باشید که وقت آزمون دادن است. امکاناتی مثل **رؤیت فوری پاسخ‌ها**، **مقایسه عملکرد با سایرین** و **کارنامه تحلیلی** از ویژگی‌های این آزمون است. کافی است وارد پنل کتاب شوید و شماره آزمون مورد نظر را در نوار search وارد کنید. حالا وقت آزمون دادنه...!



همون لحظه
جواب درست
رو ببین!



عملکردت رو
با بقیه
مقایسه کن.



مراقب باشید
آزمون‌ها نمره
منفی دارند!



کامل‌تر و غنی‌تر از همیشه!

مطابقت با کنکور

کتاب‌های درسی عربی در سبک جدید، مطالب آشکار و پنهانی دارند که طراحان کنکور به سبک خاصی آن‌ها را مورد سؤال قرار می‌دهند. تست‌هایی که شبیه این سؤالات باشند، بهترین وسیله برای پاسخگویی به آن سؤالات هستند.

تنوع سطح

در کنکور سراسری، بیشتر سؤالات ساده و متوسط هستند و تعداد محدودی تست سخت یا خلاقانه وجود دارد. همه این سطوح در تست‌های این کتاب دیده می‌شوند. تست‌های سخت بی‌هدف، در کتاب وجود ندارد.

پوشش کتاب درسی

تمام آیات و جملات مهم کتاب درسی در میان تست‌ها وجود دارند که می‌توانند شما را از مراجعه پی‌درپی به کتاب درسی بی‌نیاز کند.

هدف‌گذاری

بعضی از تست‌ها برای مرور و تکرار مطالب و برخی دیگر برای تسلط بر آن‌ها و برخی دیگر برای کسب مهارت کافی طراحی و جمع‌آوری شده‌اند.

دسته‌بندی

در بخش تست‌های ترجمه دسته‌بندی‌های خاصی دیده می‌شود که باعث تسلط کامل بر انواع سؤالات (آیات قرآن، تک‌جمله‌ای، چهارجمله‌ای، تعریب و مفهوم) ترجمه می‌شود و در بخش قواعد، موضوعات به صورت منظم و طبقه‌بندی شده آورده شده‌اند که یادگیری را آسان‌تر و هدفمند می‌کند.

بانک تست

مجموعه‌ای خاص و کامل از تست‌های کنکور سراسری، آزمون‌های خیلی سبز و تست‌های تألیفی.

تست‌های هر درس با عنوان‌های زیر دسته‌بندی شده‌اند:

معرفی

آیکون

سؤالات مستقیم واژگان از کنکور سراسری حذف شده‌اند، اما این مدل از تست‌ها منبع بسیار خوبی برای تسلط بر واژگان هر درس هستند.

واژگان

سؤال اول آزمون‌ها، غالباً آیه‌ای از آیات قرآن داخل کتاب درسی است. در این بخش تمام آیه‌ها و احادیث هر درس به صورت تست بررسی و مرور می‌شوند.

آیات و روایات

متون و جملات کتاب درسی دارای نکات مهمی هستند که گاهی از چشم دانش‌آموزان دور می‌مانند. تمام جملات و عبارات مهم و نکته‌دار کتاب در این بخش آمده‌اند.

تسلط بر متن

تست‌های تألیفی مرتبط با ترجمه درس و گاهی ترکیب‌شده با مفاهیم درس‌های قبلی، در این بخش جمع‌آوری شده‌اند.

فرامتن

سؤالات ترجمه فارسی به عربی که تألیفی یا مربوط به آزمون‌های خیلی سبز یا کنکور سراسری هستند.

تعریب

تست‌های مفهومی با ترکیب آیات و ضرب‌المثل‌های فارسی یا عربی ساخته می‌شوند. در این بخش می‌توانید نمونه‌های خوبی از این تست‌ها را ببینید.

مفهوم عبارات

سؤالات قواعد در قالب موضوعی و به صورت طبقه‌بندی‌شده برای تسلط کامل شما بر قواعد هر درس طراحی و چیده شده‌اند.

قواعد

در هر بخش سؤالات کنکور سراسری مرتبط، به صورت کامل و به ترتیب تاریخ برگزاری گردآوری شده است.

سؤالات کنکور سراسری

در هر درس کلماتی هستند که نکات ویژه‌ای در تحلیل صرفی آن‌ها دیده می‌شود. در این بخش به این کلمات اشاره شده و نکات مربوط به تحلیل صرفی به صورت مستمر مرور می‌شود.

تحلیل صرفی

این بخش شامل یک درس‌نامه بسیار کاربردی برای حل این مدل از تست‌ها به همراه کلمات چالشی آن درس که می‌توانند در آزمون‌های مختلف مطرح شوند و نمونه تست‌های مرتبط با آن‌هاست.

ضبط الحركات

برای این‌که هیچ سؤالی در کنکور سراسری شما را سورپرایز نکند، مجموعه‌ای از تست‌های چالشی در این بخش آماده شده است تا با کمک آن‌ها خیالتان بابت سؤالات خلافت‌کنکور راحت شود.

سؤالات ۱۰۰ نشو

در بخش پایانی کتاب ۳۰ نمونه از متن‌های آزمون‌های سراسری و آزمون‌های خیلی سبز آورده شده. اگر به متن‌های بیشتری نیاز داشتید از طریق اسکن کردن QR code می‌توانید نمونه‌های بیشتری را ببینید.

درک متن



و اما پاسخ تشریحی

۴

پاسخ تشریحی صرفاً شامل توضیح همان تست نیست بلکه در داخل آن نکته‌ها، تذکرها و ترفندهایی را می‌بینید که می‌توانند تسلط شما را بر آن تست و تمام سؤالات مشابه آن کامل کند. توصیه می‌کنیم که حتماً پاسخ تست‌ها را بخوانید تا نکته‌های مهمی که داخل آن‌ها وجود دارد از چشمتان دور نماند. پاسخ‌های تشریحی غالباً شامل روش‌های خاص و تجربه‌های مؤلفان هستند که مجموعه‌ای بسیار ارزشمند محسوب می‌شوند.

اصول مطالعه درس عربی

V

مهم‌ترین گلابه یا درد دل دانش‌آموزان این است که «ما که زیاد خونديم پس چرا نتیجه آزمون اين طوري شد؟!». گره اصلي اين جاست که برای خواندن یا مطالعه درس عربی، روش مناسبی نداریم. چون ویژگی‌های اصلی و مهم زبان عربی را نادیده می‌گیریم و صرفاً با «وقت‌گذشتن» و «تست‌زدن» انتظار داریم که نتیجه خوبی به دست بیاوریم. ابتدا باید ویژگی‌های اصلی و خاص زبان عربی را با هم مرور کنیم:

۱- عربی قواعد محور است:

زبان عربی که ما در کتاب‌های درسی یاد می‌گیریم، اصل و اساسش قواعد و دستور زبان است؛ یعنی بیشتر تست‌ها، حتی تست‌های ترجمه براساس قواعد طراحی می‌شوند. پس دانش‌آموزانی که بدون یادگرفتن قواعد و تنها براساس ترجمه کلمات پیش می‌روند، نمی‌توانند درصد و نمره قابل قبولی به دست بیاورند.

۲- قواعد عربی به هم پیوسته است:

متأسفانه یا خوشبختانه قواعد عربی، به هم مرتبط، پیوسته و زنجیروار هستند؛ یعنی هر مطلبی را که به خوبی یاد بگیرید، یادگرفتن مطالب بعدی را ساده‌تر می‌کند و اگر موضوع ساده‌ای را ندانیم در یادگیری مطالب بعدی هم دچار مشکل می‌شویم. مثلاً اگر معرفه یا نکره را ندانیم، در موضوعات «صفت، حال و جمله وصفیه» به دردرس می‌افتیم. پس هر موضوعی را حداقل در حد قوانین اولیه و اصلی‌اش باید بلد باشیم.

۳- عربی حرکت محور است:

در سؤالات کنکور سراسری، کلمات حرکت‌گذاری زیادی ندارند، ولی همان حرکت‌های اندکی هم که وجود دارند کلید ارزشمندی برای حل سؤالات هستند. مثلاً ترجمه دو عبارت «يَنْفَع النَّاسَ: به مردم سود می‌رساند» و «يَنْفَع النَّاسَ: مردم سود می‌رسانند» به خاطر علامت «النَّاس» باهم فرق دارند. پس نکات مربوط به علامت‌گذاری کلمات را در حد کتاب درسی باید بدانیم.

۴- کلمات مشابه معنای متفاوتی دارند:

نباید خیال کنیم کلماتی که ظاهرشان شبیه هم است، معنی‌شان هم یکی است. وزن و ظاهر کلمات در معنی آنها تأثیر زیادی دارند. پس باید معنای دقیق کلمات را یاد بگیریم و فقط به شباهت ظاهری‌شان توجه نکنیم. مثلاً تفاوت معنایی «تَفَعَّ: سود رساند» و «انْتَفَعَّ: سود بُرد» می‌تواند کلید حل سؤالات مهمی باشد.



روش پیشنهادی استفاده از کتاب



برای این که بهترین استفاده را از این کتاب داشته باشید و تأثیر آن را در نتایج آزمون ها ببینید، بهتر است که موارد زیر را رعایت کنید:

۳- حل هدفمند تست ها:

در بخش ترجمه، تست های «آیات و روایات» و «تسلط بر متن» را به صورت کامل حل کنید تا بر مطالب و نکات کتاب درسی کاملاً تسلط داشته باشید. اما در بخش های دیگر می توانید سؤالات تألیفی را به صورت مضربی و گزینشی حل کنید تا انواع مختلف تست ها را تجربه کنید. سؤالات کنکور سراسری را به طور کامل حل کنید تا ذهنتان با نکات مورد نظر طراحان کنکور آشنایی کامل پیدا کند.

۲- مطالعه درس نامه:

درس نامه را خط به خط و دقیق بخوانید و در حاشیه کتاب، یادداشت بگذارید؛ یعنی نکته هایی که برایتان جدید یا مهم است را در اطراف کتاب بنویسید یا این که در پایان هر موضوع، خودتان یک خلاصه از آن را بنویسید و به صفحات کتاب بچسبانید. مثال ها و نمونه تست ها را برای خودتان توضیح دهید. در پایان هر درس نامه حتماً به سؤالات بخش «اصل مطلب» پاسخ دهید تا ببینید کدام قسمت ها را بهتر فهمیده اید. اگر احساس می کنید که با تدریس معلمان، قواعد درس را به خوبی یاد گرفته اید قبل از شروع کردن به حل تست ها، قسمت «اصل مطلب» را پاسخ دهید تا ذهنتان برای حل تست ها آماده شود.

۱- تسلط بر معنی:

در شروع هر درس ابتدا معنای کلمات و عبارت های آن را با دقت مطالعه کنید. معنی فعل ها از همه مهم تر است پس آن ها را با دقت و وسواس بیشتری یاد بگیرید. کلماتی که برایتان دشوار به نظر می رسد را علامت گذاری کنید تا بعدها دوباره آن ها را مرور کنید.

۴- حل و بررسی بدون زمان:

در شروع هر درس، هرگز تست ها را به صورت زمان دار حل نکنید. بلکه آن ها را به شکل تشریحی و کامل تحلیل کنید؛ یعنی خطاهای تمام گزینه ها را یاد بگیرید. با این کار حتی اگر تست های کمتری حل کنید اما به همه نکات مسلط می شوید و خواهید دید که دام ها و نکات تست های مختلف خیلی شبیه هم هستند.

۵- نشان دار کردن سؤالات:

وقتی تست ها را برای مرتبه اول حل می کنید، خیلی طبیعی است که اشتباهات زیادی داشته باشید. برای همین بعد از تحلیل هر تست کنار آن علامت گذاری کنید. مثلاً «بلد نبودم»، «دام دار»، «نکته جالب» و... این کار باعث می شود زمانی که در مرورهای بعدی فرصت حل دوباره همه تست ها را ندارید، مستقیم به سراغ سؤالات مهم و نکته دار مخصوص خودتان بروید و جمع بندی و مرور مفیدی داشته باشید.

۷- تمرین مستمر درک متن:

برای موضوع درک متن باید برنامه جداگانه و پیوسته ای داشته باشید؛ یعنی مثلاً در روزهای ابتدایی هر سال، هفته ای یک متن را حل کنید. لغات جدید آن را رنگ کرده و معنای تمام جملات را یاد بگیرید. بعد از چند هفته می توانید «دو یا سه متن» را در برنامه هفتگی قرار بدهید تا مهارتتان بیشتر شود. برای این قسمت باید صبر و حوصله زیادی داشته باشید و عجله نکنید. چون تسلط بر متن واقعاً کار مهم و زمانبری است که تنها با صبر و تلاش می توانید به آن برسید.

۶- مرور قبل از هر آزمون:

قبل از شرکت در هر آزمونی باید نکات هر درس را مرور کنیم. بهترین نوع مرور کردن این است که:
(الف) لغت های هر درس، خصوصاً فعل ها را دوباره بخوانید.
(ب) ترجمه متن درس و جملات مهم آن را دوره کنید.
(ج) سؤالات بخش «آیات و روایات» و «تسلط بر متن» را حتماً دوباره حل کنید.
(د) تست های نشان دار دوباره تحلیل و بررسی شوند.
(ه) اگر فرصت و تسلط کافی داشته باشید، سؤالات بخش «۱۰۰ شو» را حل کنید.

نسخه دیجیتالی کتاب؛ کتابخوان خیلی سبز!



با خرید نسخه چاپی این کتاب، نسخه دیجیتالی آن نیز در اختیار شما قرار می گیرد تا بتوانید در هر زمان و مکان به محتوای کتاب دسترسی داشته باشید. کتابخوان دیجیتالی خیلی سبز به شما کمک می کند متناسب با سبک مطالعه خود، از امکانات متنوع آن استفاده کنید.



فهرست مطالب

عربی انسانی دهم

درس اول: ذاك هو الله ...

تست‌های ترجمه	۱۰
تست‌های تعریب	۱۵
تست‌های مفهوم	۱۵
تست‌های قواعد	۱۶
تست‌های تحلیل صرفی	۲۱
نکات و تست‌های ضبط الحركات	۲۱
تست‌های ۱۰۰ شو	۲۲

درس دوم: انکم مسؤولون ...

تست‌های ترجمه	۲۵
تست‌های تعریب	۲۹
تست‌های مفهوم	۳۰
تست‌های قواعد	۳۰
تست‌های تحلیل صرفی	۳۴
نکات و تست‌های ضبط الحركات	۳۴
تست‌های ۱۰۰ شو	۳۵

درس سوم و چهارم: مَطَرُ السَّمَكِ - اَلْعَافِشُ ...

تست‌های ترجمه	۳۷
تست‌های تعریب	۴۶
تست‌های مفهوم	۴۶
تست‌های قواعد	۴۷
تست‌های تحلیل صرفی	۵۲
نکات و تست‌های ضبط الحركات	۵۳
تست‌های ۱۰۰ شو	۵۳

درس پنجم: هذا خلق الله ...

تست‌های ترجمه	۵۷
تست‌های تعریب	۶۲
تست‌های مفهوم	۶۳
تست‌های قواعد	۶۴
تست‌های تحلیل صرفی	۶۹
نکات و تست‌های ضبط الحركات	۷۰
تست‌های ۱۰۰ شو	۷۰

درس ششم: اَلْمَعَالِمُ اَلْخَلَابَةُ ...

تست‌های ترجمه	۷۴
تست‌های تعریب	۷۸
تست‌های مفهوم	۷۹
تست‌های قواعد	۸۰
تست‌های تحلیل صرفی	۸۳
نکات و تست‌های ضبط الحركات	۸۳
تست‌های ۱۰۰ شو	۸۴

درس هفتم: صِنَاعَةُ النِّقْطِ ...

تست‌های ترجمه	۸۷
تست‌های تعریب	۹۳
تست‌های مفهوم	۹۴
تست‌های قواعد	۹۴
تست‌های تحلیل صرفی	۹۹
نکات و تست‌های ضبط الحركات	۹۹
تست‌های ۱۰۰ شو	۱۰۰

درس هشتم: يا مَنْ فِي الْبَحْرِ عَجَائِبُهُ ...

تست‌های ترجمه	۱۰۳
تست‌های تعریب	۱۰۸
تست‌های مفهوم	۱۰۹
تست‌های قواعد	۱۰۹
تست‌های تحلیل صرفی	۱۱۳
نکات و تست‌های ضبط الحركات	۱۱۴
تست‌های ۱۰۰ شو	۱۱۵

عربی انسانی یازدهم

درس اول: مَوَاعِظُ قِيَمَةٍ ...

تست‌های ترجمه	۱۱۹
تست‌های تعریب	۱۲۶
تست‌های مفهوم	۱۲۶
تست‌های قواعد	۱۲۷
تست‌های تحلیل صرفی	۱۳۱
نکات و تست‌های ضبط الحركات	۱۳۲
تست‌های ۱۰۰ شو	۱۳۳

درس دوم: صِنَاعَةُ التَّلْمِيعِ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ ...

تست‌های ترجمه	۱۳۷
تست‌های تعریب	۱۴۲
تست‌های مفهوم	۱۴۲
تست‌های قواعد	۱۴۳
تست‌های تحلیل صرفی	۱۴۶
نکات و تست‌های ضبط الحركات	۱۴۷
تست‌های ۱۰۰ شو	۱۴۹

درس سوم: عَجَائِبُ الْمَخْلُوقَاتِ ...

تست‌های ترجمه	۱۵۲
تست‌های تعریب	۱۵۸
تست‌های مفهوم	۱۵۹
تست‌های قواعد	۱۵۹
تست‌های تحلیل صرفی	۱۶۳
نکات و تست‌های ضبط الحركات	۱۶۴
تست‌های ۱۰۰ شو	۱۶۵

درس چهارم: تَأْثِيرُ اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ ...

تست‌های ترجمه	۱۶۸
تست‌های تعریب	۱۷۴
تست‌های مفهوم	۱۷۵
تست‌های قواعد	۱۷۶
تست‌های تحلیل صرفی	۱۸۰
نکات و تست‌های ضبط الحركات	۱۸۱
تست‌های ۱۰۰ شو	۱۸۱

درس پنجم: اَلصِّدْقُ ...

تست‌های ترجمه	۱۸۴
تست‌های تعریب	۱۹۰
تست‌های مفهوم	۱۹۱
تست‌های قواعد	۱۹۲
تست‌های تحلیل صرفی	۱۹۶
نکات و تست‌های ضبط الحركات	۱۹۷
تست‌های ۱۰۰ شو	۱۹۸

درس ششم: اِزْحَمُوا ثَلَاثًا ...

تست‌های ترجمه	۲۰۱
تست‌های تعریب	۲۰۵
تست‌های مفهوم	۲۰۶
تست‌های قواعد	۲۰۷
تست‌های تحلیل صرفی	۲۱۱
نکات و تست‌های ضبط الحركات	۲۱۲
تست‌های ۱۰۰ شو	۲۱۳

درس هفتم: لَا تَقْنَطُوا ...

تست‌های ترجمه	۲۱۷
تست‌های تعریب	۲۲۴
تست‌های مفهوم	۲۲۵
تست‌های قواعد	۲۲۶
تست‌های تحلیل صرفی	۲۲۸
نکات و تست‌های ضبط الحركات	۲۲۹
تست‌های ۱۰۰ شو	۲۳۰

عربی انسانی دوازدهم

درس اول: مِنَ الْأَشْعَارِ الْمُنْسُوبَةِ ...

تست‌های ترجمه	۲۳۴
تست‌های تعریب	۲۴۰
تست‌های مفهوم	۲۴۱
تست‌های قواعد	۲۴۲
تست‌های تحلیل صرفی	۲۴۸
نکات و تست‌های ضبط الحركات	۲۴۹
تست‌های ۱۰۰ شو	۲۴۹

درس دوم: اَلْوَجْهُ النَّافِعُ وَ اَلْوَجْهُ الْمَضِرُّ ...

تست‌های ترجمه	۲۵۳
تست‌های تعریب	۲۶۰
تست‌های مفهوم	۲۶۱
تست‌های قواعد	۲۶۲
تست‌های تحلیل صرفی	۲۶۶
نکات و تست‌های ضبط الحركات	۲۶۶
تست‌های ۱۰۰ شو	۲۶۷

درس سوم: ثَلَاثُ قِصَصٍ قَصِيرَةٍ ...

تست‌های ترجمه	۲۷۰
تست‌های تعریب	۲۷۵
تست‌های مفهوم	۲۷۶
تست‌های قواعد	۲۷۷
تست‌های تحلیل صرفی	۲۸۱
نکات و تست‌های ضبط الحركات	۲۸۲
تست‌های ۱۰۰ شو	۲۸۲

درس چهارم: نِظَامُ الطَّبِيعَةِ ...

تست‌های ترجمه	۲۸۵
تست‌های تعریب	۲۹۲
تست‌های مفهوم	۲۹۳
تست‌های قواعد	۲۹۴
تست‌های تحلیل صرفی	۲۹۷
نکات و تست‌های ضبط الحركات	۲۹۸
تست‌های ۱۰۰ شو	۲۹۸

درس پنجم: يَا اَلْهَيَّ ...

تست‌های ترجمه	۳۰۲
تست‌های تعریب	۳۰۷
تست‌های مفهوم	۳۰۷
تست‌های قواعد	۳۰۸
تست‌های تحلیل صرفی	۳۱۲
نکات و تست‌های ضبط الحركات	۳۱۳

متن‌های آزمون‌های خیلی سبز

۳۱۴

متن‌های کنکور سراسری

۳۲۲

پاسخ‌نامه تشریحی

۳۳۳

پاسخ‌نامه کلیدی

۵۲۶

با اسکن کردن کیوارکد کتاب می توانید سؤالات وائگان این درس را به همراه پاسخشان ببینید.

ترجمه

آیات و روایات

۲۴۵۰ - ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرُوضٌ﴾:

- (۱) یقیناً خداوند کسانی را که در راهش صف در صف کشته می شوند، دوست می دارد، گویا آن ها بنایی محکم هستند!
- (۲) به درستی که خدا کسانی را که در راه او پیوسته مبارزه می کنند دوست دارد؛ گویا آنان ساختمانی استوار هستند!
- (۳) قطعاً خداوند دوست دارد کسانی را که در راه او در یک صف می جنگند؛ آن ها مانند ساختمانی استوار هستند!
- (۴) خداوند کسانی را که در راه او همچون صفی می کشند دوست می دارد، مثل این که آن ها بنیانی محکم دارند!

۲۴۵۱ - ﴿فَهَذَا يَوْمُ الْبَيْعِ وَلَكِنَّمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾:

- (۱) این روز رستاخیز است، لکن شما نمی دانستید!
- (۳) این روز، روز رستاخیز است، ولی نمی دانید!

۲۴۵۲ - ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾:

- (۱) آیا کسانی که بدانند و کسانی که ندانند، برابر هستند؟
- (۳) آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند، برابرند؟

۲۴۵۳ - ﴿قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾: گفت:

- (۱) من دانایم که خداوند بر هر چیزی قادر است.
- (۳) من می دانم که الله بر هر چیزی توانا است.

۲۴۵۴ - ﴿إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾:

- (۱) قطعاً خداوند بر مردم بخشنده است، ولی بیشتر مردم سپاس گزار نیستند.
- (۲) به راستی خدا بر مردمان دارای بخشایش است، اما بیشتر مردم شکر نمی کنند.
- (۳) الله بر مردم بدون تردید دارای بخشایش است، ولی بیشتر مردم سپاس گزاری نمی کنند.
- (۴) به راستی خدا بر مردم بخشش دارد، ولی بسیاری از مردمان تشکر نمی کنند.

۲۴۵۵ - ﴿لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا﴾:

- (۱) ما هیچ دانشی نداریم، مگر آن چه از تو آموختیم.
- (۳) جز آن چه تو به ما آموخته ای، ما هیچ دانشی نداریم.

۲۴۵۶ - ﴿... رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ﴾: پروردگارا

- (۱) آن را بر ما تحمیل نکن، چون ما هیچ طاقتی به آن نداریم.
- (۳) چیزی را که ما طاقتی برایش نداریم، بر ما اصلاً تحمیل نکن.

۲۴۵۷ - ﴿سَبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى﴾:

- (۱) پاک است کسی که بنده اش را شبانه از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی حرکت داد.
- (۲) منزّه است آن که بنده اش در یک شب از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی حرکت کرد.
- (۳) کسی که بنده را از مسجد الحرام به سمت مسجد الاقصی در شب حرکت داد، پاک و منزّه است.
- (۴) پاک است کسی که با بنده خود شبانه از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی حرکت کرد.

۲۴۵۸ - ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾:

- (۱) مؤمنان به راستی رستگارانند، همان کسانی که در نماز خود فروتن هستند.
- (۳) بی تردید مؤمنان رستگار شدگان اند، آنانی که در نمازشان فروتنی دارند.

۲۴۵۹ - ﴿لَا تُمَيِّتُوا الْقُلُوبَ بِكَثْرَةِ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ، فَإِنَّ الْقَلْبَ يَمُوتُ كَالزَّرْعِ إِذَا كَثُرَ عَلَيْهِ الْمَاءُ﴾:

- (۱) دل ها را با فراوانی غذاها و نوشیدنی نمیرانید، زیرا قلب می میرد چنان که کشت وقتی آب بر آن زیاد شود!
- (۲) زیادی غذا و نوشیدنی قلب ها را نمیراند، چه قلب مانند کشتی است که وقتی آب بر آن افزون شود، می میرد!
- (۳) فراوانی خوراک و نوشیدنی قلب های تان را نمیراند، زیرا قلب مانند کشت است که اگر آب بر آن بیفزایی می میرد!
- (۴) دل ها را با زیادی غذا و نوشیدنی نمیرانید، چون قلب همچون کشت است که اگر آب بر آن زیاد شود، می میرد!

۲۴۶۰ - ﴿كُلْ طَعَامًا لَا يَذْكُرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ ... لَا بَرَكَةَ فِيهِ﴾:

- (۱) هر غذایی که نام خداوند بر آن یاد نشود ... هیچ برکتی در آن نیست!
- (۴) هر خوراکی که اسم خداوند بر آن یاد نمی شود ... هیچ برکتی برایش نیست!
- (۳) همه غذاهایی که نام خدا بر آن ذکر نشده باشد ... هیچ برکتی ندارد!

۲۴۶۱- عَيْنِ الصَّحِيح:

- (۱) ﴿إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾: بی‌گمان خدا دارای بخشش بر مردم است، ولی بیشتر مردم سپاس نمی‌گزارند!
- (۲) ﴿لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا﴾: ما را هیچ دانشی نیست، جز آن چه به ما می‌آموزی!
- (۳) ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾: بی‌گمان ما قرآن را عربی قرار دادیم، امید است متوجه شوید!
- (۴) ﴿قَالَ أَلَمْ عَلَّمَ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾: گفت: [من] دانایم که خدا بر هر چیزی تواناست!

۲۴۶۲- عَيْنِ الصَّحِيح:

- (۱) ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾: آن کتاب، شکی در آن نیست، هدایتگر پرهیزکاران است!
- (۲) ﴿رَبَّنَا لَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ﴾: پروردگار ما آن چه که توانایی‌اش را نداریم، بر ما تحمیل نمی‌کند!
- (۳) ﴿لَا بَرَكَةَ فِي طَعَامٍ لَا يُذَكَّرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ﴾: در غذایی که اسم خداوند بر آن برده نشود، هیچ برکتی نیست!
- (۴) ﴿قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ﴾: گفتند: ما نمی‌دانیم؛ قطعاً تو دانای نهایان هستی!

۲۴۶۳- ﴿هَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾:

- (۱) روز رستاخیز این‌گونه است، ولی شما آگاه نبودید.
- (۲) این روز، قیامت است، گرچه شما نمی‌دانستید.
- (۳) این روز رستاخیز است، اما شما بودید که نمی‌دانستید.
- (۴) این روز قیامت است، ولی شما نمی‌دانستید.

(آزمون‌های آزمایشی خیلی‌سبز)

۲۴۶۴- ﴿يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ﴾:

- (۱) با دهان‌های خود چیزی را می‌گویند که در قلب‌هایشان وجود ندارد، قطعاً خدا به آن چه که کتمان می‌کنند، دانای‌تر است.
- (۲) با دهان‌های خویش آن چه را که در قلب‌هایشان نیست می‌گویند و خدا به چیزی که پنهان‌کننده آن هستند، آگاه است.
- (۳) با دهان‌هایشان چیزی را می‌گویند که در دل‌هایشان نیست و خدا به آن چه پنهان می‌کنند، دانای‌تر است.
- (۴) با دهان خود چیزی را می‌گویند که در دل‌های ایشان نیست و الله به چیزی که آن را پنهان می‌کنند، آگاه‌تر است.

(آزمون‌های آزمایشی خیلی‌سبز)

۲۴۶۵- ﴿وَلَا يَحْزَنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾:

- (۱) گفتار آنان نباید باعث اندوه تو شود، بی‌تردید ارجمندی از آن خداست.
- (۲) نباید گفتارشان تو را اندوهگین کند، زیرا ارجمندی، همه از آن خداست.
- (۳) و با گفتار آنان نباید اندوهگین شوی، زیرا که عزت همواره از آن خداست.
- (۴) و گفتار آنان تو را غمگین نمی‌کند، زیرا ارجمندی همه از آن خداست.

(آزمون‌های آزمایشی خیلی‌سبز)

۲۴۶۶- ﴿وَمَا أُبْرِئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي﴾:

- (۱) من نفسم را بی‌گناه نمی‌شمارم؛ زیرا نفس، بسیار دستوردهنده به بدی است مگر این که پروردگارم رحم کند.
- (۲) من هرگز خود را تبرئه نمی‌کنم؛ بی‌گمان، نفس بسیار به بدی‌ها امر می‌کند مگر آن چه را خداوند رحم کند.
- (۳) من نفس خویش را بی‌گناه نمی‌دانم؛ چرا که نفس، آدمی را به بدی فرمان می‌دهد مگر کسی را که خدایش رحم کند.
- (۴) من خویش را بی‌تقصیر نمی‌پندارم؛ قطعاً نفس، برای امرکردن به بدی است البته اگر، پروردگارم به من رحم نکند.

تسلط بر متن

۲۴۶۷- «دَوَاؤُكَ فَيْكَ وَمَا تُبْصِرُ وَدَاؤُكَ مِنْكَ وَلَا تَشْعُرُ!»:

- (۱) داروی تو در خود توست و تو نمی‌بینی و دردت از خودت است، ولی احساس نمی‌کنی؟
- (۲) دوایت در توست، گرچه دیده نمی‌شود و دردت خودت هستی و احساس نمی‌کنی؟
- (۳) داروی تو در توست و نمی‌بینی و بیماری‌ات در خودت است و احساس نمی‌کنی؟
- (۴) دوایت در توست، ولی آن را نمی‌بینی و بیماری از خودت است، گرچه احساس نمی‌کنی؟

۲۴۶۸- «أَتَزْعُمُ أَنَّكَ جَرْمٌ صَغِيرٌ وَفَيْكَ انْطَوَى الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ!»:

- (۱) آیا گمان کرده‌ای که تو جرم کوچکی هستی، در حالی که در تو جهانی بزرگ‌تر در هم تنیده شده است!
- (۲) آیا خیال می‌کنی که جرم تو کوچک است، در حالی که در تو عالم بزرگ‌تر را در هم تنیده‌اند!
- (۳) آیا گمان می‌کنی که تو تنها جرم کوچکی هستی، در صورتی که در تو عالم بزرگی در هم تنیده شده است!
- (۴) آیا می‌پنداری که تو جرمی کوچک هستی، در صورتی که عالم بزرگ‌تر در تو در هم تنیده شده است!

۲۴۶۹- «قَدَرُ كُلِّ امْرِئٍ مَا كَانَ يُحْسِنُهُ!»:

- (۱) ارزش هر شخصی به نیکی‌هایی است که می‌کرده است!
- (۲) ارزش هر فردی به چیزی است که آن را نیکو انجام می‌دهد!
- (۳) ارزش آدمی در چیزهایی است که درست انجامشان داده است!
- (۴) ارزش هر کسی در امور نیکی است که انجام می‌دهد!

۲۴۷۰- «فَقَرُّ بِالْعِلْمِ وَلَا تَطْلُبْ بِهِ بَدَلًا. النَّاسُ مَوْتِي وَأَهْلُ الْعِلْمِ أَحْيَاءُ!»:

- (۱) با علم رستگار شو و برای آن هیچ جایگزینی نخواه، [زیرا] مردم مرده‌اند و اهل دانش زنده‌اند!
- (۲) علم را به دست بیاور و برای آن جایگزینی نخواه، [چون] مردم مرده‌اند و اهل دانش زنده‌اند!
- (۳) با دانش رستگار شو و برایش جایگزین نجو، [چه] مردم مردگان‌اند و اهل دانش زنده می‌مانند!
- (۴) دانش را به دست بیاور و برایش هرگز جایگزینی نجو، [چه] مردم مرده‌اند و دانشمندان زنده!

۲۴۷۱- «إِنَّ الَّذِي يَفْخَرُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ يَرَى أَنَّ النَّاسَ خُلُقُوا مِنْ ذَهَبٍ أَوْ حَدِيدٍ أَوْ نُحَاسٍ!»:

- (۱) قطعاً آن‌که از روی نادانی به نژاد افتخار می‌کند، می‌پندارد که مردم از طلا یا آهن یا مس آفریده شده‌اند!
- (۲) کسی که گمان دارد مردم از طلا یا آهن یا نقره خلق شده‌اند، قطعاً از روی نادانی به نژاد افتخار خواهد کرد!
- (۳) کسی که به خاطر نادانی به اصل و نسب می‌نازد، قطعاً گمان می‌کند که مردم را از طلا یا نقره یا مس آفریده‌اند!
- (۴) همانا کسی که با نادانی‌اش به اصل و نسب افتخار می‌کند، مردم را می‌بیند که از طلا یا آهن یا مس آفریده شده‌اند!

۲۴۷۲- عَيْنُ الصَّحِيح:

- (۱) إِنَّمَا النَّاسُ لَأَمْ وَلَأَب: مردم قطعاً از یک مادر و پدر هستند!
- (۲) كَأَنَّ إِرْضَاءَ النَّاسِ غَايَةُ لَا تُدْرَكُ: راضی شدن مردم گویی هدفی است که به دست نمی‌آورد!
- (۳) إِنْ تَكْتَبُ بِعَجَلَةٍ فَسَوْفَ يُصْبِحُ خَطُّكَ قَبِيحًا: اگر با شتاب بنویسی، خطت زشت خواهد شد!
- (۴) تَمَنَّى الْمَزَارِعُ: لَيْتَ الْمَطَرُ يَنْزِلُ كَثِيرًا: کشاورز آرزو دارد: کاش باران بسیاری ببارد!

۲۴۷۳- «الْأَعْصَابُ خِيوطُ بَيْضَاءَ تَوْجِدُ فِي كُلِّ الْجِسْمِ، يَجْرِي فِيهَا الْحَشُّ وَكُلُّهَا تَنْتَهِي إِلَى الدِّمَاغِ!»:

- (۱) عصب‌ها نوارهای سفیدرنگی هستند که در تمام بدن وجود دارند و حس در آن‌ها جریان دارد و همگی انتهایشان در مغز است!
- (۲) پی‌ها نخ‌های سفیدی هستند که در سراسر بدن وجود دارند و حس در آن‌ها جاری است و همگی‌شان به مغز ختم می‌شوند!
- (۳) عصب‌ها رشته‌های سفیدی‌اند که در هر جسم وجود دارد تا حس در آن‌ها جاری شود و همگی به مغز منتهی می‌شوند!
- (۴) پی‌ها نخ‌هایی به رنگ سفید هستند که در هر جسمی وجود دارند و حس را در آن جاری می‌کنند و همگی به مغز ختم می‌شوند!

۲۴۷۴- «سَيَقُولُ الَّذِينَ سَارَعُوا فِي ارْتِكَابِ الْمَعَاصِي فِي يَوْمِ الْبَعْثِ، يَا لَيْتَنَا كُنَّا تَرَابًا!»:

- (۱) آنانی که در ارتکاب گناه زیاده‌روی کرده‌اند در روز قیامت خواهند گفت: «ای کاش ما خاک می‌شدیم!»
- (۲) کسانی که در انجام گناهان شتاب ورزیده‌اند، در روز رستاخیز خواهند گفت: «ای کاش، خاک بودیم!»
- (۳) آنانی که در انجام گناهان شتاب می‌ورزند، در روز رستاخیز می‌گویند: «ای کاش ما خاک شویم!»
- (۴) کسانی که در ارتکاب گناهان زیاده‌روی می‌کنند، در روز واپسین خواهند گفت: «کاش ما از خاک بودیم!»

۲۴۷۵- «لَا إِيْمَانُ لِلَّذِينَ يُطْعَمُونَ الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا يَأْكُلُونَ!»:

- (۱) ایمانی ندارند آنان که به درماندگان از آن چه نباید بخورند، غذا می‌دهند!
- (۲) هیچ ایمانی ندارند آنان که از چیزهایی که خود نخورده‌اند به درماندگان می‌دهند!
- (۳) کسانی که به درماندگان از آن چه نمی‌خورند، غذا می‌دهند، هیچ ایمانی ندارند!
- (۴) برای آنان که از آن چه نمی‌خورند به درماندگان غذا نمی‌دهند، هیچ ایمانی وجود ندارد!

۲۴۷۶- عَيْنُ الصَّحِيح:

- (۱) خذُوا الْحَقَّ مِمَّنْ يَقُولُهُ وَكُونُوا نَقَادَ الْكَلَامِ: حق را از آن‌که می‌گوید بپذیرید و نقدکننده سخن باشید!
- (۲) لَا تَسْبُوا النَّاسَ فَتَكْتَسِبُوا الْعِدَاةَ بَيْنَهُمْ: به مردم دشنام ندهید تا دشمنی‌شان را به دست نیاورید!
- (۳) تَمَنَّى الْمَزَارِعُ، لَيْتَ الْمَطَرُ يَنْزِلُ كَثِيرًا: کشاورز آرزو دارد که باران زیادی ببارد!
- (۴) حُضِرَ السَّيَّاحُ فِي الْقَاعَةِ وَلَكِنْ الدَّلِيلُ لَمْ يَحْضُرْ: گردشگران حاضر شدند، اما راهنما در سالن حاضر نشده بود!

۲۴۷۷- عَيْنُ الصَّحِيح:

- (۱) إِنَّمَا النَّاسُ لَأَمْ وَلَأَب: مردم همگی از یک پدر و مادر هستند!
- (۲) إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَقْلِ ثَابِتٍ: همانا افتخار تنها برای خردمند ثابت قدم است!
- (۳) هَذَا طَعَامٌ لَمْ يُذَكَّرْ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ: این غذایی است که نام خدا بر آن ذکر نشده است!
- (۴) كَأَنَّهُ دَاءٌ لَا بَرْكَهَ فِيهِ: آن مانند یک بیماری است و برکتی در آن نیست!

۲۴۷۸- عَيْنُ الْخَطَأ:

- (۱) ﴿وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا﴾: آسمان را سقفی نگه‌دارنده قرار دادیم!
- (۲) جَادِلْ مَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِ رَبِّهِ بِأَسْلُوبٍ أَحْسَنَ: با کسی که از راه پروردگارش گمراه شده، به شیوه‌ای نیکوتر بحث کن!
- (۳) ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾: به راستی که مؤمنان رستگار شده‌اند؛ همانان که در نمازشان فروتن‌اند!
- (۴) لَنْ أُبْرَأَ نَفْسِي فَإِنَّهَا تَأْمُرُنِي إِلَى أَسْوَأِ الْأَعْمَالِ: نفسم را بی‌گناه نخواهم شمرد؛ زیرا آن مرا به بدترین کارها دستور می‌دهد!

۲۴۷۹- عَيْنُ الصَّحِيح:

- (۱) لا لباس أجمل من العافية: هرگز لباسی به زیبایی سلامتی وجود ندارد!
- (۲) لَا تَسْبُوا النَّاسَ فَتَكْتَسِبُوا الْعِدَاةَ بَيْنَهُمْ: به مردم دشنام ندهید، چون دشمنی‌شان را به دست می‌آورید!
- (۳) لا صديق أوفى من الكتاب فاغتنموا: هیچ دوستی، باوفاتر از کتاب وجود ندارد، پس آن را غنیمت شمارید!
- (۴) لَا تَقُولُوا كَلَامًا يَسْبِبُ الْعِدَاةَ بَيْنَ أَصْدِقَائِكُمْ: نباید سخنی را که باعث دشمنی با دوستانتان می‌شود، بگویید!

فرامتن

۲۴۸۰- «كُنْتُ أَبْصُرُ صُورِي مِنْ أَيْتَامٍ دَرَسْتِي وَأَقُولُ فِي نَفْسِي: لَيْتَ مَا مَضَى يَرْجِعَ!»:

- (۱) عکس‌هایم از روزهای تحصیلم را نگاه می‌کردم و با خودم می‌گفتم: «کاش آن چه گذشته است، بازگردد!»
- (۲) عکس‌های دوران تحصیلم را نگاه کردم و با خودم گفتم: «ای کاش آن چه گذشته است، برمی‌گشت!»
- (۳) عکس‌هایی از روزهای تحصیلم را نگاه می‌کنم و به خودم می‌گویم: «کاش می‌شد آن چه گذشته است، برگردد!»
- (۴) عکس‌هایم در دوران تحصیل را نگاه می‌کردم و به خودم می‌گفتم: «کاش گذشته، برمی‌گشت!»

۲۴۸۱- «يُؤَكِّدُ فِي الْأَحَادِيثِ عَلَى أَنْ نَعْفُو عَنْ عَدُوِّنَا عِنْدَ الْقُدْرَةِ لَعَلَّنَا نَرْحَمَ!»:

- (۱) در احادیث تأکید می‌گردد که در زمان قدرت یافتن باید از دشمن خود درگذریم تا بخشیده شویم!
- (۲) در احادیث تأکید می‌شود که دشمن را به زمان قدرت ببخشاییم و امید داشته باشیم که ما را ببخشایند!
- (۳) در احادیث تأکید شده است که در زمان قدرتمان از دشمن درگذریم، شاید که ما مورد رحمت قرار بگیریم!
- (۴) در احادیث تأکید می‌شود که در زمان قدرت از دشمنمان درگذریم، امید است که مورد رحمت قرار بگیریم!

۲۴۸۲- «إِنَّ الْإِنْسَانَ الَّذِي خُلِقَ مِنَ الطِّينِ وَ لَهُ جَرَمٌ صَغِيرٌ، انطوي فيه عالم أكبر لا نهاية له!»:

- (۱) بی‌گمان انسانی که از گل آفریده شده و پیکری کوچک دارد، در او جهانی بزرگ‌تر به هم پیچیده شده که هیچ انتهایی ندارد!
- (۲) همانا انسانی را که از گل آفریده‌اند و جسمی کوچک دارد، در او جهانی بزرگ‌تر نهفته است که پایانی برای آن وجود ندارد!
- (۳) بی‌تردید این انسانی که آفرینشش از خاک بوده و پیکری کوچک دارد، عالمی بزرگ‌تر در او به هم پیچیده شده که هیچ پایانی برای آن وجود ندارد!
- (۴) بی‌شک انسانی که از خاک آفریده شده و دارای جسمی کوچک است، عالمی بزرگ را در خود به هم پیچیده که هیچ انتهایی برایش نیست!

۲۴۸۳- «لا خير في ود شخص يجرك بأعماله القبيحة إلى طريق يؤدي إلى الشقاوة!»:

- (۱) در دوستی با کسی که با اعمال زشت خود، تو را به راهی کشانده که منجر به بدبختی تو می‌شود، خیری نیست!
- (۲) در دوستی با شخصی که با کارهای زشتش تو را به راهی می‌کشاند که منجر به بدبختی می‌شود، هیچ خیری نیست!
- (۳) کسی که با کار زشتش تو را به راهی می‌کشاند که منجر به بدبختی می‌شود، دوستی‌اش هیچ خیری برای تو ندارد!
- (۴) در دوستی با شخصی که به واسطه اعمال زشتش به راهی کشانده می‌شوی که سبب بدبختی می‌گردد، خیری وجود ندارد!

۲۴۸۴- «كَانَ هَذِهِ الْعِظَامُ مُتَعَلِّقَةً بِالْحَيَوَانَاتِ الَّتِي كَانَتْ تَعِيشُ جَمَاعَةً خَوْفًا مِنْ هُجُومِ الْحَيَوَانَاتِ الْمُفْتَرَسَةِ!»:

- (۱) گویا این استخوان‌ها متعلق به حیواناتی است که از ترس حمله حیوانات درنده به طور گروهی زندگی می‌کردند!
- (۲) گویی این استخوان‌ها به حیواناتی تعلق دارد که با ترس از هجوم حیوانات درنده به شکل گروهی زندگی کرده‌اند!
- (۳) شاید این استخوان‌ها به حیواناتی متعلق باشد که چون از هجوم حیوانات درنده ترس داشتند، به طور گروهی زندگی می‌کردند!
- (۴) انگار این استخوان متعلق به حیواناتی بوده است که از حمله حیوانات درنده می‌ترسیدند و به شکل گروهی زندگی می‌کردند!

۲۴۸۵- «لَنْ تَجِدُوا فِي الْكَسَلِ مَا يُسَبِّبُ نَجَاحَكُمْ؛ فَإِنَّهُ لَا نَجَاحَ لِمَنْ لَا يُحَاوِلُ لَأَهْدَافَهُ!»:

- (۱) در تنبلی آن چه را که سبب موفقیتتان شود، نخواهید یافت، زیرا برای کسی که برای اهدافش تلاش نمی‌کند، هیچ موفقیتی وجود ندارد!
- (۲) آن چه را که باعث موفقیت شما شود، در تنبلی هرگز نمی‌یابید، چه کسی که برای اهداف خود تلاش نکند، موفق نخواهد شد!
- (۳) هرگز در تنبلی چیزی که باعث موفقیت شود، یافت نخواهد شد، زیرا هیچ موفقیتی برای کسی که تلاش نکرده است، وجود ندارد!
- (۴) در تنبلی چیزی را که دلیل موفقیتتان باشد، نمی‌یابید؛ چه، کسی که برای هدف‌های خود تلاش نمی‌کند، موفق نمی‌شود!

۲۴۸۶- عَيْنُ الْخَطَا فِي التَّرْجُمَةِ:

- (۱) في هذه المدينة لا طبيب يعالج المرضى!؛ در این شهر، هیچ پزشکی بیماران را معالجه نمی‌کند!
- (۲) لا أحزن على كلِّ مكروه أواجهه!؛ به خاطر هر ناپسندی که با آن روبه‌رو شوم، ناراحت نمی‌شوم!
- (۳) لا أثر ل رأي الأعداء في بلادنا!؛ نظر دشمنان در کشور ما هیچ تأثیری ندارد!
- (۴) لا يُؤَيِّدُ الَّذِينَ يَفْخَرُونَ بِأَنْفُسِهِمْ!؛ کسانی که فخر فروشی می‌کنند، تأیید نمی‌شوند!

۲۴۸۷- عَيْنُ الْخَطَا:

- (۱) من يتبع سنن العالم يصل إلى أهدافه!؛ هر کس از سنت‌های جهان پیروی کند، به هدف‌هایش می‌رسد!
- (۲) لا قيمة لعلم لم يقتنر بالعمل!؛ هیچ علمی که با عمل همراه نشده است، ارزشی ندارد!
- (۳) لا نحرّم على أنفسنا ما أحله الله!؛ نباید آن چه را که خداوند حلال کرده است، بر خودمان حرام کنیم!
- (۴) لا يرحم الله من لا يرحم الناس!؛ خداوند به کسی که به مردم رحم نکند، رحم نمی‌کند!

۲۴۸۸- عَيْنُ الْخَطَا:

- (۱) إِنَّمَا يُفْلِحُ فِي الدُّنْيَا مَنْ يُطِيعَ اللَّهَ!؛ فقط کسی در دنیا رستگار می‌شود که از خداوند اطاعت کند!
- (۲) لعلَّ هذه الأجهزة المتقدّمة تساعدنا على حلِّ مشاكلنا!؛ امیدواریم این دستگاه‌های پیشرفته به ما در حلّ مشکلات کمک کنند!
- (۳) كَأَنَّ والدك كان متردداً في شراء تلك السيارة!؛ گویا پدر تو در خریدن آن ماشین، مردّد بود!
- (۴) لا تُطْعِمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ!؛ از چیزی که نمی‌خورید، به بیچارگان غذا ندهید!

۲۴۸۹- «لَا يَفْخَرُ الْإِنْسَانُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ فَإِنَّ كُلَّ امْرِئٍ يُفْلِحُ بِالْعِلْمِ وَعَمَلٍ يُحْسِنُهُ فِي الْحَيَاةِ!»:

- (۱) انسان از روی نادانی به دودمان افتخار نمی‌کند، چرا که هر انسانی با دانش و کاری که آن را به نیکی در زندگی انجام می‌دهد، رستگار می‌شود!
- (۲) نباید انسان جاهل به خاندان خود بیالد، زیرا هر انسانی به وسیله علم و عملی که آن را در زندگی به خوبی انجام می‌دهد، رستگار می‌گردد!
- (۳) آدمی نباید نابخردانه به خاندان افتخار کند، برای این که در زندگی فقط کسی که علم و عمل را به خوبی به کار گیرد، رستگار می‌گردد!
- (۴) انسان نباید نابخردانه به دودمان افتخار کند، چرا که هر انسانی به وسیله علم و کاری که آن را در زندگی نیکو انجام می‌دهد، رستگار می‌شود!

۲۴۹۰- «يَمْكُنُ أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أَكْفَاءً مِنْ كُلِّ جِهَةٍ إِلَّا فِي أَعْمَالٍ يُحْسِنُونَهَا فَعَلِينَا أَنْ نَفُوزَ بِهَذِهِ الْمَهَارَةِ!»:

- (۱) ممکن است که مردم از هر جهت با هم برابر باشند مگر در کارهایی که آن‌ها را به خوبی انجام می‌دهند، پس ما باید این مهارت را به دست بیاوریم!
- (۲) امکان دارد که مردم از هر لحاظی جز کارهای خوبی که انجام می‌دهند با هم برابر باشند، پس بر ماست که این مهارت را به دست بیاوریم!
- (۳) مردم شاید از هر جهتی با هم برابر باشند، اما در کارهایی که در آن‌ها نیکی می‌کنند این‌گونه نیست؛ بنابراین باید به وسیله این مهارت پیروز شوند!
- (۴) امکان دارد که مردم از هر جهت شبیه هم باشند مگر در کارهایی که با نیکی انجام می‌دهند؛ بنابراین ما باید از این مهارت استفاده کنیم!

(آزمون‌های آزمایشی خیلی‌سبز)

(آزمون‌های آزمایشی خیلی‌سبز)

۲۴۹۱- «من الأفضل أن لا يصير البائع على بيع بضاعه في المتجر عندما يكون المشتري في شرائها متردداً و يقصد أن يترك المكان!»: (آزمون‌های آزمایشی خیلی سبز)

- ۱) بهتر است که فروشنده بر فروش کالای مغازه‌اش پافشاری نکند، هنگامی که خریدار در خرید خود دودل می‌باشد و قصد دارد که محل را ترک کند!
- ۲) فروشنده نباید برای فروش کالاهای خود در مغازه اصرار کند، هنگامی که مشتری برای خرید آن‌ها تردید دارد و قصد ترک محل را دارد!
- ۳) بهتر است که فروشنده بر فروش کالاهای خود در مغازه اصرار نرزد، وقتی که خریدار در خرید آن‌ها دودل می‌باشد و قصد دارد محل را ترک کند!
- ۴) بهترین فروشنده کسی است که برای فروش کالای خود در مغازه پافشاری نکند، وقتی که مشتری در خریدش دودل است و قصد دارد آن‌جا را ترک کند!

۲۴۹۲- «إذا ينطوي الكذب والصدق فإنما يستطيع أن يبصر الحقيقة العاقل كطييب يجد دواء كل داء!»: (آزمون‌های آزمایشی خیلی سبز)

- ۱) اگر دروغ و راست در هم پیچیده شود، فقط عاقل می‌تواند حقیقت را ببیند، همچون پزشکی که داروی هر دردی را می‌یابد!
- ۲) اگر راست و دروغ در هم بیچد، عاقل فقط می‌تواند حقیقت را ببیند، همچون طبیبی که برای هر دردی دوا می‌یابد!
- ۳) اگر دروغ و راست در هم پیچیده شود، قطعاً عاقل می‌تواند حقیقت را بیابد، همچون پزشکی که داروی هر دردی را می‌بیند!
- ۴) اگر دروغ و راست به هم بیچد، عاقل قطعاً می‌تواند حقیقت را ببیند، مانند طبیبی که دواي همه دردها را پیدا می‌کند!

۲۴۹۳- «يجب علينا أن ننسب من يدعو الآخرين إلى عقائده ولو كانت خرافة فالعقل يبدأ بالحوار معه ليقنعه!»: (آزمون‌های آزمایشی خیلی سبز)

- ۱) ما نباید به کسی که دیگران را به عقیده‌های خودش دعوت می‌کند دشنام دهیم، هر چند خرافی باشد؛ پس انسان عاقل شروع به گفت‌وگو با او می‌کند تا او راقع کند!
- ۲) بر ماست که به کسی که دیگران را به عقایدش دعوت می‌شوند ناسزا نگوئیم، حتی اگر خرافی باشند، چه عاقل برای قانع‌کردنش، شروع به گفت‌وگو با او می‌کند!
- ۳) ما نباید آن کسی را ناسزا بگوئیم که دیگران را به عقیده‌های خویش فرامی‌خواند، هر چند خرافی باشد و انسان خردمند گفت‌وگویش را با او آغاز می‌کند تا قانع شود!
- ۴) بر ماست دشنام‌ندادن به کسی که دیگران را به عقیده‌های خودش که خرافی بودند، دعوت می‌کند؛ پس انسان عاقل گفت‌وگوی با او را آغاز می‌کند تا وی راقع کند!

۲۴۹۴- «ليت ملف كل أعمالنا السيئة ينطوي لنستطيع أن نبصر حقائق الحياة الجميلة ونشعر بأننا خلقنا من جديد!»: (آزمون‌های آزمایشی خیلی سبز)

- ۱) کاش پرونده تمامی کارهای بدمان بسته می‌شد و قادر بودیم حقیقت‌های زیبای زندگی را ببینیم و حس می‌کردیم ما که از نو به دنیا آمده‌ایم!
- ۲) کاشکی با پیچیده‌شدن همه اعمال زشتان بتوانیم واقعیت‌های زندگی زیبا را رؤیت کنیم و حس کنیم که مجدداً خلق شده‌ایم!
- ۳) کاش پرونده تمام اعمال بدمان به هم پیچیده شود تا بتوانیم حقیقت‌های زیبای زندگی را مشاهده کنیم و احساس کنیم که ما دوباره آفریده شده‌ایم!
- ۴) شاید همه پرونده‌های کارهای زشتان در هم پیچیده گردد تا قادر باشیم حقایق زیبای زندگی را با بصیرت بنگریم و حس کنیم که ما از نو خلق شده‌ایم!

۲۴۹۵- «صحيح أن الناس لا يتنبخون أسرتهم ولكن العلماء لا يعرفون حبلاً أقوى منها فكأنها بنيانٌ مَرصُوسٌ لأعضائها!»: درست است که مردم ... (آزمون‌های آزمایشی خیلی سبز)

- ۱) نمی‌توانند خانواده خود را انتخاب کنند، ولی علماء طنابی به قوت آن نمی‌شناسند، چرا که آن مانند ساختمان محکمی برای اعضایش می‌شود!
- ۲) خانواده خود را انتخاب نمی‌کنند، ولی دانشمندان ریسمانی محکم‌تر از آن نمی‌شناسند و گویی آن یک ساختمان استوار برای اعضای خویش است!
- ۳) انتخابی در مورد خانواده خود ندارند، ولی اندیشمندان طنابی محکم‌تر از آن نشناخته‌اند، زیرا آن قلعه‌ای مستحکم برای اعضایش است!
- ۴) خانواده خود را بر نمی‌گزینند، ولی دانشمندان ریسمانی قوی‌تر از آن را نمی‌شناسند، چون خانواده مانند ساختمانی استوار برای افرادش است!

سوالات کنکور سراسری

۲۴۹۶- عین الخطأ:

- ۱) أحسنت يا أخي، مع أنك مُعَوِّقٌ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَحْصَلَ عَلَى جَائِزَةٍ ذَهَبِيَّةٍ فِي السَّبَاحَةِ: آفرین برادر، تو با وجود این که معلول هستی توانستی جایزه طلایی شنا را به دست آوری!
- ۲) إِنْ تَظَنُّوا أَنَّكُمْ بَتَنَاولِ الطَّعَامِ الْكَثِيرِ تَقْدِرُونَ أَنْ تَقَاوِمُوا الْأَمْرَاضَ تَكُونُوا فِي الْخَطَأِ: اگر شما گمان می‌کنید که با خوردن غذای زیاد می‌توانید که در برابر بیماری‌ها مقاوم شوید در اشتباه می‌باشید!
- ۳) عندما سألْتُ هذا المزارع عن عمر أشجار حديقته أجباني، أقدره ثلاثين سنة تقريباً: هنگامی که از این کشاورز پیرامون عمر درختان باغش پرسیدم، به من پاسخ داد، آن را تقریباً به ۳۰ سال برآورد می‌کنم!
- ۴) لا غرة في هذا الفندق أجمل من غرفتنا لأنَّ نوافذها تفتح على ساحل البحر: هیچ اتفاقی در این هتل زیباتر از اتاق ما نیست، زیرا پنجره‌های آن به ساحل دریا گشوده می‌شود!

۲۴۹۷- ﴿وَمَا أَبْرَأُ نَفْسِي، إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي...﴾: (سراسری خارج ۱۴۰۴)

- ۱) و نفسم را بی‌گناه نمی‌شمارم، زیرا نفس، بسیار دستوردهنده به بدی است، مگر این که پروردگارم رحم کند!
- ۲) و خودم را تبرئه نمی‌کنم، زیرا نفس اماره جز در مواقعی که خدا رحم کند، دائماً به بدی دستور می‌دهد!
- ۳) نفسم بی‌گناه به شمار نمی‌آید، زیرا جز در مواردی که پروردگارم رحم کند، بسیار به بدی فرمانم می‌دهد!
- ۴) نفسم بی‌گناه نیست، زیرا این نفس همواره به بدی‌ها فرمان داده، مگر این که خدایم به من رحم کند!

۲۴۹۸- ﴿رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ﴾: (سراسری نوبت اول ۱۴۰۳)

- ۱) خداوند، بر ما هموار نکن آن چه را طاقت نمی‌آوریم!
- ۲) بارالها، هیچ چیزی را که طاقت نداریم بر ما هموار مکن!
- ۳) پروردگارا، آن چه را هیچ طاقتی بر آن نداریم بر ما تحمیل مکن!
- ۴) ای خدا، چیزی را که نمی‌توانیم طاقت بیاوریم بر ما تحمیل مکن!

۲۴۹۹- عین الصحيح:

- ۱) لا صيادَ هناك يستطيع أن يستخرج اللؤلؤ من مياه نهجٍ صغير: هیچ صیادی نیست که بتواند از آب‌های رودی کوچک مروارید استخراج کند!
- ۲) إِنَّ عددَ أسنان الكلب ليس أكثر من اثنتين وأربعين سناً: تعداد دندان‌های سگ بیش از بیست و چهار دندان نیست!
- ۳) ليتني كنتُ أقدر إرضاء جميع الناس في هذه الدنيا: شاید بتوانم همه مردم دنیا را راضی کنم!
- ۴) إِنَّ العالمَ يسعى أن يغلب عقله جهله: عالم سعی می‌کند که با عقل خود بر جهل چیره شود!

(عمومی انسانی خارج ۱۴۰۱)

۲۵۰۰- «إِنْ تَجَالِسَ مَنْ يَعْمَلُ بِالْعَدْلِ دَائِمًا، لَا حِيلَةَ لَكَ إِلَّا أَنْ تَكُونَ عَادِلًا!»:

- (۱) اگر پیوسته همنشین کسی باشی که به عدل رفتار می‌کند، چاره‌ای نداری مگر این‌که عادل باشی!
- (۲) اگر با کسی همنشینی کردی که پیوسته به عدل عمل می‌کند، چاره‌ای جز این‌که عادل بشوی نیست!
- (۳) اگر پیوسته با کسی همنشین شوی که به عدالت رفتار می‌کند، هیچ چاره‌ای جز این‌که عادل بشوی نیست!
- (۴) اگر با کسی همنشینی کنی که همیشه به عدالت عمل می‌کند، هیچ چاره‌ای نداری مگر این‌که عادل باشی!

(عمومی انسانی ۱۴۰۱)

۲۵۰۱- عَيْنُ الْخَطَا:

- (۱) المرء القوي يَعْمَلُ وَالضَّعِيفُ يَتَمَتَّى: انسان نیرومند عمل می‌کند و انسان ضعیف آرزو می‌کند!
- (۲) الْحَيَاةُ بِلَا عَمَلٍ كَثَقِلَ يُحْمَلُهُ الْإِنْسَانُ عَلَى نَفْسِهِ: زندگی بدون عمل چون بار سنگینی است که انسان آن را بر خود تحمیل می‌کند!
- (۳) عَلَيْنَا أَنْ نَكُونَ نَقَادِينَ لِلْكَلامِ حَتَّى نَأْخُذَ كَلِمَةَ الْحَقِّ مِنْ أَيْ شَخْصٍ: ما باید از نقدکنندگان سخن باشیم تا سخن حق را از افراد گرفته باشیم!
- (۴) الْمَعْرِفَةُ كَالشَّجَرَةِ لَا تَصْغُرُ يَوْمًا بَعْدَ يَوْمٍ بَلْ تَنْمُو كُلُّ يَوْمٍ: معرفت چون درخت است که روز به روز کوچک نمی‌شود، بلکه هر روز رشد می‌کند!

(عمومی انسانی ۱۴۰۱)

۲۵۰۲- «لَا تَقْتُلْ مَا لَا عِلْمَ لَكَ بِهِ، زَيْمًا يُسَبِّبُ لَكَ مَشَاكِلَ وَتَدْمٍ عَلَيْهِ: فَلَا بَدَّ أَنْ تَسْكُتَ!»:

- (۱) آن چه را که به آن هیچ علمی نداری مگو، چه بسا باعث مشکلاتی برایت شود و از آن پشیمان شوی؛ پس ناچار باید ساکت شوی!
- (۲) از آن چه که بدان علمی نداری حرف نزن، چه بسیار سبب مشکلات برای تو می‌شود و از آن پشیمان شده، مجبور به سکوت شوی!
- (۳) راجع به چیزی که هیچ علمی بدان نداری حرف نزن، بسیار مشکلات برایت می‌آورد و از آن نادم شده، ناگزیر سکوت خواهی کرد!
- (۴) چیزی را که نسبت به آن علمی نداری مگو، مشکلات بسیاری را سبب می‌شود؛ پس پشیمان خواهی شد و چاره‌ای جز سکوت نخواهی داشت!

(اختصاصی انسانی ۱۴۰۱)

۲۵۰۳- «لَا دَاءَ فِي الطَّبِيعَةِ إِلَّا وَهُوَ مُؤَلِّمٌ وَلَكِنْ لَهُ دَوَاءٌ، وَالدَّوَاءُ هُوَ أَنْتَا نَسْمَحُ لِكُلِّ مَوْجُودٍ أَنْ يَقُومَ بِأَعْمَالِهِ خُلُقِ لَهَا!»:

- (۱) مرضی در طبیعت وجود ندارد جز این‌که دردناک باشد، لکن برایش دارویی است و آن این است که اجازه دهیم موجودات همگی اقدام به کارهایی کنند که برای آن آفریده شده‌اند!
- (۲) هیچ بیماری‌ای در طبیعت نیست مگر این‌که دردناک است، ولی درمانی دارد و آن درمان این است که ما به هر موجودی اجازه می‌دهیم به کارهایی بپردازد که برایش خلق شده!
- (۳) در طبیعت بیماری‌ای نیست که درد نداشته باشد، ولی آن دوايي دارد و دواي آن این است که به همه موجودات اجازه کارهایی را دهیم که برایش آفریده شده‌اند!
- (۴) هیچ مرضی در طبیعت بدون درد نیست، الا این‌که درمانی دارد و آن درمان اجازه دادن به هر وجودی است که بتواند به کارهایی بپردازد که برای او خلق شده!

(اختصاصی انسانی خارج ۱۴۰۱)

۲۵۰۴- «لَا تَبْزُرْ نَفْسَكَ، لِأَنَّ النَّفْسَ تَأْمُرُكَ بِالسَّوِّ دَائِمًا، إِلَّا إِذَا تُرِيدُ أَنْ لَا تَسْتَمَعَ إِلَيْهَا وَلَا تَعْمَلَ بِأَوَامِرِهَا»:

- (۱) نفس خود را تیرئه مکن، زیرا نفس همیشه تو را به بدی امر می‌کند، مگر این‌که تو بخواهی به آن گوش ندهی و به اوامرش عمل نکنی!
- (۲) خویشتن تو از گناه بری نیست، زیرا که این نفس همواره تو را امر به بدی می‌کند، مگر زمانی که نخواهی به بدی گوش بدهی و به آن عمل کنی!
- (۳) خود را بی‌گناه ندان و تیرئه مکن، زیرا نفس تو همواره تو را به بدی دستور می‌دهد، مگر این‌که بخواهی به او گوش ندهی و به اوامرش عمل نکنی!
- (۴) تو هیچ‌گاه از گناه دور نیستی، زیرا نفس تو همیشه به تو دستور می‌دهد به بدی کردن، هر چند تو نخواهی به او گوش دهی و به خواسته‌هایش عمل کنی!

(عمومی انسانی ۱۴۰۰)

۲۵۰۵- عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- (۱) مَا أَسْرَعَ مَرَّ السَّنِينَ مِنَ الثُّمَرِ وَنَحْنُ فِي غَفْلَةٍ: سال‌های عمر به سرعت می‌گذرد و ما در غفلت هستیم!
- (۲) إِذَا عَمِلْتَ سَيِّئَةً فَاعْمَلْ حَسَنَةً حَتَّى تُعَوِّضَ مِنْهَا: هرگاه کار بدی را انجام دادی کار نیکی انجام بده تا آن را جبران کنی!
- (۳) يَصْنَعُ الْإِنْسَانُ أَشْيَاءَ تُحَوِّلُ الظَّلَامَ إِلَى الضَّوِّ: انسان با ساختن اشیایی تاریکی را به روشنایی تبدیل کرده است!
- (۴) إِفْرَازُ السَّائِلِ الْمُطَهَّرِ مِنْ لِسَانِ الْقَطْطِ جَعَلَهُ حَيَوَانًا خَاصًّا: گربه با ترشح مایع پاک‌کننده از زبانش حیوان خاصی شده است!

(هنر ۱۴۰۰)

۲۵۰۶- «إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَرَوَةٌ لَا يَسْتَطِيعُ الظَّالِمُونَ أَنْ يَنْهَبُوهَا، وَلَا حَاجَةَ لَهُ إِلَى حَارِسٍ يَحْرُسُهُ!»:

- (۱) تنها علم ثروت است، ستمکاران نمی‌توانند غارتش کنند، و هیچ نیازی نیست که نگهبانی از آن حراست کند!
- (۲) ثروت واقعی علم است، ظالمان نمی‌توانند علم را غارت کنند، و نیازی ندارد که نگهبانی از آن نگهبانی کند!
- (۳) علم فقط ثروتی است که ظالمان توانایی ندارند غارتش کنند، و نیازی به نگهبانی که از آن نگهداری کند وجود ندارد!
- (۴) علم تنها ثروتی است که ستمکاران نمی‌توانند آن را به یغما برند، و هیچ نیازی به نگهبانی که از آن محافظت کند ندارد!

(اختصاصی انسانی ۹۹)

۲۵۰۷- عَيْنُ الْخَطَا:

- (۱) اِكْرَهَ الْجُرْمَ وَلَا تَكْرَهَ الْمُجْرِمَ: جرم را زشت بدار و مجرم را ناپسند مشمار،
- (۲) لَا بَأْسَ فِي أَنْ تَدْرُسَ الْقَوْلَ وَلَكِنْ اِحْتَرَمْ الْقَائِلَ: هیچ اشکالی نیست در این‌که گفتار را بررسی کنی، ولی گوینده را احترام کن،
- (۳) عَلَيْكَ أَنْ تَرْحَمَ الْعَاصِيَ وَلَكِنْ تُسَخِّطِكَ الْمَعْصِيَةُ: تو باید بر عصیانگر رحم کنی، ولی از معصیت خشمگین می‌شوی،
- (۴) فَإِنَّ مَهْمَتَكَ أَنْ تَتَغَلَّبَ عَلَى الْمَرَضِ لَا عَلَى الْمَرِيضِ: زیرا مأموریت تو این است که بر بیماری غلبه کنی نه بر بیمار!

(تجربی ۹۹)

۲۵۰۸- عَيْنُ الْخَطَا:

- (۱) عندما نعرف كيف فشلنا نفهم كيف سننجح!: هر زمان بدانیم چگونه شکست خوردیم، می‌فهمیم چگونه موفق خواهیم شد!
- (۲) لَا شَكَّ أَنَّكَ لَا تَخْسِرُ إِلَّا إِذَا امْتَنَعْتَ عَنِ الْمَحَاوَلَةِ: شکی نیست که تو فقط زمانی که از تلاش خودداری کنی، زیان می‌بینی!
- (۳) إِنَّ النِّجَاحَ لَا يَحْتَاجُ إِلَى الْإِقْدَامِ فَقَطْ، بَلْ إِلَى الْجَسَارَةِ أَيْضًا: پیروز شدن فقط به قدم‌ها احتیاج ندارد، بلکه به جسارت نیز نیازمند است!
- (۴) مَنْ يَكْذِبُ، لَا يَجِدُ دَلِيلًا مُقْنِعًا لِثَبَاتِ قَوْلِهِ أَبَدًا! کسی که دروغ می‌گوید، هرگز برای ثابت‌کردن گفته خود دلیلی قانع‌کننده نمی‌یابد!

(زبان ۹۹)

۲۵۰۹ - «هناك لا إنسان بدون خطأ، ولكنّه يفشل عندما يَعدّ نفسه عالماً يُعرّف كلّ شيء!»:

- ۱) هیچ انسانی نیست که خطا نکند، ولی هنگامی که خود را دانای همه چیز به شمار آورد، شکست خواهد خورد!
- ۲) انسان بدون اشتباه، هیچ‌گاه وجود ندارد، اما او می‌بازد هرگاه خود را دانایی فرض کند که هر چیزی را می‌داند!
- ۳) هیچ انسانی بدون خطا وجود ندارد، ولی زمانی که خودش را عالمی به شمار آورد که همه چیز را می‌داند، شکست می‌خورد!
- ۴) انسان هیچ‌گاه بدون اشتباه نیست، اما زمانی می‌بازد که نفس خود را عالمی به حساب آورد که بر هر چیزی آگاه است!

(عمومی انسانی ۹۸)

۲۵۱۰ - «ما یزید صبرنا فی أمور لا طاقة لنا بها، هو الإیمان بالله!»:

- ۱) آن چه صبر ما را در اموری که هیچ توانی برای آن‌ها نداریم، می‌افزاید، همان ایمان به الله است!
- ۲) صبر ما در کارهایی که طاقتش در ما نیست زیاد نمی‌شود، بلکه آن در ایمان به الله است!
- ۳) صبر در کارهایی که توان آن‌ها در ما نیست قدرت ما را زیاد نمی‌کند، بلکه آن ایمان به خداست!
- ۴) چیزی که صبر ما را می‌افزاید، اموری است که هیچ طاقت آن را نداریم که همان ایمان به خداست!

(انسانی خارج ۹۸)

۲۵۱۱ - «لا یغترّ بالدنیا أبداً من یَعلّم أنّها کسراب، یری فیها ما لا وجود له!»:

- ۱) فریب دنیا را کسی نمی‌خورد که دانسته است آن مثل سرابی است که هرگز در آن چیزی وجود ندارد!
- ۲) کسی هرگز فریب دنیا را نخورده است، اگر بداند که آن مثل سراب است و در آن هیچ چیزی وجود ندارد!
- ۳) کسی که می‌داند دنیا چون سرابی است که در آن آن چه وجود ندارد دیده می‌شود، فریب دنیا را هرگز نمی‌خورد!
- ۴) هرگز فریب دنیا را نمی‌خورد کسی که می‌داند که آن چون سرابی است که در آن چیزی را می‌بیند که اصلاً وجود ندارد!

(عمومی غیرانسانی خارج ۹۸)

۲۵۱۲ - عین الصّحیح (بالنظر إلى تأکید الجملة):

- ۱) إنّ الفخر للإنسان الذی له عقلٌ ثابت!؛ فخر برای انسانی است که بی‌گمان دارای عقلی ثابت است!
- ۲) إنّ وعاء العلم لا یضیق بکلّ ما جُعِلَ فیهِ!؛ به طور قطع، ظرف علم با هر آن چه در آن قرار داده شود، تنگ نمی‌شود!
- ۳) إنّ الناس یمیزون بجوار الأشجار التي ینتفعون بها!؛ مردم از کنار درختانی که از آن‌ها سود می‌برند، قطعاً عبور می‌کنند!
- ۴) إنّ غصون بعض الأشجار تنکسر من ثقل وزن ثمارها!؛ شاخه‌های برخی درختان از سنگینی وزن میوه‌هایش بدون شک شکسته می‌شود!

(سراسری ریاضی ۹۸)

۲۵۱۳ - عین الصّحیح:

- ۱) لیتنی رأیت جمیع الكتب!؛ کاش همه کتاب‌ها را ببینم!
- ۲) لعلّ الخیر قد نزل علینا!؛ شاید خیر بر ما نازل شود!
- ۳) لیت الإمتحان قد انتهی!؛ کاش امتحان تمام شود!
- ۴) لعلّ الصّبر یُنقذنا!؛ شاید پایداری نجاتمان دهد!

(اختصاصی انسانی خارج ۹۸)

۲۵۱۴ - «لیت الطّلاب یعرفون أنّ الطالب المجتهد یقدر أن یعوّض قلة استعدادده بالاجتهاد»:

- ۱) شاید دانشجویان بدانند که دانشجوی کوشا می‌تواند کم‌بودن استعدادش را با تلاش جبران نماید!
- ۲) ای کاش دانش‌آموزان بدانند که دانش‌آموز کوشا می‌تواند کمی استعدادش را با تلاش جبران کند!
- ۳) شاید دانش‌آموزان بفهمند که دانش‌آموز تلاشگر توانایی دارد که کم‌بودن استعداد را با تلاش جبران نماید!
- ۴) ای کاش دانشجویان می‌فهمیدند که دانشجوی تلاشگر توانمند است که کمی استعدادش را با تلاش جبران کند!

(اختصاصی انسانی ۹۸)

۲۵۱۵ - «کلّ النّاس سواءٌ و ما هم سوى لحم و عظم و عصب لأمّ و لأب، و الجهال یفتخرون بنسبهم!»:

- ۱) همه مردم برابرند و جز گوشت و استخوان و پی از یک پدر و مادر نیستند، در حالی که نادانان به نسب خود افتخار می‌کنند!
- ۲) همه مردم با هم برابرند و چیزی جز گوشت و استخوان و پی از پدر و مادرشان نیستند، حال آن‌که نادان مفتخر به نژاد خود است!
- ۳) مردم همگی با هم برابرند و جز گوشت و استخوان و عصبی از پدر و مادرشان نیستند، اما نادان به نسب خود فخر می‌فروشد!
- ۴) مردم همگی یکی هستند از گوشت و استخوان و عصب و از یک پدر و مادر، اما نادانان به نژاد خود افتخار می‌کنند!

(زبان ۹۸)

۲۵۱۶ - عین الخطأ:

- ۱) إنّ نأخذ من أموالنا تنقص بمرور الأيام، اگر از اموالمان برداشت کنیم، به مرور زمان کم می‌شود،
- ۲) ولكن عندما نُعطي الآخرين من علمنا و نُعلّمهم، ولی هنگامی که به دیگران از علممان می‌دهیم و به آن‌ها آموزش می‌دهیم،
- ۳) یکثر علمنا، لأنّ فی التعلیم تکرار الدّرس لأنفسنا، علممان زیاد می‌شود، زیرا در آموزش دادن تکرار درس است برای خودمان،
- ۴) فالعلم أحسن من المال لأنّه لا زوال له!؛ پس علم قطعاً از مال بهتر است و علم از بین نمی‌رود!

(عمومی غیرانسانی خارج ۹۷)

۲۵۱۷ - «لألون فی عمقٍ أكثر من ماتّی متر، لأنّ کلّ الألوان تخفّی هناك!»:

- ۱) هیچ رنگی در عمق حدود دویست متر نیست، چه همه رنگ‌ها همان جا مخفی می‌شوند!
- ۲) هیچ رنگی در عمقی بیش از دویست متر وجود ندارد زیرا آن‌جا همه رنگ‌ها پنهان می‌شوند!
- ۳) در عمقی بیش از دویست متر هیچ رنگی نیست، برای این‌که آن مکان همه رنگ‌ها را پنهان می‌کند!
- ۴) در عمقی بیشتر از دویست متر رنگی نیست از آن‌جا که همه رنگ‌هایی که وجود دارند مخفی شده‌اند!

تعریب

۲۵۱۸ - «هیچ کاری بهتر از تحمّل سختی‌های زودگذر در دنیا نیست!»:

- ۱) لا عملاً أحسن من تحمّل المشقّات المتأخّرة فی الدّنيا!
- ۲) لیس عملٌ أحسن من تحمّل المشاكل العديدة فی الدّنيا!
- ۳) لا یوجد عملٌ أفضل من تحمیل المصاعب العارضة الدنیویّة!
- ۴) لا عملٌ أحسن من تحمّل المصاعب العارضة فی الدّنيا!

۲۵۱۹- «هیچ فقری مانند نادانی و هیچ میراثی مانند ادب نیست!»:

- (۱) لا فقیر کالجاهل ولا میراث کالآدب!
- (۲) لا فقر کالجهل ولا میراث کالآدب!
- (۳) لا فقراً کالجهل ولا إراثاً کالآدب!
- (۴) ليس فقر کالجهل وليس میراث کالآدب!

۲۵۲۰- «امید است همکلاسی‌های من در کلاس پیچ نکنند تا درس را بفهمند!»:

- (۱) لعل زملائي لا يتهماسوا في الصَّفِّ حتَّى يَفْهَمُوا الدَّرْسَ!
- (۲) ليت زميلاتي لا يتهماسن في الصَّفِّ حتَّى تفهموا الدَّرْسَ!
- (۳) لعل زميلاتي لا يتهماسن في الصَّفِّ حتَّى يَفْهَمُن الدَّرْسَ!
- (۴) لعل زملائي في الصَّفِّ لا يتهماسون حتَّى يفهمون الدَّرْسَ!

۲۵۲۱- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّعْرِيبِ:

- (۱) هرگز از کسانی نباش که به نسب‌های خود افتخار می‌کنند! لا تصبح أبداً ممن يفتخرون بأنسابهم!
- (۲) گویا آن حیوان از توانایی عجیبی بهره می‌برد! كان ذاك الحيوان ينتفع بقوة عجيبة!
- (۳) هیچ کاری نزد خداوند بهتر از اندیشیدن نیست! ليس عمل عند الله افضل من التفكر!
- (۴) دانش‌آموزان شروع به پیچ کردن در کلاس کردند! بدأ التلاميذ يتهماسون في الصَّفِّ!

۲۵۲۲- عَيْنُ الْخَطَا:

- (۱) هیچ شمشیری برنده‌تر از حق نیست! ليس سيف أقطع من الحق!
- (۲) ای کاش دوباره بتوانم پدرم را ببینم! يا ليتني أستطيع أن أرى أبي مرة أخرى!
- (۳) امید است مسلمانان در کمک به نیازمندان شتاب ورزند! لعل المسلمين يسارعون في مساعدة الفقراء!
- (۴) گویا راضی کردن همه مردم، هدفی است که به دست نمی‌آید! كأنَّ إرضاء جميع الناس غاية لا تُدرَك!

(آزمون‌های آزمایشی خیلی سبز)

۲۵۲۳- «هیچ تلاش بدون نتیجه‌ای وجود ندارد، زیرا قدرت اراده قوی‌تر از قدرت‌های دیگر است!»، عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- (۱) هناك لا اجتهداً دون نتيجة لأنَّ قدرة الإرادة أقوى القدرات الأخرى!
- (۲) لا اجتهد دون نتيجة لأنَّ قدرة الإرادة من أقوى القدرات الأخرى!
- (۳) هناك لا محاولة دون نتيجة لأنَّ قدرة الإرادة أقوى من القدرات الأخرى!
- (۴) لا المحاولة دون نتيجة لأنَّ قوة الإرادة من أقوى القوَّات الأخرى!

(آزمون‌های آزمایشی خیلی سبز)

۲۵۲۴- «دل‌هایتان را با فراوانی غذا و نوشیدنی نَمیرانید!»:

- (۱) لا تُمیتوا قلوبکم بکثرة الطعام و الشراب!
- (۲) لا تموتوا قلوبکم بالطعام الكثير و الشراب!
- (۳) لا تُمیتوا القلوب لکم بکثرة الغذاء و الماء!
- (۴) لا تُمیت قلوبکم بالغذاء الكثير و الماء!

(عمومی انسانی خارج ۱۴۰۱)

۲۵۲۵- «از آن چه نمی‌خورید، به مسکینان مخورانید!»:

- (۱) لا تطعموا المساکين ممَّا لا تأکلون!
- (۲) لا تأکُلوا للمساکين ممَّا لا تطعمون!
- (۳) من الذي لا تأکلون لا تُعطوا المساکين!
- (۴) ممَّا لا تأکلون لا تُعطوا للمساکين!

(عمومی غیرانسانی خارج ۹۸)

۲۵۲۶- «کاش همه شهرهای کشورم را می‌دیدم!»:

- (۱) لعلني أشاهد مدن بلادي جميعاً!
- (۲) ليتني أنظر كلَّ المدن في بلادي!
- (۳) لعلني كنت أنظر مدن بلادي كلها!
- (۴) ليتني كنت أشاهد جميع مدن بلادي!

مفهوم

۲۵۲۷- عَيْنُ الْخَطَا فِي الْمَفْهُومِ:

- (۱) هل يستوي الذين يعلمون والذين لا يعلمون! التشجيع على طلب العلم!
- (۲) لا شيء أحق بالسجن من اللسان! التشجيع على السكوت!
- (۳) لا فقر أشد من الجهل! التشجيع على طلب المال!
- (۴) لا دين لمن لا عهد له! التشجيع على الوفاء بالعهد!

۲۵۲۸- «لا يرحم الله من لا يرحم الناس!»، عَيْنُ الْأُبْعَدِ عَنْ مَفْهُومِ الْعِبَارَةِ:

- (۱) ارحم من في الأرض يرحمك من في السماء!
- (۲) إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ وَسَّعَتْ كُلَّ شَيْءٍ!
- (۳) ارحم تُرحم فإنَّ الرِّحْمَاءَ يرحمهم الرحمن!
- (۴) يرحم الله من يعفو عن أخطاء الآخرين!

۲۵۲۹- عَيْنُ الْخَطَا فِي الْمَفْهُومِ:

- (۱) لا كُنْزٌ أَعْلَى من القناعة! ای شکم خیره به نانی بساز / تا نکنی پشت به خدمت دو تا
- (۲) كأنَّ إرضاء جميع الناس غاية لا تُدرَك! لا يمكن الحصول على رضاء الناس كلَّهم!
- (۳) لا لباس أجمل من العافية! تن آدمی شریف است به جان آدمیت / نه همین لباس زیباست نشان آدمیت
- (۴) لا شيء أحق بالسجن من اللسان! اللسان جرّمه صغير و جرّمه كبير!

۲۵۳۰- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الْمَفْهُومِ:

- (۱) لا خير في قول إلا مع الفعل! خير الكلام ما قلّ و دلّ!
- (۲) أكلتم تمرى و عصيتم أمري! کوزه‌گر از کوزه شکسته آب می‌خورد!
- (۳) لا يحسب الإنسان أن يترك سدى! كل نفس ذائقة الموت!
- (۴) كأنَّ إرضاء جميع الناس غاية لا تدرك! زندگانی به مراد همه‌کس نتوان کرد!

(آزمون‌های آزمایشی خیلی سبز)

۲۵۳۱- عَيْنُ مَا لَا يَرْتَبُطُ بِمَفْهُومِ الْعِبَارَةِ: «لا خير في قول إلا مع الفعل!»:

- (۱) گفتار بی‌کردار، ضایع ماند!
- (۲) مایه غم نبود جز سخن بیهوده
- (۳) دو صد گفته چون نیم کردار نیست!
- (۴) قول نیاید به کار، فعل بود در شمار
- (۵) لب ببند از سخن بیهوده، آسایش کن
- (۶) منکر گفتار شو، اَمّت کردار باش

۲۵۳۲- عَيْنِ الْأَقْرَبِ فِي الْمَفْهُومِ: ﴿يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تَرَابًا﴾

- (۱) امروز که در دست توام مرحمتی کن
 - (۲) تو هم یک زمان خاک خواهی شدن
 - (۳) نامه شرمندگی و حسرت است
 - (۴) سهم ما از خاک وقتی مستطیلی بیش نیست
- ۲۵۳۳- عَيْنِ الْأَقْرَبِ مِنَ الْمَفْهُومِ: «دَوَاؤُكَ فَيْكَ وَمَا تُبْصِرُ، وَدَاؤُكَ مِنْكَ وَلَا تَشْغُرُ»

- (۱) سالها دل طلب جامجم از ما می کرد
 - (۲) یار بی پرده از در و دیوار
 - (۳) دردم از یار است و درمان نیز هم
 - (۴) دردی است غیر مردن کان را دوا نباشد
- ۲۵۳۴- عَيْنِ مَا لَا يُنَاسِبُ مَفْهُومَ الْعِبَارَةِ: «لَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ»:

- (۱) دو صد گفته چون نیم کردار نیست
 - (۲) اگر بخواهی از هر دو سر آبروی
 - (۳) کار کن کار بگذر از گفتار
 - (۴) کسی کو به دانش توانگر بود
- ۲۵۳۵- عَيْنِ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ (فِي الْمَفْهُومِ):

- (۱) ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾ ← دین به دنیا نیرزد!
- (۲) ﴿لَوْ كُنَّا فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا﴾ ← مِنْ كَثْرَةِ الْمَلَأِ حِينَ غَرَقَتِ السَّفِينَةُ!

قواعد

شناخت حروف مشبّهة بالفعل

۲۵۳۶- عَيْنِ مَا لَيْسَ فِيهِ مِنَ الْحُرُوفِ الْمَشْبَهَةِ بِالْفِعْلِ:

- (۱) آیات الله في الأرض كثيرة ولكن أكثرهم لا يعقلون!
- (۲) ليتكم ما كنتم عن القراءة المتواصلة غافلين!

۲۵۳۷- عَيْنِ مَا فِيهِ مِنَ الْحُرُوفِ الْمَشْبَهَةِ بِالْفِعْلِ:

- (۱) لا خير في قول إلا مع الفعل!
- (۲) إعلم أن ربنا يرحم من يرحم الناس!

۲۵۳۸- عَيْنِ عِبَارَةٍ جَاءَ فِيهَا مِنَ الْحُرُوفِ الْمَشْبَهَةِ بِالْفِعْلِ:

- (۱) ﴿مَا تَنْفَقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾
- (۲) على المتكلم أن لا يتدخل في ما ليس له به علم!

انواع «ان»

۲۵۳۹- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي قِرَاءَةِ «ان» فِي الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ حَسَبِ التَّرْجُمَةِ وَالْقَوَاعِدِ: «انْ أَكْثَرَ النَّاسِ يَعْتَقِدُونَ أَنَّ الْإِسْلَامَ مَنَعَ الْمَرْأَةَ أَنْ تَحْضَرَ فِي الْمَجْتَمَعِ»:

- (۱) انْ، اِنَّ، اِنْ
- (۲) اَنْ، اَنَّ، اِنْ
- (۳) اِنَّ، اَنَّ، اِنْ
- (۴) اِنْ، اِنَّ، اَنْ

۲۵۴۰- عَيْنِ الْخَطَا فِي ضَبْطِ الْحُرُوفِ لِحَرْفِ «ان»:

- (۱) اِنَّ مثل العلماء في الأرض كمثل التجوم في السماء!
- (۲) علينا أن نعظم شعائر الله في جميع الأحوال!

۲۵۴۱- عَيْنِ الْخَطَا لَتَكْمِيلِ الْفَرَاقَاتِ:

- (۱) ﴿قُلْ...﴾ الله قادر على ينزل آية: اِنَّ - اَنْ
- (۲) الذين آمنوا يجب عليهم يصلوا خمس مرات في اليوم: اِنَّ - اَنْ
- (۳) هل تصدق الدلائل تستطيع ترشدنا إلى مكان غرق السفن: اَنْ - اَنْ

۲۵۴۲- عَيْنِ الْخَطَا عَنْ قِرَاءَةِ «ان» فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

- (۱) نريد ان نسافر إلى جزيرة كيش بالطائرة: اَنْ
- (۲) لا تحسب ان النجاح ينزل من السماء جاهراً: اَنْ

۲۵۴۳- عَيْنِ «ان» يَخْتَلِفُ نَوْعُهُ عَنِ الْبَاقِي:

- (۱) ان تكامل الإنسان أمر تدريجي يحتاج إلى التعليم والتربية!
- (۲) استخدم سيجاً حول مزرعتك لأن الذئاب تسرق محاصيلك!

۲۵۴۴- عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاقَاتِ عَنْ قِرَاءَةِ «ان»:

- (۱) من أراد يكون أقوى الناس فليتوكل على الله: اَنْ
- (۲) تنفقوا من خير فلکم عشر أمثاله: اِنْ

مفهوم معنایی حروف مشبهة بالفعل

۲۵۴۵- عَيْنُ عبارة تدلُّ على «التمني»:

(۱) ﴿يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تَرَابًا﴾

(۳) لَعَلَّ الْمَوْدَّةَ تَسْتَقَرُّ بَيْنَ جَمِيعِ النَّاسِ فِي الْعَالَمِ!

۲۵۴۶- ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾ حرف «إِنَّ» يؤكد على

(۱) الله

(۲) أجر المحسنين

(۳) لا يضيع أجر المحسنين

(۴) العبارة بأجمعها

۲۵۴۷- عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنِ الْحُرُوفِ فِي الْعِبَارَاتِ:

(۱) ﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ يربط الجملتين

(۲) ﴿يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ﴾ بما غفر لي ربِّي ﴿يُستخدم للتمني

(۳) ﴿فَهَذَا يَوْمَ الْبَعثِ وَلَكِنَّا كُنَّا لَا نَعْلَمُونَ﴾ الأول يرفع الإبهام عن قبله والثاني «لا» النافية

(۴) ﴿لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾ «لا» النافية

۲۵۴۸- عَيْنُ حرفاً يدلُّ على «الرجاء»:

(۱) ﴿لَا تَسْخَرْ قَوْمَ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ﴾

(۳) يَا عِزِّيرَاتِي، أَرْجُو لَكِنَّ التَّوْفِيقَ وَالتَّجَاحَ فِي طَرِيقِ حَيَاتِكُنَّ!

۲۵۴۹- عَيْنُ ما يدلُّ على الرجاء:

(۱) ارحموا النَّاسَ فِي حَيَاتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَرْحَمُونَ!

(۳) كَأَنَّ هَذَا التَّمَثَالَ قَدْ صَنَعَ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفُضَّةِ!

۲۵۵۰- عَيْنُ «ان» يؤكد على الجملة بأجمعها:

(۱) نصحت الطلاب بان يبتعدوا عن التكاسل!

(۳) لا شك ان صديقك يفوز في المسابقة!

۲۵۵۱- عَيْنُ ما يدلُّ على حسرة المتكلم:

(۱) ﴿فَهَذَا يَوْمَ الْبَعثِ وَلَكِنَّا كُنَّا لَا نَعْلَمُونَ﴾

(۳) كَأَنَّ هَذَا الْحَيَوَانَ إِنْسَانٌ شَاعِرٌ!

۲۵۵۲- عَيْنُ الصحيح في استخدام الحروف المشبهة بالفعل:

(۱) ما قرأتُ الدرس يوم أمس إني أنجح في امتحان اليوم!

(۳) إني سأنجز في الامتحان غداً لأنني قرأتُ الدرس كثيراً!

۲۵۵۳- عَيْنُ عبارة تدلُّ على «الرجاء»:

(۱) ﴿يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ﴾

(۳) قال أهالي الهندوراس: «كَأَنَّ السَّمَاءَ تَمَطَّرُ أَسْمَاكَ»!

کاربرد حروف مشبهة بالفعل در جمله

۲۵۵۴- «حاول الأنبياء أن يخرجوا أقوامهم من ظلمات الجهل و..... أكثر الناس ما كانوا يقبلون!» عَيْنُ الصحيح للفراغ:

(۱) ليت

(۲) لكن

(۳) أن

(۴) لعل

۲۵۵۵- «..... يرفع الشك عن عبارة بعده و..... يُدْخِلُ الشَّكَّ فِيهَا!» عَيْنُ الصحيح للفراغين:

(۱) لكن - ليت

(۲) إن - أن

(۳) إن - لعل

(۴) لكن - كأن

۲۵۵۶- عَيْنُ الخطأ في استخدام الحروف:

(۱) ﴿فَهَذَا يَوْمَ الْبَعثِ وَ..... كم كنتم لا تعلمون﴾: لكن

(۳) ﴿أَوْ لِمَ يَعْلَمُوا..... الله ييسطُ الزُّرْقَ لِمَنْ يَشَاءُ﴾: أن

۲۵۵۷- «يا متكلم بلا عمل! عليك..... تعلم..... هُ..... أثر في قولك بين الناس!» عَيْنُ الصحيح لتكميل الفراغات:

(۱) إن - أن - ليس

(۲) أن - أن - لا

(۳) أن - إن - ليس

(۴) إن - إن - لا

۲۵۵۸- عَيْنُ الخطأ للفراغ (حسب الترجمة والقواعد): «..... الطالب يجتهد في قراءة دروسه كثيراً»

(۱) إن

(۲) ليت

(۳) لعل

(۴) أن

۲۵۵۹- عَيْنُ الخطأ للفراغات حسب استخدام الحروف المشبهة بالفعل:

(۱) كل من يجتهد يعلم..... النجاح ليس مستحيلاً: أن

(۳) جنودنا يدافعون عن الوطن بشجاعة..... هم بنيان مرصوص: ليت

۲۵۶۰- عَيْنُ الخطأ للفراغ في استخدام الحروف المشبهة بالفعل ممّا بين القوسين:

(۱) وصل المعلم إلى المدرسة متأخراً..... الطلاب ما كانوا قد تركوا الصف! (لكن)

(۳) إقامة مُختبر صغير في مدارس بعض القرى ليست ممكنة! (كأن)

(۴) صديقي لم يَفِزْ في المباراة النهائية لكرة المنضدة! (كأن)

(۲) يا أختي هل تعلمين..... ورقة الزيتون رمزُ السلام! (إن)

(آزمون های آزمایشی خیلی سبز)

(۲) ما قرأتُ الدرس يوم أمس ولكنني ما نجتُ في امتحان اليوم!

(۴) أتمنى إني أنجح في الامتحان، ليت الأسئلة لا تكون صعبة!

(آزمون های آزمایشی خیلی سبز)

(۲) حضرنا في صالة التفتيش؛ لكن شرطتي الجمارك لم يحضر!

(۴) قالوا مَعذَرَةً إِلَى رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

(آزمون های آزمایشی خیلی سبز)

(۲) يا أختي هل تعلمين..... ورقة الزيتون رمزُ السلام! (إن)

(۴) صديقي لم يَفِزْ في المباراة النهائية لكرة المنضدة! (كأن)

(۲) يا أختي هل تعلمين..... ورقة الزيتون رمزُ السلام! (إن)

۲۵۶۱- عین الخطأ في استعمال الحروف المشبهة بالفعل:

- (۱) الطلاب لم ينجحوا في الامتحان لكن سعيدهم نجح فيه!
- (۲) لاحظ المعلم ان ثلاثة من الطلبة لم يحضروا في جلسة الامتحان!
- (۳) اتصل بمنزل جدتك لعلك تركت محفظتك هناك!
- (۴) اتي تخلصت من البومات بقتل الكثير منها!

تأثير قواعد حروف مشبهة بالفعل

۲۵۶۲- عین الخطأ في استخدام الحروف المشبهة بالفعل:

- (۱) في هذه المدرسة طالب مثالي! — ان في هذه المدرسة طالباً مثالياً!
- (۲) انتم تتكلمون باللغة العربية! — كأن أنتم تتكلمون باللغة العربية!
- (۳) الآثار القديمة تؤكد اهتمام الإنسان بالدين! — ان الآثار القديمة تؤكد اهتمام الإنسان بالدين!
- (۴) الطالب يدرك قيمة الوقت! — ليت الطالب يدرك قيمة الوقت!

۲۵۶۳- عین الصحيح لتكميل الفراغات (حسب الإعراب):

- (۱) ان يأمر ألا يسئوا معبودات المشركين! : القرآن - المسلمون
- (۲) اعلموا ان هذا الرجل يحاول الخلاف بينكم! : عالماً - نشر
- (۳) ان للمدرسين على فاحترموهم! : حقاً - الطلاب
- (۴) كأن هذا الحيوان يعشق جمال! : شاعراً - الطبيعة

۲۵۶۴- عین الصحيح للفراغ (حسب إعراب العبارة): « المسلمون متحدين أمام الأعداء! »

- (۱) إنما
- (۲) ليس
- (۳) ان
- (۴) لعل

۲۵۶۵- عین الصحيح لتكميل الفراغات:

- (۱) كأن تمطر علينا كثيراً اليوم! : السماء
- (۲) لا عمل من الكذب إلى الله! : أقبح
- (۳) كان تمطر علينا كثيراً أمس! : السماء
- (۴) علمنا على مرسين أن الوقاية من العلاج! : أفضل

۲۵۶۶- عین الخطأ لتكميل الفراغات:

- (۱) لا لباس من العافية للإنسان! : أجمل
- (۲) هذا البعث الذي ما كنتم تعتقدون به! : يوم
- (۳) ان الله بما تخفونه في قلوبكم! : علام
- (۴) إنما المسلمون فأصلحو بين أخويكم! : إخوة

۲۵۶۷- «لا شيء أحسن من العفو عند القدرة!» بدل العبارة مع «ان»:

- (۱) ان العفو عند القدرة حسن!
- (۲) ان العفو عند القدرة حسن!
- (۳) ان العفو عند القدرة حسناً!
- (۴) ان العفو عند القدرة حسناً!

۲۵۶۸- عین الصحيح (حسب إعراب الكلمات):

- (۱) لعل الطالبان يحاولان لمساعدة زميلهما!
- (۲) كلنا ندري جيداً أنه ليس الكذب نافع لنا في الحياة!
- (۳) أحد آمالي هو أن أصير مهندساً زراعياً!
- (۴) ان طلابنا مجتهدين فيمكن أن نتقدم في أمورنا!

۲۵۶۹- «ان المحسنون يُثَقِّقُونَ أموالهم وإن كانت قليلة و لكنهم مجهولين غالباً!» صحح الأخطاء في العبارة:

- (۱) يُثَقِّقُونَ - مجهولون
- (۲) المحسنين - يُثَقِّقُونَ - أموال
- (۳) المحسنين - قليلة - مجهولون
- (۴) أموال - قليلة

(آزمون های آزمایشی خیلی سبز)

- (۲) لعل المدير تعلقين باب المدرسة قبل الحصة الأخيرة!
- (۴) كأن الشعراء الإيرانيون نجوم في سماء العلم والأدب!

(آزمون های آزمایشی خیلی سبز)

- (۲) قرأت في صحيفة اليوم أن لإديسون اختراعات كثيرة!
- (۴) ان انزال آيات القرآن كلها كان في ليلة القدر!

- (۲) ان للعامل خصال يتميز بها عند الآخرين في المجتمع!
- (۴) علمت أن الله ينزل ماءً و تصبح الأرض مخررة!

تأثير حروف مشبهة بالفعل در ترجمه

۲۵۷۳- عین ما ليس فيه المضارع الاتزامي في المعنى:

- (۱) لا تغضب فإن الغضب مفسدة!
- (۲) لا يحزنك قولهم ان العزة لله جميعاً!
- (۳) نحن اجتمعنا هنا لنكرم التلميذ المثالي!
- (۴) لعل أختي الصغيرة تنجح في امتحاناتها!

۲۵۷۴- عین ما ليس فيه مضارع يعادل الاتزامي الفارسي:

- (۱) ان تعلمي بهذه النصائح فانت تنجحين!
- (۲) ليتته يبحث عن حل لهذه المشكلة بسرعة!
- (۳) اصبروا حتى يحكم الله بيننا و هو خير الحاكمين!
- (۴) أحسنوا ان الله يحب المحسنين!

۲۵۷۵- عین الصحيح عن زمان الأفعال:

- (۱) ليت زملائي تنبهوا بعد استماع كلام الأستاذ!
- (۲) كأن الشمس تنفق أضواءها حتى تئير العالم!
- (۳) لا يصارع العاقل الحق و لو كان مراً!
- (۴) لا أحد يرفع صوته فوق صوت والديه!

٢٥٧٦- عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنْ تَرْجَمَةِ الْأَفْعَالِ:

- (١) لَا يَسْبِقُ فِي الْعَمَلِ بِالْقُرْآنِ غَيْرَكَ — يَبْشَى نَمِي غَيْرِد
(٣) لَا كِتَابَ مِنْ كُتُبِ الْعَالَمِ يُغْنِيكَ عَنِ التَّجَرِبَةِ — بِي نِيَاذ مَي كَنْد

سُؤَالَاتُ كَنْكُورٍ سِرَاسَرِي

٢٥٧٧- عَيْنُ مَا لَا نَرْجُو وَقُوعَهُ:

- (١) يُحِبُّ أَبُوكَ أَنْتَ تُصْبِحُ أَنْتَ رَجُلًا صَادِقًا فِي الْمُسْتَقْبَلِ!
(٣) بَعْضُ الظَّلَالِ بَعْدَ الْامْتِحَانِ يَقُولُونَ: لَيْتَنَا كُنَّا نَسْعَى أَكْثَرَ!

٢٥٧٨- عَيْنُ التَّأَكُّدِ بِكَوْنِ الْجُمْلَةِ بِأَجْمَعِهَا:

- (١) لَا يَأْكُلُ الْحَسَدُ إِلَّا الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ!
(٣) شَجَعُ الْمُتَفَرِّجُونَ فَرِيقَهُمُ الْفَائِزَ تَشْجِيعًا!

٢٥٧٩- عَيْنُ مَا فِيهِ كَلِمَةٌ تُزِيلُ الْإِبْهَامَ عَنْ جُمْلَةٍ مَا قَبْلَهَا:

- (١) نَسْعَى الْقِطْلَةَ أَنْ تُخْفِيَ نَفْسَهَا عَنَّا، وَلَكِنَّهَا مَا كَانَتْ تَعْلَمُ أَنَّنَا نَرَى ذَنْبَهَا!
(٣) يَا لَيْتَنَا نَسْتَطِيعُ أَنْ نَرَى تِلْكَ الظَّاهِرَةَ الْغَرِيبَةَ «أَمْطَارُ السَّمَكِ»!

٢٥٨٠- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَغَاتِ: «..... مِنَ الصَّعْبِ تُحِبُّ صَدِيقَكَ حُبًّا مِنَ الصَّعْبِ تَجِدُ الصَّدِيقَ الَّذِي يَسْتَحِقُّ هَذَا الْحُبَّ!»

- (١) أَنْ - أَنْ - وَكَانَ - أَنْ (٢) إِنْ - أَنْ - لَيْسَ - أَنْ (٣) لَيْسَ - إِنْ - لَيْتَ - إِنْ (٤) لَيْسَ - أَنْ - وَلَكِنْ - أَنْ

٢٥٨١- عَيْنُ خَبَرِ الْحُرُوفِ الْمُشَبَّهَةِ بِالْفِعْلِ فَعْلًا:

- (١) لَعَلَّ الْعَالَمَ الَّذِي أَنْتَظَرَهُ وَتَكَلَّمْتُ عَنْهُ، مُحِبُّوكَ لَكَ أَيْضًا!
(٣) أَكْرَمَ أَصْدِقَاءَكَ، كَأَنَّهُمْ جَنَاحُكَ الَّذِي بِهِ تَطِيرُ!

٢٥٨٢- عَيْنُ الْمُنَاسَبِ لِلْفَرَاعِينَ مِنَ الْحُرُوفِ الْمُشَبَّهَةِ بِالْفِعْلِ: «..... صَدِيقِي يَسْتَشِيرُ الْأُسْتَاذَ هُوَ يُقِيدُهُ فِي الْحَيَاةِ!»

- (١) أَنْ - لَعَلَّ (٢) لَكِنْ - لَيْتَ (٣) لَيْتَ - لَعَلَّ (٤) أَنْ - لَكِنْ

٢٥٨٣- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي عَمَلِ الْحُرُوفِ الْمُشَبَّهَةِ بِالْفِعْلِ وَالْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ:

- (١) إِنْ فِي الصَّدَقِ نَجَاةٌ كُنَّا رَاغِبِينَ فِيهَا!
(٣) إِنْ السَّاعِي فِي الْخَيْرِ كَانَ مَكْرُمًا عِنْدَ النَّاسِ!

٢٥٨٤- عَيْنُ الْحَرْفِ الْمُشَبَّهَةِ بِالْفِعْلِ يَخْتَلِفُ (فِي الْمَعْنَى):

- (١) قَدْ جَاءَ فِي التَّارِيخِ أَنَّ إِبْرَاهِيمَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) أَنْقَذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ!
(٣) أَيْظُنُّ الْإِنْسَانُ أَنَّ اللَّهَ يَتْرَكُهُ سَدَى وَوَحِيدًا؟

٢٥٨٥- عَيْنُ مَا لَا نَرْجُو وَقُوعَهُ:

- (١) لَعَلَّ الْفُوزَ حَلِيفَكَ فِي الدُّنْيَا!
(٣) لَيْتَ التَّجَاحَ يَتَحَقَّقَ فِي حَيَاتِكَ!

٢٥٨٦- عَيْنُ الْكَلِمَةِ الَّتِي تُكْمَلُ جُمْلَةً مَا قَبْلَهَا:

- (١) إِنْ الْعِلْمُ أَحْسَنُ مِنَ الْمَالِ، (٢) نَعْلَمُ أَنَّ لِلْعَالَمِ أَصْدِقَاءَ كَثِيرِينَ،

٢٥٨٧- عَيْنُ مُضَارِعًا لَيْسَ مُعَادِلًا لِلتَّوْأَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ:

- (١) أَمَرْنَا بِأَنْ لَا نَغْضَبَ، وَلَكِنَّنا نَغْضَبُ، وَهَذَا الْأَمْرُ شَائِعٌ بَيْنَنَا!
(٣) كَأَنَّ هَذَا الْجَبَلَ أَعْلَى مِنْ بَقِيَّةِ الْجِبَالِ، لَيْتَنِي أَصْعَدُ إِلَى رَأْسِهِ!

٢٥٨٨- «لَيْتَ»، مِنْ جَمِيعِ النِّعَمِ الَّتِي يُوَدِّعُهَا اللَّهُ فِي الطَّبِيعَةِ! عَيْنُ الْخَطَا لِلْفَرَاعِينَ:

- (١) لَيْتَ - تَنْتَفِعِينَ (٢) هُنَّ - تَنْتَفِعْنَ (٣) الْمُسْلِمَاتُ - يَنْتَفِعْنَ (٤) الْمُسْلِمِينَ - يَنْتَفِعُونَ

لَا يَنْفِي جِنْسَ

٢٥٨٩- عَيْنُ «لَا» النَّافِيَةِ لِلْجِنْسِ:

- (١) شَرَفَ الْمَرْءَ بِالْعِلْمِ وَالْأَدَبِ لَا بِالْأَصْلِ وَالنَّسَبِ!
(٣) لَا يَا بِنْتِي أَنَا تَعَلَّمْتُ مِنْكَ كَيْفَ أُدْرَسُ!

٢٥٩٠- عَيْنُ عِبَارَةِ النِّفْيِ فِيهَا أَشَدُّ:

- (١) لَيْسَ لِبَاسٌ أَجْمَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ!
(٣) لَا لِبَاسٌ أَجْمَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ!

٢٥٩١- عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنْ نَوْعِ «لَا»:

- (١) لَا تَعْلَمُ يَغْنِينَا مِنَ الْأُسْتَاذِ! (نَافِيَةٌ)
(٣) طُوبَى لِمَنْ لَا يَهْتِمُّ بِزَخَارِفِ الدُّنْيَا! (نَافِيَةٌ)

(سِرَاسَرِي ١٤٠٣)

- (٢) لَعَلَّ عَزَمَكَ الرَّاسِخَ سَهَّلَ لَكَ الْوَصُولَ إِلَى الْغَايَةِ الْأَصْلِيَّةِ!
(٤) يُرِيدُ كُلُّ شَخْصٍ فِي الدُّنْيَا الرَّاحَةَ وَلَكِنَّهَا لَا تَتَحَقَّقُ إِلَّا بِالضَّعُوبَةِ!

(انْسَانِي خَارِج ١٤٠٢)

- (٢) إِنْ أَكْرَهَ الْأَعْمَالُ هُوَ أَنْ تَدْعُو النَّاسَ إِلَى التَّفَرُّقَةِ!
(٤) إِنَّمَا الْإِنْسَانُ نَائِمٌ فَإِذَا مَاتَ انْتَبَهَ!

(انْسَانِي ١٤٠٢)

- (٢) أَرَادَ الْحُجَّاجُ صَعُودَ جَبَلِ النُّورِ، لَعَلَّهُمْ يُشَاهِدُونَ «غَارَ حِرَاءَ»!
(٤) يُحِبُّ الْوَالِدَانِ أَوْلَادَهُمَا مَعَ أَنَّهُمَا لَا يُسَاعِدُونَهُمَا!

(عُمُومِي انْسَانِي ١٤٠١)

- (٢) مِنْ الصَّعْبِ تَجِدُ الصَّدِيقَ الَّذِي يَسْتَحِقُّ هَذَا الْحُبَّ! (عُمُومِي انْسَانِي ١٤٠١)
(٣) لَيْسَ - إِنْ - لَيْتَ - إِنْ (٤) لَيْسَ - أَنْ - وَلَكِنْ - أَنْ

(اِخْتِصَاصِي انْسَانِي ١٤٠٠)

- (٢) لَا تَيَاسُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، إِنَّهَا قَرِيبَةٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ!
(٤) لَيْتَ إِطْعَامُ مَسَاكِينِنَا يَكُونُ مِمَّا نَحْنُ نَآكِلُونَ!

(عُمُومِي انْسَانِي خَارِج ٩٩)

- (٢) لَيْتَ إِطْعَامُ مَسَاكِينِنَا يَكُونُ مِمَّا نَحْنُ نَآكِلُونَ!
(٣) لَيْتَ - لَعَلَّ (٤) أَنْ - لَكِنْ

(عُمُومِي انْسَانِي ٩٩)

- (٢) كُنَّا سَامِعَاتٍ حِينَ أَمَرْنَا أَنْ لَا نَكُونَ مُتَكَاسِلَاتٍ!
(٤) لَسْنَا فَاشِلِينَ فِي الْحَيَاةِ لِأَنَّ سَاعُونَ فِي عَمَلِنَا!

(زَبَان ٩٩)

- (٢) أَتَيْهَا الْإِنْسَانُ لَا تَحْزَنُ عَلَى مَا فَاتَكَ، إِنَّ الْيَأْسَ يُبْعِدُكَ مِنَ اللَّهِ!
(٤) إِلَهِنَا وَرَبُّنَا نَعْلَمُ أَنَّكَ مَعَ عِبَادِكَ دَائِمًا!

(زَبَان ٩٨)

- (٢) كَأَنَّ الْخَيْرَ يَنْزِلُ عَلَيْكَ قَرِيبًا!
(٤) يَدَّعِي أَنَّهُ كَرِيمٌ لَكِنَّ الْوَاقِعَ لَا يُؤَيِّدُ ذَلِكَ!

(تَجَرِبِي ٩٨)

- (٢) لَعَلَّ الْإِنْسَانَ يَعْرِفُ الْحَضَارَاتِ مِنْ خِلَالِ الْكُتَابَاتِ وَالتَّمَاثِيلِ!
(٤) لَيْتَنَا نَقْرَأُ آرَاءَ عِدَّةٍ كُتَّابٍ حَوْلَ هَذَا الْمَوْضُوعِ لِنَأْخُذَ نَتِيجَةَ صَحِيحَةٍ!

(رِيَاضِي ٩٨)

- (٢) لَعَلَّ الْإِنْسَانَ يَعْرِفُ الْحَضَارَاتِ مِنْ خِلَالِ الْكُتَابَاتِ وَالتَّمَاثِيلِ!
(٤) لَيْتَنَا نَقْرَأُ آرَاءَ عِدَّةٍ كُتَّابٍ حَوْلَ هَذَا الْمَوْضُوعِ لِنَأْخُذَ نَتِيجَةَ صَحِيحَةٍ!

(زَبَان ٩٤)

- (٢) لَعَلَّ الْإِنْسَانَ يَعْرِفُ الْحَضَارَاتِ مِنْ خِلَالِ الْكُتَابَاتِ وَالتَّمَاثِيلِ!
(٤) لَيْتَنَا نَقْرَأُ آرَاءَ عِدَّةٍ كُتَّابٍ حَوْلَ هَذَا الْمَوْضُوعِ لِنَأْخُذَ نَتِيجَةَ صَحِيحَةٍ!

۲۵۹۲- عَيْن الصَّحِيحِ عَنْ تَعْيِينِ نَوْعِ «لَا» فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

- (۱) لَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يَذْكُرْ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ: نَافِيَةٌ
- (۳) ﴿لَا عَلِمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْنَا﴾: النَّافِيَةُ لِلْجِنْسِ

۲۵۹۳- عَيْن «لَا» يَخْتَلِفُ نَوْعُهُ:

- (۱) لَا تُطْعَمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ!
- (۳) كُلُّ طَعَامٍ لَا يَذْكُرُ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ فَلَيْسَ فِيهِ خَيْرٌ!

۲۵۹۴- عَيْن الصَّحِيحِ عَنْ نَوْعِ «لَا» فِي الْعِبَارَاتِ:

- (۱) لَا تَقْدُمْ مَعَ الْجَهْلِ نَافِيَةٌ
- (۳) لَا تُكَلِّمِ النَّاسَ عَمَّا تَخَافُ تَكْذِيبَهُ. نَافِيَةٌ

۲۵۹۵- عَيْن «لَا» يُوجِدُ الْمَضَارِعَ الْإِتْرَاقِيَّةَ فِي الْفَارْسِيَّةِ:

- (۱) لَا تَسُبُّوا النَّاسَ فَتَكْتَسِبُوا الْعِدَاوَةَ بَيْنَهُمْ!
- (۳) ﴿رَبَّنَا لَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ﴾

۲۵۹۶- عَيْن «لَا» النَّافِيَةُ:

- (۱) ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ...﴾
- (۳) تَنْصَحُنَا الْآيَاتُ الْكَرِيمَةُ وَتَقُولُ: لَا تَلْقَبُوهُمْ بِالْقَابِ يَكْرَهُونَهَا!

۲۵۹۷- عَيْنُ عِبْرَةٍ تَخْتَلِفُ فِي الْمَفْهُومِ:

- (۱) لَا تَلْمِزْ يُشَاهِدُ الْيَوْمَ فِي الْمَدْرَسَةِ!
- (۳) إِنَّمَا لَا يُشَاهِدُ تَلْمِيزَ فِي الْمَدْرَسَةِ الْيَوْمَ!

۲۵۹۸- عَيْنُ عِبْرَةٍ لَيْسَ فِيهَا «لَا» مِنْ نَوْعَيْنِ مُخْتَلِفَيْنِ:

- (۱) ﴿لَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ﴾
- (۳) لَا رَاحَةَ لِمَنْ لَا تَحْمِلُ لَهُ أَمَامَ الصُّعُوبَاتِ!

۲۵۹۹- عَيْنُ عِبْرَةٍ النَّفْيِ فِيهَا أَشَدُّ:

- (۱) لَا يَكُونُ كَنْزٌ أَغْنَى مِنَ الْقَنَاعَةِ!
- (۲) لَيْسَ كَنْزٌ أَغْنَى مِنَ الْقَنَاعَةِ!

۲۶۰۰- عَيْنُ مَا فِيهِ «لَا» النَّافِيَةُ لِلْجِنْسِ:

- (۱) ﴿لَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ﴾
- (۳) لَا رَيْبَ فِي الْكِتَابِ الَّذِي نُزِّلَ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ!

۲۶۰۱- عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ «لَا» النَّافِيَةُ لِلْجِنْسِ:

- (۱) لَا رَجَاءَ لِنَجَاحٍ مَنْ يَعْتَمِدُ عَلَى الْآخِرِينَ دَائِمًا!
- (۳) ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَوْلِيَاءُ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾

۲۶۰۲- عَيْنُ خَبَرِ «لَا» النَّافِيَةُ لِلْجِنْسِ لَيْسَ مُحَذَّوفاً:

- (۱) لَا بَأْسَ، أَقْبَلِ النُّقُودَ الْإِيرَانِيَّةَ مِنْكُمْ لِلْأَجْرَةِ!
- (۳) لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ سُبْحَانَهُ!

۲۶۰۳- «التَّفَكُّرُ عِبَادَةٌ حَسَنَةٌ إِلَى اللَّهِ!» بَدَلُ الْعِبَارَةِ مَعَ «لَا» النَّافِيَةِ لِلْجِنْسِ:

- (۱) لَا عِبَادَةَ أَحْسَنَ مِنَ التَّفَكُّرِ إِلَى اللَّهِ!
- (۳) لَا عِبَادَةَ أَحْسَنَ مِنَ التَّفَكُّرِ إِلَى اللَّهِ!

۲۶۰۴- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي تَعْيِينِ نَوْعِ «لَا»:

- (۱) عَلَيْكُمْ أَلَّا تُضَيِّعُوا الْفُرْصَ الَّتِي سَاحَتْ لَكُمْ لِأَنَّهَا تَمُرُّ سَرِيعًا! (نَافِيَةٌ)
- (۳) أُمِّي لَا تَطْبِخْ طَعَامًا لِلْعِشَاءِ لِأَنَّ سِنْدَهَبَ إِلَى مَطْعَمٍ جَمِيلٍ! (نَافِيَةٌ)

۲۶۰۵- عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ «لَا» النَّافِيَةُ لِلْجِنْسِ:

- (۱) لَا التَّفَاتِ مِنْ جَانِبِ هَذِهِ التَّلْمِيزَةِ إِلَى الدَّرْسِ!
- (۳) لِنَعْلَمَنَّ أَنَّ فِي جَمِيعِ الْمَجَالَاتِ لَا تَوْفَّقُ لَتَقْدَمْنَا!

۲۶۰۶- عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنْ نَوْعِ «لَا»:

- (۱) يَجِبُ عَلَيْهِمْ أَنْ لَا يُشْرِكُوا بِرَبِّهِمْ الرَّحِيمَ شَيْئًا! (نَافِيَةٌ)
- (۳) أَيُّهَا الضَّدِيقُ، لَا تَفَكَّرْ فِي صُعُوبَاتِ الدَّهْرِ! (نَافِيَةٌ لِلْجِنْسِ)

۲۶۰۷- فِي أَيِّ عِبْرَةٍ لَا تَوْجِدُ «لَا» النَّافِيَةَ لِلْجِنْسِ؟

- (۱) لَا يَتَقَدَّمُ مِنْ لَا هَدَفَ لَهُ فِي طَرِيقِ حَيَاتِهِ!
- (۳) عِنْدَمَا ذَهَبْنَا إِلَى الْبَيْتِ رَأَيْنَا لَا أَحَدَ هُنَاكَ!

- (۲) لَا تَتَكَلَّمُ بَنَاتِي عَنْ عِيُوبِ الْآخِرِينَ أَبَدًا! نَافِيَةٌ
- (۴) الْعَاقِلُ يَغْتَنِمُ فُرْصًا تَسْنَحُ لَهُ لَا الْجَاهِلُ! النَّافِيَةُ لِلْجِنْسِ

- (۲) لَا يَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ لَا يَرْحَمُ النَّاسَ!
- (۴) ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾

- (۲) لَا تُقَدِّمُوا الْقَرَابِينَ لِغَيْرِ اللَّهِ نَافِيَةٌ
- (۴) لَا اعْتِمَادَ لَنَا عَلَى مَا يَقُولُهُ الْكَاذِبُ. نَافِيَةٌ

- (۲) ﴿وَلَا يَحْزَنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾
- (۴) لَا شَعْبَ مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا وَ لَهُ دِينٌ!

- (۲) عَلَيْنَا أَنْ نَبْتَغِدَ عَنِ الْعَجَبِ وَالْأَنْذَرِ عِيُوبَ الْآخِرِينَ!
- (۴) لَنْ تَجِدَ عَلَى الْكُرَةِ الْأَرْضِيَّةِ شَخْصًا لَا عَيْبَ فِيهِ!

- (۲) مَا مِنْ تَلْمِيزٍ يُشَاهِدُ فِي الْمَدْرَسَةِ الْيَوْمَ!
- (۴) لَا يُشَاهِدُ أَيُّ تَلْمِيزٍ فِي الْمَدْرَسَةِ الْيَوْمَ!

- (۲) ﴿رَبَّنَا لَا تُحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ﴾
- (۴) لَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ لَا يَعْمَلُ قَائِلُهُ بِهِ!

- (۳) لَا كَنْزٌ أَغْنَى مِنَ الْقَنَاعَةِ!
- (۴) لَا يَوْجِدُ كَنْزٌ أَغْنَى مِنَ الْقَنَاعَةِ!

- (۲) هَلْ تَرَاقَفْتَنِي فِي هَذِهِ السَّفَرَةِ الْعِلْمِيَّةِ أَمْ لَا؟
- (۴) مَنْ طَلَبَ أَحَاً بِلَا عَيْبٍ بَقِيَ بِلَا أَخٍ!

- (۲) لَا مُشْكَلَةٌ قَادِرَةٌ عَلَى هَزِيمَةِ الشَّخْصِ الَّذِي يَعْتَمِدُ عَلَى نَفْسِهِ!
- (۴) لَا أَحَدٌ يَنَامُ بِسُرْعَةٍ فَكُلُّ النَّاسِ يَفْكُرُونَ فِي مَشَاكِلِهِمْ قَبْلَ النَّوْمِ!

- (۲) لَا رَبَّ فِي الْكِتَابِ الَّذِي نَزَلَ بِالْحَقِّ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ!
- (۴) لَا مَعْبُودَ إِلَّا الَّذِي خَلَقْنَا مِنَ الطِّينَةِ!

- (۲) لَا عِبَادَةَ أَحْسَنَ مِنَ التَّفَكُّرِ إِلَى اللَّهِ!
- (۴) لَا عِبَادَةَ أَحْسَنَ مِنَ التَّفَكُّرِ إِلَى اللَّهِ!

(آزمون های آزمایشی خیلی سبز)

- (۲) سَيَنْدَمُ مَنْ لَا تَفَكَّرَ فِي كَلَامِهِ وَ يَتَكَلَّمُ كَثِيرًا! (نَافِيَةٌ)
- (۴) لَا يَضُمُّ هَذَا الْمَعْجَمَ إِلَّا قَلِيلًا مِنَ الْمَفْرَدَاتِ الْمَعْرُوبَةِ! (نَافِيَةٌ)

(آزمون های آزمایشی خیلی سبز)

- (۲) لَا التَّهَابَ فِي رَجْلِكَ فَتَقْدِرُ أَنْ تَلْعَبَ مَعَنَا غَدًا!
- (۴) أَخِي، هَذَا الْقَوْلُ مُجْرَدُ احْتِمَالٍ لَا أَكْثَرَ مِنْ هَذَا!

(آزمون های آزمایشی خیلی سبز)

- (۲) لَا يَحْسِبُ الْإِنْسَانُ الْعَاقِلُ أَنَّ خَالِقَهُ يَتْرَكُهُ عَبْثًا! (نَافِيَةٌ)
- (۴) هَذِهِ الْأَيَّامُ لَا ضَيْفَ يَأْتِي إِلَى بَيْتِنَا! (نَافِيَةٌ لِلْجِنْسِ)

(آزمون های آزمایشی خیلی سبز)

- (۲) أَعْلَمُ أَنَّهُ لَا خَيْرَ فِي مُصَادَقَةِ الْكَذَّابِ!
- (۴) عَلَيْنَا أَنْ نَنْفِقَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمُ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا شَفَاعَةَ!

(آزمون های آزمایشی خیلی سبز)

- (۲) هناك سوقٌ بعيد عن بيتنا لا قريب منه!
(۴) لا تتعلَّم ما لا ينفعك في الأمور المهمة!

(آزمون های آزمایشی خیلی سبز)

- (۲) يا مؤمن، عليك أن لا تحزنَ لأنَّ الله مع أوليائه!
(۴) لا يحزنك قولهم إنَّ العزَّةَ لله جميعاً!

(آزمون های آزمایشی خیلی سبز)

- (۲) لا حيلة من فهم عقائد الآخرين لعيش أفضل في الدنيا! ﴿نافية للجنس﴾
(۴) لا يكتاتِر الرِّمَاءُ أستاذهم لأنَّه ليس قادراً على إجابتهم! ﴿نافية﴾

۲۶۰۸- عَيْن ما يدلُّ على النفي أشدُّ من الباقي:

- (۱) إنَّ أبي لا يعمل في المتجر، بل في المصنع!
(۳) علمت أنَّ الجهالة لا نفع لها في تقدُّم الشعوب!
۲۶۰۹- عَيْن «لا» لا تؤثر في علامة كلمة بعدها:

- (۱) أنتَ تعيب الآخرين دائماً فلا صديق يبقَى لك!
(۳) إلهي، عامل عبادك بفضلك ولا تُعاملهم بعدلك!

۲۶۱۰- عَيْن الخطأ في تعيين نوع «لا»:

- (۱) أحتي، لا تتدخل في موضوع يُعزضك للمشاكل! ﴿ناهية﴾
(۳) لا تستوي الحسنة ولا السيئة ادفع بالتي هي أحسن ﴿نافية﴾

۲۶۱۱- عَيْن الصَّحِيح عن العبارات:

- (۱) يا عالِمات، أننَّ مجتهدات ولكنَّ منزلة رفيعة عندنا. ﴿جاء فيها حرف يرفع الإبهام عمَّا قبله﴾
(۲) هذه امرأة فقيرة لا بيت لها ولا ولد. ﴿جاء فيها حرف يدلُّ على النفي الكامل﴾
(۳) ليت هذه الالعبة حصلت على الجائزة الذهبية. ﴿جاء لرجاء لَفَوْز هذه الالعبة﴾
(۴) كَأَن زَمِيلِي مريض وما جاء إلى الجامعة. ﴿جاء فيها حرف للتشبيه﴾

۲۶۱۲- عَيْن الخطأ في المحلِّ الإعرابي:

- (۱) ﴿ولا يحزنك قولهم إنَّ العزَّةَ لله جميعاً﴾: مفعول و منصوب - اسم لـ «إنَّ» و مرفوع
(۲) ﴿ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى للمتقين﴾: اسم «لا» النافية للجنس - مجرور بحرف الجر
(۳) هل تعلم أنَّ الدلفين يبكي ويضحك كالأطفال؟! ﴿اسم لـ «أنَّ» و منصوب - مجرور بحرف الجر
(۴) إنَّما الفخر لعقل ثابت! ﴿مبتدأ و مرفوع - صفة و مجرور بالتبعية

۲۶۱۳- عَيْن الصَّحِيح في المحلِّ الإعرابي:

- (۱) ﴿إنَّ الله لا يُضيع أجر المحسنين﴾: خبر لـ «إنَّ» - مفعول
(۳) ﴿لا علم لنا إلا ما علمتنا﴾: اسم لـ «لا» النافية للجنس و مرفوع - مفعول

۲۶۱۴- عَيْن الخطأ عمَّا أُشير إليه بخطِّ بالترتيب:

- (۱) ليعلم الإنسان أنَّ كلَّ الأمور بيد الله! ﴿جازمة - من الحروف المشبهة بالفعل
(۳) لا يستطيع بلوغ أهدافه من يتردَّد في أداء أموره! ﴿نافية - موصولة

سؤالات كنكور سراسری

۲۶۱۵- عَيْن الصَّحِيح:

- (۱) لا أحد يهتم بالحقيقة هناك! (۲) لا مفرَّ لمن يهرب!

۲۶۱۶- عَيْن «لا» لنفي الجنس:

- (۱) سيأتي يومٌ لا نفعنا مالٌ و بَنون فعلينا أن نجمع الخيرات لأنفسنا لذلك اليوم!
(۳) اصطدمَ إطارُ سيارتي بشيءٍ حادٍّ فانفجرَ ولا إطار احتياطيَّ عندي!

۲۶۱۷- عَيْن حرف «لا» يختلف في النوع والمعنى:

- (۱) إننا لا نحبُّ أن نستمع إلى كلام ليس له فائدة!
(۳) لا يتعد العباد المؤمنون عن الصُّراط المستقيم إن شاء الله!

۲۶۱۸- عَيْن ما يدلُّ على نفي الشيء نفيّاً كاملاً:

- (۱) لا خير في الكذب! (۲) لا، أنتَ لا تكذب!

۲۶۱۹- عَيْن الصَّحِيح عن «لا» النافية للجنس:

- (۱) لا حياء و عفاف و أدبٌ إلا لعقلي ثابت!
(۳) لا أتذكر زَمَانٌ ذهبنَا إلى تلك الجولة العلمية!

۲۶۲۰- عَيْن الصَّحِيح عن «لا» النافية للجنس:

- (۱) لا اليوم كيوم البعث، لا نعلم أسرارَه!
(۳) لا فصل كالزَّرع، الأشجار فيه نضرة!

۲۶۲۱- عَيْن الخطأ في نوعية «لا»:

- (۱) هذه سنة قد جعلها الله بأنَّه لا تقدِّم مع الجهل! ﴿نافية للجنس﴾
(۳) لا تطلب الأُمَّة المتكاسلة التقدُّم و التَّجاح! ﴿ناهية﴾

۲۶۲۲- عَيْن «لا» النافية للجنس:

- (۱) لا ينجح أحد في الحياة إلا من له همّة عالية!
(۳) لا تسمح للباس أن يتسرَّب في نفسك!

(سراسری خارج ۱۴۰۳)

- (۳) لا الكنز يُغني من القناعة! (۴) لا شيئاً يُفرِّق بيننا إلا أنفسنا!

(تجربی ۱۴۰۰)

- (۲) إن كنتَ مع الله فلا تحزن أبداً ولا تضلَّ عن صراطه ولا تفقد محبَّته!
(۴) هل تنسى أن تذكر نعمة ربك؟ لا أنا لست من الغافلين!

(عمومی انسانی خارج ۹۹)

- (۲) لا محاولة هناك دون نتيجة و سيرى الإنسان ثمرتها!
(۴) اليوم لا تطبخ أُمِّي طعاماً في البيت لأنها قد طبخته من قبل!

(عمومی غیر انسانی خارج ۹۹)

- (۳) لا شرُّ أريد ولا فتنة! (۴) لا الكذب أرغب فيه ولا الغيبة!

(رياضی ۹۸)

- (۲) لا العزَّة إلا لربنا الرحيم الذي له كلُّ شيء!
(۴) لا شعب من شعوب العالم إلا و له طريقة للعبادة!

(اختصاصی انسانی خارج ۹۸)

- (۲) لا فقر أسوأ من الجهل، يفني عمرنا!
(۴) لا قدرة أقوى من العقل لحلِّ مشاكلنا!

(عمومی غیر انسانی خارج ۹۵ - با اندکی تغییر)

- (۲) لا نتوقَّع الخير إلا من كَدَّ يميننا و فضل ربَّنَا! ﴿نافية﴾
(۴) لا ترجوا الخير ممَّن حَقَّر نفسه و أهانها! ﴿نافية﴾

(انسانی ۹۲)

- (۲) أعلم يا ولدي، لا فائدة في علم لا يستفاد منه!
(۴) كان الرسول الأكرم ﷺ لا يدع إحترام الأطفال!

(انسانی ۹۱)

۲۶۲۳- عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنْ «لَا» النافية للجنس:

- (۱) لا عصفور على قضبان الأشجار قرب بيتنا!
- (۳) عندما ذهبت إلى المكتبة رأيت لا هناك أحد!

(رياضی ۸۶)

۲۶۲۴- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي «لَا» النافية للجنس:

- (۱) هذا شاعرٌ جليل لا تاجر نشيط!
- (۳) لا يذهب المؤمن إلى مجالس السوء!

تحليل صرفی

۲۶۲۵- «كُلْ طعاماً لا يُذْكَر اسمُ الله عليه... لا بركة فيه!» عَيْنُ الخطأ:

- (۱) بركة: اسم - مفرد مؤنث - نكرة / اسم «لَا» النافية للجنس و منصوب
- (۲) الله: مفرد مذكر - لفظ الجلالة - معرف بالعلمية / مضاف إليه و المضاف «اسم»
- (۳) لا يُذْكَر: فعل مضارع - للغائب - حروفه كلها أصلية (= مجزء ثلاثي) - مجهول / فعل و مع نائب فاعله جملة فعلية و الجملة صفة
- (۴) طعام: اسم - مفرد (جمعه: أطعمة) - مذكر - نكرة / خبر و مرفوع

۲۶۲۶- «و قدّر كل امرئ ما كان يُحسنه / وللرجال على الأفعال أسماء» عَيْنُ الخطأ:

- (۱) قدر: اسم - مفرد مذكر - نكرة - معرب / مبتدأ و مرفوع بالضمّة و الجملة اسمية
- (۲) يُحسن: مضارع - مزيد ثلاثي (ماضيه: أحسن) - متعدّ / معلوم / فعل و الجملة فعلية
- (۳) ه: اسم - ضمير متصل - للمفرد المذكر - مبني / مفعول (أو مفعول به)
- (۴) الرجال: اسم - جمع تكسير (مفردة: الرّجل) - معرف بآل - معرب / مبتدأ و مرفوع و الجملة اسمية

۲۶۲۷- «فَفُزْ بعلم ولا تطلب به بدلاً فالناس موتى وأهل العلم أحياء» عَيْنُ الخطأ:

- (۱) لا تطلب: فعل مضارع للنهي - للمخاطب - مجزء ثلاثي - متعدّ / فعل و مع فاعله جملة فعلية
- (۲) موتى: اسم - جمع تكسير أو مكسر (مفردة مذكر) - نكرة / خبر و مرفوع و الجملة اسمية
- (۳) العلم: اسم - مفرد مذكر - معرب - معرف بالعلمية / مضاف إليه و مجرور بالكسرة
- (۴) أحياء: اسم - جمع مكسر (مفردة: حي) - نكرة - معرب / خبر و مرفوع و الجملة اسمية

۲۶۲۸- ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾ عَيْنُ الصَّحِيح:

- (۱) الله: اسم - مفرد مذكر - معرفة - معرب / مبتدأ و مرفوع
- (۲) لا يُضِيعُ: فعل مضارع - للغائب - معلوم - متعدّ / فعل و الجملة فعلية
- (۳) أجر: اسم - مفرد (جمعه: أجور) - معرب / خبر «إن» و منصوب
- (۴) المُحسنين: اسم - جمع سالم للمذكر - معرفة - اسم فاعل (من مجزء ثلاثي) / مضاف إليه و مجرور بالياء

۲۶۲۹- ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَتْهُمْ بَنِيَانٌ مَرْصُوفًا﴾ عَيْنُ الخطأ:

- (۱) الله: لفظ الجلالة - اسم - مفرد مذكر - معرب / اسم «إن» و منصوب
- (۲) يحب: للغائب - مزيد ثلاثي - لازم / فعل و فاعله «الذين»، و الجملة خبر «إن»
- (۳) هم: ضمير منفصل للنصب أو للجر - معرفة - مبني / اسم «كأن»
- (۴) مَرْصُوفًا: اسم - مفرد مذكر - اسم مفعول / صفة و مرفوع بالتبعية للموصوف «بنیان»

(اختصاصی انسانی ۱۴۰۰)

۲۶۳۰- ﴿إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾ عَيْنُ الخطأ:

- (۱) الله: لفظ الجلالة - اسم - معرفة (علم) / اسم «إن» المشبهة بالفعل، و خبره «على الناس»
- (۲) أكثر: اسم - مفرد مذكر - اسم تفضيل (مصدر فعله: كثرة) / اسم «لكن» و منصوب
- (۳) فضل: اسم - مفرد مذكر - نكرة - معرب / مضاف إليه و مجرور، و المضاف: ذو
- (۴) يشكرون: فعل مضارع - متعدّ - معلوم / فعل و فاعل، و الجملة فعلية و خبر «لكن»

(انسانی خارج ۹۸)

۲۶۳۱- ﴿قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يُنْزِلَ آيَةً وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ عَيْنُ الصَّحِيح:

- (۱) آية: اسم - مفرد مؤنث - اسم تفضيل - نكرة - معرب / مفعول (= مفعول به) و منصوب
- (۲) يُنْزِلُ: مضارع - للغائب - مزيد ثلاثي (من باب «تفعّل») - متعدّ / فعل و مع فاعله، جملة فعلية
- (۳) الله: لفظ الجلالة - اسم - مفرد مذكر - نكرة - معرب / اسم «إن» المشبهة بالفعل و منصوب، و الجملة اسمية
- (۴) قادر: اسم - مفرد مذكر - اسم فاعل (من الفعل المجزء الثلاثي) - نكرة / خبر «إن» المشبهة بالفعل، و مرفوع

(آزمون های آزمایشی خیلی سبز)

۲۶۳۲- ﴿إِنَّ الْمُشْتَرِيَّ مُتَرَدِّدٌ فِي شِرَاءِ الْبُضَاعَةِ!﴾ عَيْنُ الخطأ:

- (۱) إن: حرف من الحروف المشبهة بالفعل - مؤكّد للجملة التي جاءت بعده - اسمه منصوب و خبره مرفوع
- (۲) المشتري: اسم - مفرد مذكر - على وزن «مُفْتَعِل» - معرب / معرفة / اسم إن و منصوب بالفتحة
- (۳) مُتَرَدِّدٌ: اسم - مفرد مذكر - حروفه الأصلية: «ر د د» - اسم مفعول (مأخوذ من فعل «تَرَدَّدَ») - نكرة - معرب / خبر إن و مرفوع
- (۴) البضاعة: مفرد مؤنث - جمعه المكسر: بضائع - معرب - معرف بآل / مضاف إليه و مجرور

ضبط الحركات

در هنگام بررسی حرکت های کلمات باید حواسمان به علامت حرف «ان» باشد، چون این حرف به چهار صورت وجود دارد:

- **اِنْ** ← بر سر فعل های می آید و آن ها را مجزوم می کند. این حرف در ابتدای جملات شرطیه می آید.
- **أَنْ** ← بر سر فعل مضارع می آید و معنای «که» می دهد. این حرف فعل مضارع را منصوب می کند.
- **إِنْ** ← در ابتدای جملات اسمیه می آید؛ یعنی هرگز همراه فعل نمی آید.
- **أَنَّ** ← همراه جملات اسمیه می آید و کنار فعل به کار نمی رود. این حرف وسط عبارات می آید.

مثال: «أَنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ أَنْ يُبَاسَ عَبْدُهُ.» ← در این عبارت هر دو «أَنَّ» غلط هستند. چون اولی ابتدای جمله آمده، پس باید «إِنْ» باشد و دومی بر سر فعل آمده و باید «أَنْ» باشد.

کلمات چالشی

کلمه (شکل صحیح)	جرم	جَهَة	عَفَاف	تَقَاخَر	كُرَّة	جِهَاد	خَصَلَة	غُيُوب	مُزَارِع	نَعَم
معنی	جرم	طرف	پاکدامنی	فخر فروختن	توپ	مبارزه کردن	ویژگی	نہان ها	کشاورز	نعمت ها
شکل غلط یا متفاوت	جُرْم (گناه)	جَهَة	عِفَاف	تَقَاخَر	كُرَّة	جِهَاد	خَصَلَة	غُيُوب	مَزَارِع (مزرعه ها)	نَعَم (بله)

۲۶۳۳- عَيْنُ الْخَطَا فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْحُرُوفِ:

- (۱) لَيْتَ مَهْدِيًّا فَانْزِ فِي مُسَابَقَةِ كُرَّةِ الْمُنْصَدَةِ!
- (۲) كَأَنَّ الْمُشْتَرِي مُتَرَدِّدٌ فِي شِرَاءِ الْبِضَاعَةِ!
- (۳) لَا تَجْتَمِعْ خُضُلَتَانِ فِي مُؤْمِنٍ: الْبُخْلُ وَالْكَذِبُ!
- (۴) لَا تُسَبِّحُوا النَّاسَ فَتَكْتَسِبُوا الْعَدَاوَةَ بَيْنَهُمْ!

۲۶۳۴- عَيْنُ الْخَطَا فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْحُرُوفِ:

- (۱) أَحْسِنَ إِلَى النَّاسِ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ!
- (۲) قَالَ مُدِيرُ الْمَدْرَسَةِ: لَا طَالِبَ رَاسِبٍ فِي الْإِمْتِحَانَاتِ!
- (۳) صَارَ الْمَبْلَغُ مِئْتَيْنِ وَثَلَاثِينَ أَلْفَ تَوْمان!
- (۴) وَإِنْ شَكُوتُ إِلَى الظَّيْرِ نُحَنِّ إِلَى الْوُكُنَاتِ!

۲۶۳۵- عَيْنُ الْخَطَا فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْحُرُوفِ:

- (۱) يَفْتَرِبُ مِنْهُ نَوْعٌ مِنَ الظُّيُورِ بِأَسْمِ الرُّقْرَاقِ!
- (۲) لِمَاذَا سُمِّيَ الظَّائِرُ الظَّلَّانُ بِهَذَا الْأَسْمِ؟!
- (۳) يُقَاتِلُ الْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ رَبِّهِمْ صَفًّا!
- (۴) لَا عَلِمَ لَكُمْ إِلَّا مَا عَلَّمَكُمُ الرَّبُّ!

۲۶۳۶- عَيْنُ الْخَطَا فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْحُرُوفِ:

- (۱) وَفِيكَ انْطَوَى الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ!
- (۲) مَادَّةٌ مِنَ جِسْمِ الْخَيْوَانِ تُضَنِّعُ مِنْهَا أَطْعَمَةٌ!
- (۳) لَا تُطْعَمُوا الْقُلُوبَ بِكَثْرَةِ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ!

۱۰۰ نشو

ترجمه

۲۶۳۷- «لِيَعْرِفَ كُلُّ إِنْسَانٍ أَنَّ هُنَاكَ فِي الْخَلْقِ عَالَمِينَ: الْأَوَّلُ مَا يُبَصِّرُهُ بَعِيُونُهُ وَالثَّانِي مَا انْطَوَى فِي نَفْسِهِ وَهُوَ يُعِدُّ الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ!»: هَرِ انْسانِ ...

- (۱) باید بداند که در آفرینش دو جهان وجود دارد؛ نخست آن چه با چشمانش آن را می بیند و دوم آن چه در درونش در هم تنیده شده است و آن جهان بزرگ تر شمرده می شود!
- (۲) باید دو جهانی را که در آفرینش وجود دارد بشناسد؛ اول آن چه با چشمانش مشاهده می کند و دوم چیزی که در درونش در هم تنیده شده و آن را جهان بزرگ تر به شمار بیاورد!
- (۳) می داند که در آفرینش دو جهان وجود دارد، نخستین آن چه که با چشم خود آن را می بیند و دوم چیزی که در درونش در هم تنیده شده است و آن جهان بزرگ تر به شمار می آید!
- (۴) باید بداند که در آفرینش دو جهان وجود دارد، اولی چیزی که با چشمانش آن را می بیند و دوم آن چه که در درونش در هم تنیده اند و آن جهانی است که بزرگ تر به حساب می آید!

۲۶۳۸- «لِيَتَنَبَّهَ كُنْتُ أَحْسِنَ مَا ظَلَبَ مَنِّي الْأُسْتَاذُ وَلَا أَرْعُمُ أَنَّهُ عَمَلُ صَالِحٍ صَغِيرٍ كُلُّ تَلْمِيزٍ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَفْعَلَهُ!»:»

- (۱) ای کاش آن چه را که استاد از من خواست، خوب انجام داده بودم و خیال نمی کردم که آن، کار نیک کوچک است و هر دانش آموزی می تواند آن را انجام بدهد!
- (۲) کاش همان طور که استاد از من درخواست کرده بود، نیکی می کردم و گمان نمی کردم که آن، کار شایسته کوچکی است که هر یک از دانش آموزان می توانند آن را انجام بدهند!
- (۳) کاش چیزی را که استاد از من خواسته بود، درست انجام می دادم و خیال نمی کردم که آن، کار شایسته کوچکی است که هر دانش آموزی می تواند آن را انجام بدهد!
- (۴) کاش من آن چه را که استاد از من خواست به درستی انجام می دادم و خیال نمی کردم آن فقط یک کار نیک کوچک است که هر دانش آموزی قادر به انجام آن است!

۲۶۳۹- «أَبُو النَّاسِ آدَمُ وَأُمُّهُمُ حَوَاءُ، وَلَا فَرَّقَ بَيْنَ رَجُلٍ وَامْرَأَةٍ فِي الْأَصْلِ وَالْخَلْقَةِ، وَإِنَّمَا النَّاسُ يَتَفَضَّلُونَ بِالْعِلْمِ وَالْعَمَلِ وَالْأَخْلَاقِ!»:»

- (۱) پدر مردم آدم و مادرشان حواست، و در اصل و آفرینش هیچ تفاوتی میان مرد و زن نیست و مردم تنها به وسیله علم، عمل و اخلاق بر یکدیگر برتری می یابند!
- (۲) پدر مردم آدم و مادرشان حواست، بنابراین تفاوتی در اصل و آفرینش میان مرد و زن نمی باشد و همانا مردم با علم، عمل و اخلاق خود برتری می یابند!
- (۳) مردم پدرشان آدم و مادرشان حواست، و هیچ تفاوتی در اصل و آفرینش میان مرد و زن نیست و همانا با علم، عمل و اخلاق بر یکدیگر برتری خواهند یافت!
- (۴) پدر مردم آدم و مادرشان حواست، بنابراین در اصل و آفرینش آن ها تفاوتی میان مرد و زن نیست و مردم تنها با دانش و عمل و اخلاق برتری می یابند!

۲۶۴۰- «إِنَّ الْمَوْضِلَ الَّذِي يُصْنَعُ مِنْ عَصَرٍ فَلَزِي كَالْتُّحَاسِ أَوْ الْحَدِيدِ يَنْقُلُ التَّيَّارَ الْكَهْرِبَائِيَّ بِسَهْوَةٍ بَيْنَ الْقُطْبَيْنِ وَيَسَاعِدُ عَلَى تَشْغِيلِ آلَاتِ الْكَهْرِبَائِيَّةِ»:

- (۱) همانا رسانایی که از عنصر فلزی مانند مس یا آهن می‌سازند، جریان برق را به آسانی بین قطب‌ها منتقل کرده و به راه‌اندازی دستگاه‌های برقی کمک می‌کند!
- (۲) رسانایی که از عنصر فلزی مانند مس یا آهن ساخته می‌شود، انتقال جریان برق را بین دو قطب آسان نموده و به راه‌اندازی دستگاه‌های برقی کمک می‌نماید!
- (۳) رسانایی که از عنصری فلزی مانند مس یا آهن ساخته می‌شود، جریان برق را به آسانی بین دو قطب منتقل می‌کند و به راه‌اندازی دستگاه‌های الکتریکی کمک می‌نماید!
- (۴) رسانا را از عنصری فلزی مانند مس یا آهن می‌سازند، و جریان برق به آسانی بین دو قطب منتقل می‌شود و به راه‌اندازی دستگاه‌های الکتریکی کمک می‌گردد!

۲۶۴۱- «عَلَيْنَا أَنْ لَا نَبِيعَ الْبِضَاعَ بِسَعَرٍ أَعْلَى مِنْ هَذَا لَأَنَّ السَّعَرَ الْأَرْخَصَ هُوَ السَّبَبُ الرَّئِيسِيُّ فِي نَجَاحِ التَّجَارَةِ وَ يُسَبِّبُ أَنْ يُؤْمِنَا النَّاسُ»:

- (۱) ما نباید کالاها را به قیمتی گران‌تر از این بفروشیم، زیرا قیمت ارزان‌تر همان دلیل اصلی در موفقیت تجارت است و باعث می‌شود که مردم ما را امین بدانند!
- (۲) ما نباید کالایمان را با قیمتی گران‌تر از این به فروش برسانیم، چراکه قیمت ارزان علت اصلی موفقیت در تجارت است و باعث می‌شود که مردم به ما ایمان بیاورند!
- (۳) ما نباید کالاها را با قیمتی به این گرانی بفروشیم، چون که قیمت ارزان‌تر مهم‌ترین دلیل در موفقیت تجارت است و سبب می‌شود که مردم ما را امین بدانند!
- (۴) کالاها نباید به قیمتی گران‌تر از این به فروش برسند، زیرا ارزان‌ترین قیمت دلیل اصلی موفقیت در تجارت است و باعث می‌شود که مردم به ما ایمان بیاورند!

۲۶۴۲- «لَيْتَ الطُّلُبُ الَّذِينَ يَهْجُرُونَ وَطَنَهُمْ بِحَاشٍ عَنِ الْعِلْمِ فِي جَامِعَاتِ الْبُلْدَانِ الْغَرِبِيَّةِ يَرْجِعُونَ يَوْمًا إِلَى بِلَادِهِمْ لِكَيْ يَتَمَتَّعَ مَوَاطِنُوهُمْ بِعِلْمِهِمْ وَ مَهَارَاتِهِمْ»؛ کاش دانشجویانی که ...

- (۱) از میهن خود مهاجرت می‌کنند تا در دانشگاه‌های کشورهای غربی دانش را جست‌وجو کنند، روزی به کشورهای خود بازگردند تا هموطنان خود را از علم و مهارت خود بهره‌مند کنند!
- (۲) کشور خود را در جست‌وجوی دانش در دانشگاه‌های کشورهای غربی ترک می‌کنند، روزی به کشور خود برگردند تا هموطنانشان از دانش و مهارت‌هایشان بهره‌مند شوند!
- (۳) میهن خود را می‌کنند تا به دنبال دانش در دانشگاه‌های کشورهای غربی بروند، روزی به میهن خود بازمی‌گشتند تا هموطنانشان از دانش و مهارت‌های خود بهره‌مند کنند!
- (۴) کشورشان را در حالی که در جست‌وجوی دانش در دانشگاه‌های کشورهای غربی هستند، ترک کرده‌اند، روزی به میهنشان مراجعه کنند تا هم میهنانشان از دانش و علم آنان بهره‌مند شوند!

۲۶۴۳- «السَّائِقُ الَّذِي لَا يَتَنَبَّهُ إِلَى الْوَحَاتِ التَّحْذِيرِيَّةِ الْمَوْضُوعَةِ فِي جَانِبِي الشَّارِعِ قَدْ يَخْلُقُ خَطَرَ لِنَفْسِهِ وَ لِلسَّيَّارَاتِ الَّتِي تَسِيرُ فِي نَفْسِ الطَّرِيقِ»؛ راننده‌ای که ...

- (۱) به تابلوهای هشدار قرار داده شده در دو سمت خیابان، توجه نمی‌کند، ممکن است برای خودش و ماشین‌هایی که در همان مسیر حرکت می‌کنند، خطراتی را بیافریند!
- (۲) به تابلوهای هشدار دهنده قرار داده شده در اطراف خیابان، اعتنایی نمی‌کند، قطعاً برای خودش و ماشین‌هایی که در آن مسیر در حال حرکت‌اند، خطر آفرین است!
- (۳) توجهی به تابلوهای هشدار که در کنار خیابان قرار گرفته‌اند، ندارد، گاهی برای خودش و خودروهای دیگری که در همان مسیر حرکت می‌کنند خطراتی را می‌آفریند!
- (۴) که به تابلوهای هشدار قرار داده شده در دو سمت خیابان هیچ اعتنایی نمی‌کند، شاید برای خودش و ماشین‌هایی که در همان مسیر حرکت می‌کنند، خطرناک باشد!

۲۶۴۴- «الْأَعصابُ خِيوطٌ بِيضَاءُ تُوَضِّلُ جَمِيعَ أَعْضَاءِ الْجِسْمِ إِلَى الْمَخِّ وَ يَجْرِي فِيهَا الْحَشُّ وَ إِنْ قُطِعَتْ إِحْدَاهَا فَسَوْفَ نُصَابُ بِالشَّلَلِ فِي نَفْسِ الْعَضْوِ»؛ عصب‌ها ...

- (۱) نخ‌هایی سفید هستند که از تمام اعضای بدن به مغز می‌رسند و در آن‌ها حس جریان دارد و چنان‌چه یکی از آن‌ها قطع شود در همان عضو دچار نقص خواهیم شد!
- (۲) نخ‌های سفیدی هستند که تمام اعضای بدن را به مغز وصل می‌کنند و در آن‌ها حس جاری می‌شود و چنان‌چه یکی‌شان بریده شود در همان عضو دچار فلج خواهیم شد!
- (۳) رشته‌های روشنی هستند که مغز را به تمام اعضای بدن می‌رسانند و در آن‌ها حس جاری است و اگر یکی از آن‌ها قطع شود در همان عضو فلج خواهیم شد!
- (۴) نخ‌هایی نورانی هستند که از همه عضوهای بدن به مغز می‌رسند و در آن‌ها حس جریان دارد و چنان‌چه یکی از آن‌ها بریده شود همان عضو دچار فلج خواهد شد!

۲۶۴۵- «إِنَّ الْمُجْتَمَعَ السَّلِيمَ كَأَنَّهُ جَرَمٌ كَبِيرٌ يَحْتَوِي الْعِظْمَ وَ اللَّحْمَ وَ الْعَصَبَ، أَيْ كُلَّ الْأَشْخَاصِ فِيهِ يَعْمَلُونَ بِوَأَجِبَاتِهِمْ وَ كَذَلِكَ يَتَحَقَّقُ التَّنْظُّورُ لَهُمْ»؛

- (۱) قطعاً جامعه سالم آن است که مانند پیکری بزرگ دارای استخوان و گوشت و پی باشد، یعنی همه افراد در آن به وظیفه خویش عمل کنند و این‌گونه پیشرفت برای آنان تحقق می‌یابد!
- (۲) به راستی که جامعه سالم گویی پیکر بزرگی است که دارای استخوان و گوشت و پی است، یعنی همه اشخاص در آن به وظایفشان عمل می‌کنند و این‌طور پیشرفت برایشان محقق می‌شود!
- (۳) قطعاً جامعه سالم همچون پیکر بزرگی است که دربردارنده استخوان و گوشت و عصب است، به این معنا که کل اشخاص به وظایف خویش عمل کرده و پیشرفت خود را محقق می‌سازند!
- (۴) به راستی که آن جامعه‌ای سالم است که همچون جسمی بزرگ دربردارنده استخوان و گوشت و پی باشد، به این معنا که همه افراد در آن به وظیفه‌های خود عمل می‌کنند و این چنین پیشرفت برای ایشان محقق می‌شود!

۲۶۴۶- «إِنَّ بَعْضَ النَّاسِ يَحْسِبُونَ أَنْفُسَهُمْ أَفْضَلَ مِنَ الْآخِرِينَ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ أَنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ مِنْ جِهَةِ الْآبَاءِ أَكْفَاءُ وَ الْفَضْلُ بِمَا يُحْسِنُونَهُ»؛

- (۱) بعضی از مردم خود را برتر از دیگران می‌پندارند، گویی آنان نمی‌دانند که مردم همگی‌شان از جهت پدران (نیاکان) یکسان‌اند و برتری به چیزی است که آن را درست انجام می‌دهند!
- (۲) بسیاری از مردم خودشان را بالاتر از بقیه می‌دانند، ولی نمی‌دانند که همه مردم از جهت پدران (نیاکان) برابرند و قطعاً برتری به نیکی‌هایی است که انجام می‌دهند!
- (۳) مردم بعضاً خود را برتر از دیگران می‌دانند، چراکه آنان نمی‌دانند که همه مردم از جهت پدران (نیاکان) یکسان‌اند و برتری به چیزی است که درست انجام بدهند!
- (۴) برخی مردم خودشان را بالاتر از دیگران می‌پندارند، گویی آن‌ها نمی‌دانند که مردم از جهت پدران (نیاکان) برابرند و قطعاً برتری به چیزی است که به درستی انجام شود!

۲۶۴۷- عَيْنُ الْخَطَا:

- (۱) آری‌ت انسان‌ آن‌ که قد خُلِقَ مِنْ طِينَةٍ وَ لَا قُدْرَةَ لَهُ أَمَامَ اللَّهِ؟! آیا انسان را دیده‌ای که او از تکه گلی آفریده شده و هیچ قدرتی در برابر خدا ندارد؟!
- (۲) لَا تَحْزَنْكَ أَقْوَالُ الَّذِينَ لَا يَصْدُقُونَ فَلَا تُجَادِلُهُمْ!؛ از سخنان کسانی که به تو راست نمی‌گویند، ناراحت نشو؛ پس با آنان بحث نکن!
- (۳) بعد انتهاء حصة مُمارسة التَّشَاظُطَاتِ الْخُرَّةِ فَرَّغَ الصَّفِّ بِسُرْعَةٍ؛ پس از پایان زنگ تمرین فعالیت‌های آزاد، کلاس به سرعت خالی شد!
- (۴) يَا بَنَاتِي، لَيْتَكَ تَتَفَرَّنَ بِالْعِلْمِ فِي حَيَاتِكُنَّ لِأَنَّهُ أَغْنَى الْكَتُوزَ؛ ای دختران من، کاش علم را در زندگی‌تان به دست بیاورید، زیرا آن بی‌نیازکننده‌ترین گنج‌هاست!

۲۶۴۸- عَيْنُ الْخَطَا:

- (۱) هناك أشخاصٌ يَرْعَمُونَ أَنَّهُمْ يَخْتَلِفُونَ مع الآخرين في الخلقِ: افرادی وجود دارند که می‌پندارند در آفرینش با دیگران تفاوت دارند،
- (۲) مع أَن الله قد خَلَقَ النَّاسَ من طِينَةٍ واحدةٍ و هم أَكْفَاءٌ في الخلقِ: با این‌که خداوند مردم را از یک گل آفریده و آنان در آفرینش هم‌تراز هستند،
- (۳) لا فَرْقَ بَيْنَهُمْ عنده و لَكِنَّهُمْ مُخْتَلِفُونَ في اللَّوْنِ و اللَّغَةِ: و در نزد او هیچ فرقی ندارند اگرچه در رنگ و زبان متفاوت هستند،
- (۴) فَإِنَّمَا النَّاسُ كُلُّهُمْ من أُمٍّ و أَبٍ فَلَا يَفْخِرُ أَحَدٌ بِنَسَبِهِ: مردم همگی‌شان تنها از یک پدر و مادر هستند و کسی نباید به نژاد خود افتخار کند!

۲۶۴۹- عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- (۱) لا يُخْرِجُ الْأَطْفَالَ و المَرْضَى من بيوتهم عندما يصبح الجوُّ مُغْبِراً: تا وقتی هوا غبارآلود است بچه‌ها و بیماران نباید از خانه‌هایشان بیرون بیایند!
- (۲) إِن تُحِبَّ الْوَصُولَ إِلَى غَايَاتِكَ الْعَالِيَةِ فَأَحْسِنِ و اجْبِتْكَ الصَّغِيرَةَ: اگر دوست داری به هدف‌های بلندت برسی و وظایف کوچکت را درست انجام بده!
- (۳) لا تَزْعُمَنَّ أَنَّ الْفَوْزَ بِالْعِلْمِ يُنْقِذُكَ بَلْ الْأَهَمُّ مِنْهُ الْعَمَلُ بِهِ: خیال نکن که با دانش رستگار می‌شوی و نجات می‌یابی بلکه مهم‌تر از آن، عمل کردن به آن است!
- (۴) لا تُكْرَهُوا الْآخِرِينَ بِإِطْعَامِ الْمَسَاكِينِ لِأَنَّ قِيَمَةَ الْأَعْمَالِ بِالنِّيَّاتِ: نباید دیگران را به غذا دادن به درماندگان مجبور کنید، زیرا ارزش کارها به نیت‌ها است!

۲۶۵۰- عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- (۱) لَذَاتُ الدُّنْيَا تَفْنَى و ما يَبْقَى هُوَ الْآخِرَةُ: لذت‌های دنیوی نابود می‌شوند و تنها آخرت است که باقی می‌ماند!
- (۲) أَعْمِرُوا قُلُوبَكُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ و لا تُؤْمِتُوهَا بِالذَّنْبِ: دل‌های خود را با یاد خداوند آباد سازید و آن‌ها را با گناهان نمیرانید!
- (۳) إِنَّمَا يَقْوُزُ بِالْعِلْمِ مَنْ عَرَفَ أَنَّهُ كُنْزٌ لَيْسَ لَهُ بَدَلٌ: کسی که بداند علم گنجی است که جایگزینی ندارد، قطعاً آن را به دست می‌آورد!
- (۴) حَدَّدَ نَفْسَكَ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا فَإِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسَّوْءِ: نفست را در جست‌وجوی دنیا محدود کن، چراکه نفس فرمانده بسیار بدی است!

۲۶۵۱- «وقتی خریدارها در خریدن کالایی تردید می‌کنند فروشنده می‌تواند آن‌ها را راهنمایی کند!»:

- (۱) إِذَا تَرَدَّدَ الْمُشْتَرُونَ فِي شِرَاءِ الْبَضَائِعِ يَقْدِرُ الْبَائِعُ عَلَى إِرْشَادِهِمْ! (۲) الْمُشْتَرُونَ عِنْدَمَا تَرَدَّدُوا فِي شِرَاءِ بَضَاعَةِ الْبَائِعِ يَسْتَطِيعُ أَنْ يُرْشِدَهُمْ!
- (۳) إِنْ الْمُشْتَرُونَ يَتَرَدَّدُونَ حِينَ شِرَاءِ الْبَضَاعَةِ فَالْبَائِعُ يَقْدِرُ عَلَى أَنْ يُرْشِدَهُمْ! (۴) حِينَمَا يَتَرَدَّدُ الْمُشْتَرُونَ فِي شِرَاءِ بَضَاعَةِ الْبَائِعِ يَسْتَطِيعُ الْبَائِعُ أَنْ يُرْشِدَهُمْ!

۲۶۵۲- «کاش از غذاهایی که نمی‌خورید به نیازمندان غذا ندهید، زیرا هیچ پاداشی ندارد!»:

- (۱) يَا لَيْتَ لَا تَطْعَمُونَ الْمُحْتَاجِينَ مِنْ أَطْعَمَةٍ لَا تَأْكُلُونَ فَإِنَّهُ لَا أَجْرَ فِيهِ! (۲) لَيْتَكُمْ لَا تُطْعَمُوا الْفُقَرَاءَ مِنْ أَطْعَمَةٍ لَا يَأْكُلُونَ لِأَنَّهُ لَا أَجْرَ لَهُ!
- (۳) لَيْتَكُمْ لَا تَطْعَمُونَ الْمُحْتَاجِينَ مِنْ أَطْعَمَةٍ لَا تَأْكُلُونَ فَإِنَّهُ لَا أَجْرَ لَهُ! (۴) لَيْتَكُمْ لَا تُطْعَمُوا الْمَسَاكِينَ مِنْ طَعَامٍ لَا تَأْكُلُونَ لِأَنَّهُ لَيْسَ أَجْرُ لَهُ!

قواعد

۲۶۵۳- عَيْنُ فِعْلًا مُضَارِعًا لَا يَعْدِلُ الْمُضَارِعُ الْإِتْرَامِي:

- (۱) حاولت أن لَأَنْسَى الدَّرْسَ الَّتِي قَدْ تَعَلَّمْتَهَا فِي أَيَّامِ دِرَاسَتِي! (۲) لَا يُحَاوِلُ الْإِنْسَانُ عَلَى كَسْبِ رِضَا جَمِيعِ النَّاسِ فَإِنَّهُ لَا يُدْرِكُ!
- (۳) لَعَلَّكُمْ تَزْعُمُونَ أَنَّ الْوَصُولَ إِلَى الْغَايَةِ أَمْرٌ سَهْلٌ و لَكِنَّهُ صَعْبٌ أحياناً! (۴) لَيْتَ لَاعِبِينَا الَّذِينَ شَارَكُوا فِي مَبَارَاةِ كُرَةِ الْمَنْضَدَةِ الْعَالَمِيَّةِ يَحْصِلُونَ عَلَى الْجَائِزَةِ الذَّهَبِيَّةِ!

۲۶۵۴- عَيْنُ الْعِبَارَةِ الصَّحِيحَةِ (حَسَبَ عِلَامَةِ الْإِعْرَابِ):

- (۱) لا تَلْمِزْ فِي قَاعَةِ الْمَدْرَسَةِ حَاضِرًا بَعْدَ أَنْ انْتَهَى الْامْتِحَانُ! (۲) إِنَّ الْأَطِبَّاءَ الْمُحْسِنِينَ يُعَالِجُونَ الْمَرْضَى دُونَ أَنْ يُحْمَلُوهُمْ نَفَقَاتٍ كَثِيرَةً!
- (۳) كَأَنَّ هَاتَانِ الْأَخْتَانِ مَشْغُولَتَانِ بِطَبْخِ طَعَامِ الْعِشَاءِ قَبْلَ أَنْ يَصِلَ الضُّيُوفُ! (۴) عِنْدَمَا سَمِعْتُ أَنَّ الْجِيرَانَ يُرِيدُونَ أَنْ يُسَاعِدُونِي فِي نَظَافَةِ الْبِنَاءِ فَرِحْتُ كَثِيرًا!

۲۶۵۵- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي اسْتِخْدَامِ الْحُرُوفِ الْمُسَبَّهَةِ بِالْفِعْلِ:

- (۱) لَا أَظُنُّ أَنَّ هَذَا الصَّدِيقَ يَنْفَعُكَ و لَكِنَّهُ لَيْسَ مَنَاسِبًا لِلضَّدَاقَةِ مَعَكَ! (۲) لَا تَشْعُرُوا بِالْيَأْسِ مِنْ فَشَلِ ثَوَاجِهُونِهِ فَإِنَّ الْفَشَلَ يُرْشِدُكُمْ إِلَى طَرِيقِ النَّجَاحِ!
- (۳) إِنَّ التَّفَطُّ يُسْتَخْرَجُ مِنَ بَاطِنِ الْأَرْضِ و لَعَلَّ هَذَا الاسْتِخْرَاجَ يَنْتَهِي فِي يَوْمٍ! (۴) إِنَّمَا هَذَا الرَّجُلُ كَانَ يُرِيدُ أَنْ يُسَهِّلَ أَعْمَالَ الْإِنْسَانِ بِاخْتِرَاعِهِ الْخَطَرَ!

۲۶۵۶- عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ «لَا» النَّافِيَةِ لِلْجِنْسِ:

- (۱) شَرَفَ الْمَرْءَ بِالْعِلْمِ و الْأَدَبِ لَا بِالْأَصْلِ و التَّنَسُّبِ و مع الأسف ما أَكْثَرَ الَّذِينَ لَا عِلْمَ لَهُمْ!
- (۲) لِأَثْمَارِ شَجَرَتِنَا أَلْوَانَ جَمِيلَةٍ تَدُلُّ عَلَى قُدْرَةِ اللَّهِ و لَا يَسْتَطِيعُ الْإِنْسَانُ أَنْ يَخْتَرَعَ مِثْلَهَا!
- (۳) لَا تَيَاسُوا فِي الشَّدَائِدِ أَبَدًا فَإِنَّهُ لَا حَزْنَ مُسْتَمِرٍّ و لَعَلَّ الْبَسْمَاتِ تُؤَلِّدُ بَيْنَ الدَّمُوعِ!
- (۴) لَمَّا شَكَرْتُ أَمِّي لِطَبْخِ الطَّعَامِ اللَّذِيزِ قَالَتْ لِي: لَا شُكْرَ عَلَى الْوَاجِبِ يَا وَلَدِي!

۲۶۵۷- عَيْنُ الْخَطَا حَسَبَ التَّوْضِيحَاتِ:

- (۱) لَيْتَ الشَّبَابَ يَعُودُ مَرَّةً أُخْرَى. — يَتِمَّنَى الْمُتَكَلِّمُ أَمْرًا بَعِيدًا. (۲) إِنَّ تَبَادُلَ الْمَفْرَدَاتِ أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ. — هَذِهِ الْجُمْلَةُ مُؤَكَّدَةٌ بِحَرْفِ مُشَبِّهٍ بِالْفِعْلِ.
- (۳) الْمُشْتَرِي مُتَرَدِّدٌ لَكِنَّ الْبَائِعَ عَازِمٌ لِلْبَيْعِ. — فِيهَا حَرْفٌ يَكْمُلُ مَعْنَى الْعِبَارَةِ. (۴) كَأَنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ كَانُوا لَا يُصَدِّقُونَ كَلَامَ الْأَنْبِيَاءِ. — جَاءَ فِيهَا التَّشْبِيهُ.

۲۶۵۸- عَيْنُ حَرْفًا يَرْفَعُ الشَّكَّ عَنْ جُمْلَةٍ:

- (۱) لَعَلَّ الَّذِي يَفْخِرُ بِنَسَبِهِ يَعْلَمُ أَنَّ الْفَخْرَ بِالْعَقْلِ الثَّابِتِ! (۲) كَأَنَّ نَارَ جَهَنَّمَ تَسْتَعْرِ بِذُنُونِنَا و لَكِنَّهَا تُطْفَأُ بِالْإِحْسَانِ!
- (۳) إِنَّ الضَّبْرَ و الْإِيمَانَ جَنَاحَانِ يُوصِلَانِنَا إِلَى السَّعَادَةِ! (۴) الْفَقْرُ مُصِيبَةٌ عَظِيمَةٌ و فَإِنَّمَا الْأَعْظَمُ مِنْهَا الْجَهْلُ!

۲۶۵۹- «..... وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا أَكْثَرَ النَّاسِ لَا تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِهَيْسَتَيْنِ بَيْنَ قُدْرَةِ لَهُمْ!» عَيْنُ مَا يَنَاسِبُ لِلْفَرَاقَاتِ:

- (۱) لَعَلَّ - كَأَنَّ - لَا (۲) إِنَّ - لَأَنَّ - لَيْسَتْ (۳) إِنَّ - وَلَكِنَّ - لَا (۴) إِنَّمَا - وَلَكِنْ - لَيْسَتْ

▶ ۲۶۶۰ - عین «کأن» مختلفة في المفهوم:

- (۱) كأن أهل العلم باقون و لكن الجهال لا يُذكرون بعد موتهم!
(۲) العافية كأنها أعظم ثروة للإنسان لا يدرك قدرها إلا إذا مرض!
(۳) كأن الأعصاب في الجسم خيوط بيضاء يجري فيها الحس!
(۴) اعمل لندياك كأنك تعيش أبداً فاعمل لآخرتك كأنك تموت غداً!

▶ ۲۶۶۱ - عین «لا» يمكن أن تكون للنهي:

- (۱) لا تظن أن جسمك صغير بسيط فإن الله قد جعل فيه عالماً أكبر!
(۲) إن كنت من أعطي نعم الدنيا الكثيرة فحذر أن لا تغترنك الدنيا!
(۳) من لا يقبل مواعظ يُقدّمها له المعلم فسوف يُعلمه الدهر المواعظ!
(۴) ألا تعلم أن ما يرفع شأنك و قيمتك هو عمل أحسنه و مال أنفقته!

▶ ۲۶۶۲ - عین الخطأ في استخدام الحروف المشبهة بالفعل للفرغ:

- (۱) مع أن الدلفين أوصّل رجلاً إلى الشاطئ و الرجل بعد نجاته ما صدّق هذا الموضوع. (لكن)
(۲) تدبروا في الآيات لكي تعلموا القرآن يؤكّد على حُرّية العقيدة. (أن)
(۳) تواضعوا أمام أصدقائكم، المتكبرين ليسوا محبوبين بين الناس. (لكن)
(۴) يتمنى أكثر الناس في أيام كبرهم أيام صغرهم تعود يوماً. (ليت)

▶ ۲۶۶۳ - عین «لا» يختلف عن الباقي:

- (۱) من لا تحمّل له في حياته لن ينجح أبداً!
(۲) لا تعلم صديقتك العزيرة الطريق خطأ!
(۳) لا تفرّح عبثاً من ينتظرون الخير الجيد!
(۴) ربنا لا تحمّل لنا ما أكبر من طاقتنا!

(آزمون های آزمایشی خیلی سبز)

▶ ۲۶۶۴ - عین اسم الحروف المشبهة بالفعل ليس مصدراً مزيداً:

- (۱) كأن المسابقات العالمية لكرة القدم تنعقد في شهر «آذر»!
(۲) قرأت في صحيفة اليوم أن لإديسون اختراعات كثيرة!
(۳) لعل أثمار هذه الشجرة تُعطى لجيراننا المساكين!
(۴) إن أنزال آيات القرآن كلها كان في ليلة القدر!

▶ ۲۶۶۵ - عین الخطأ في الإعراب و التحليل الصرفي: ﴿ قالوا لا علم لنا إنك أنت علام الغيوب ﴾

- (۱) علم: مفرد مذكر (جمعه: علوم) - نكرة - مبني / اسم لا التانيّة للجنس و مفتوح و خبره «لنا»
(۲) أنت: من الضمائر المنفصلة - للمفرد المخاطب - معرفة - مبني - جاء للتأكيد
(۳) علام: مفرد مذكر (مؤنثه: علامة) - اسم مبالغة (للدلالة على الصفة) - معرب / خبر و مبتدؤه: أنت
(۴) الغيوب: جمع تكسير (مفرده «غيب» و هو مذكر) - معرّف بآل - معرب / مضاف إليه و مجرور بالكسرة

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ بخشنده است («ذو» در ترجمه لحاظ نشده است).
 ۲ سپاس‌گزار نیستند («لا یُشکرون» فعل مضارع است و نباید به صورت اسم و اسنادی ترجمه شود).
 ۳ بدون تردید (ترجمه «إِنَّ» باید ابتدای جمله آورده شود، زیرا تأکید آن بر کل جمله است).
 ۴ بسیاری از مردمان («اکثر» اسم تفضیل است و معنای «بیشتر» دارد).

۲۴۵۵ کلمات مهم: «لا علم»؛ هیچ دانشی - «عَلَمْنَا»؛ تو به ما آموختی

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ از تو آموختیم (فعل «عَلِمْتُ» مخاطب است و معنای «یاد دادی» می‌دهد و در واقع «نا» مفعول است).
 ۲ دانشی («لا» ی نفی جنس در ترجمه لحاظ نشده است).
 ۳ مگر این‌که («ما» که بعد از «إِلَّا» آمده، معنای «آن‌چه» می‌دهد که ترجمه نشده است).
 ۴ یاد بدهی («عَلِمْتُ» فعل ماضی است).

۲۴۵۶ کلمات مهم: «لَا تُحْمَلُنَا»؛ بر ما تحمیل نکن - «لَا طَاقَةَ...»؛ هیچ طاقتی...
خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ آن را (معادل مناسبی برای «ما» نیست).
 ۲ چون (معادلی در عبارت عربی ندارد).
 ۳ طاقتی («لا» ی نفی جنس در ترجمه لحاظ نشده است).
 ۴ اصلاً (اضافی است).
 ۵ طاقتش («به» باید به صورت مجزاً ترجمه شود و ضمیر در آن را به «طَاقَةَ» نجسبائیم).

۲۴۵۷ کلمات مهم: «سبحان»؛ پاک است - «أُسرَى»؛ حرکت داد - «لَيْلًا»؛ شبانه، در شب

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۲ حرکت کرد («أُسرَى» بر وزن «أفْعَل» بوده و متعدی است).
 ۳ بنده را (ضمیر «ه» در «عَبْدَه» ترجمه نشده است).
 ۴ دقت کنید که در ترجمه جای مبتدا و خبر عوض شده است.
 ۵ با بنده خود (در این جا «پ» به معنای «با» نیست).
 ۶ حرکت کرد (مانند ۲)

۲۴۵۸ کلمات مهم: «قَدْ أفلَحَ»؛ رستگار شده‌اند (فعل ماضی نقلی) - «الَّذِينَ»؛ کسانی که - «خاشعون»؛ فروتنان (البته در این عبارت چون در نقش خبر ظاهر شده و وابسته‌ای ندارد، در فارسی به صورت مفرد ترجمه می‌شود).

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ رستگارند («قَدْ أفلَحَ» فعل است و نباید به صورت اسنادی ترجمه شود).
 ۲ همان (اضافی است).
 ۳ رستگارشدگان (مانند ۱).
 ۴ فروتنی دارند («خاشعون» فعل نیست).
 ۵ هنگام (معنای درستی برای «فی» نیست).
 ۶ نماز (ضمیر در «صَلَاتِهِمْ» ترجمه نشده است).

۲۴۵۹ کلمات مهم: «لَا تُمَيِّتُوا»؛ نمیرانید (فعل نهی از «أَمَاتَ، يُمَيِّتُ» به معنای «میراند») - «يُمَوِّثُ»؛ می‌میرد (فعل لازم است).
خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ غذاها («طعام» مفرد است).
 ۲ نمیراند («لَا تُمَيِّتُوا» فعل نهی مخاطب است، نه غایب، ضمناً جمع است نه مفرد).
 ۳ کشتی است («الزَّعْرَع» معرفه است، نه نکره).
 ۴ قلب‌هایتان (ضمیر «تان» در انتهای آن اضافی است).
 ۵ نمیراند (مانند ۲).
 ۶ بیقرایی («كُثْرَ» اولاً غایب است نه مخاطب، ثانیاً لازم است نه متعدی).

۲۴۶۰ کلمات مهم: «كُلُّ طعام»؛ هر غذایی («كُلُّ» وقتی با اسم «مفرد نکره» بیاید، معنای «هر» می‌دهد).
 ۱ «لا يُذْكَرُ»؛ یاد نمی‌شود (فعل مجهول).
 ۲ «لا بركة فيه»؛ هیچ برکی در آن نیست.

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۲ ذکر نکنند («لا يُذْكَرُ» فعل مجهول و مفرد است).
 ۳ همه غذاهایی («أولاً طعام» در این جا مفرد است، ثانیاً «كُلُّ» در این جا معنای «هر» دارد).
 ۴ ذکر نشده باشد («لا يُذْكَرُ» مضارع است نه ماضی التزامی).
 ۵ ندارد (کلمه یا ساختاری که معنای مالکیت داشته باشد، در این عبارت نداریم).
 ۶ برایش («فيه» در آن)

۲۴۶۱ کلمات مهم: «عَلِمْتُ»؛ به ما می‌آموزی (فعل مضارع).
 ۱ است. به ما آموخته‌ای (فعل مضارع).
 ۲ متوجه می‌شوید (ترجمه درستی برای «يعقلون» نیست).
 ۳ ضمیر «ه» در «جعلناه» ترجمه نشده است.
 ۴ بی‌شک ما آن را قرآنی عربی قرار دادیم، امید است خردورزی کنید.
 ۵ داناترم («أعلمُ» در این جا فعل مضارع مربوط به «أنا» است).
 ۶ گفت: می‌دانم که خدا بر هر چیزی تواناست.

۲۴۶۲ کلمات مهم: «لَا تُحْمَلُنَا»؛ شکی (در ترجمه «لَا» ی نفی جنس از لفظ «هیچ» نیست).
 ۱ استفاده می‌کنیم! - هدایتگر («هُدًى» یک اسم نکره است و «اسم فاعل» نیست تا معنای «هدایتگر» داشته باشد).
 ۲ پروردگار ما (حالت ندایی و خطابی منادا باید در ترجمه لحاظ شود).
 ۳ توانایی‌اش را نداریم (ترجمه «لَا» ی نفی جنس به درستی در ترجمه لحاظ نشده است).
 ۴ هیچ... نیست = هیچ نداریم! («لَا» ی نفی جنس در ترجمه «لَا تُحْمَلُنَا» لای نهی است).
 ۵ مانمی‌دانیم (به ترجمه «لَا» ی نفی جنس باید دقت کرد).
 ۶ دانای... («غلام» بر وزن «فَعَال» اسم مبالغه است و در ترجمه آن از لفظ «بسیار» استفاده می‌شود).

۲۴۵۰ کلمات مهم: «يُجِبُّ»؛ دوست دارد - «يُقَاتِلُونَ»؛ می‌جنگند - «صَفًّا»؛ صف در صف - «كَأَنَّ»؛ گویا - «بَنِيَّائٍ مَرْصُوقٍ»؛ ساختمان‌ی استوار

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ کشته می‌شوند («يُقَاتِلُونَ» یعنی «می‌جنگند»)
 ۲ پیوسته (ترجمه درستی برای «صَفًّا» نیست).
 ۳ می‌کشند (مانند ۱).
 ۴ همچون صفی («همچون» اضافی است و معادلی در عبارت عربی ندارد).
 ۵ دارند (معادلی در عبارت ندارد).

۲۴۵۱ کلمات مهم: «هَذَا»؛ این - «يَوْمَ الْبَعْثِ»؛ روز رستاخیز - «كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (كان + لا + مضارع - مضارع استمراری منفی)؛ نمی‌دانستید

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۲ امروز («هَذَا» یعنی «این»)
 ۳ روز (اضافی است).
 ۴ نمی‌دانید (نمی‌دانستید؛ «كان + مضارع ماضی استمراری»)
 ۵ بودید که (اضافی است).

۲۴۵۲ کلمات مهم: «يَسْتَوِي»؛ برابرند - «يَعْلَمُونَ»؛ می‌دانند - «لَا يَعْلَمُونَ»؛ نمی‌دانند

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ بدانند، ندانند («يَعْلَمُونَ» و «لَا يَعْلَمُونَ» مضارع اخباری هستند).
 ۲ علم دارند (در «يَعْلَمُونَ» معنای مالکیت وجود ندارد).
 ۳ با (در عبارت عربی «و» آمده است).
 ۴ علم ندارند (در «لَا يَعْلَمُونَ» معنای مالکیت وجود ندارد).
 ۵ برابر می‌شوند (ترجمه درستی برای «يَسْتَوِي» نیست).

۲۴۵۳ کلمات مهم: «أَعْلَمُ»؛ می‌دانم (در این جا فعل مضارع است).
 ۱ «كُلُّ شَيْءٍ»؛ هر چیزی

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ داناترم («أعلمُ» فعل مضارع است، نه اسم تفضیل).
 ۲ قطعاً («أَنَّ» که «- چیزها «شيء» مفرد است، نه جمع).
 ۳ داناترم (مانند ۱).
 ۴ قدرت دارد (معنای دقیقی برای «قدیر» نیست).

۲۴۵۴ کلمات مهم: «ذو فضل»؛ دارای بخشایش - «أَكْثَرُ النَّاسِ»؛ بیشتر مردم - «لا یُشکرون»؛ شکر نمی‌کنند.

معمولاً خبر است. - تنیده‌اند (انطوی) فعل لازم است، نه متعدی و هم چنین مفرد است نه جمع. / ۳ تنها (اضافی است). - بزرگی («الاکبر») برون «أفعل» بوده واسم تفضیل است.

۲۴۶۹ کلمات مهم: «امری»: فرد، شخص - «یُحسَنه»: آن را نیکو انجام می‌دهد.

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ نیکی‌هایی است («ما» به معنای «چیزی» است). - می‌کرده است («یُحسِنُ» طبق نکته‌ای که گفته شد، به معنای «نیکو انجام می‌دهد» است). / ۳ انجامشان داده است («یُحسَنه» فعل مضارع است. دقت کنید که در این مصرع فعل «کان» تأثیری در معنای فعل ندارد. / ۴ امور نیکو (مانند ۱) - انجام می‌دهد (ترجمه مناسبی برای «یُحسَن» نیست).

نکته: فعل «أحسن» اگر مفعول داشته باشد، معنای «درست انجام داد» است، نه «نیکو کرد».

۲۴۷۰ کلمات مهم: «فُز بالعلم»: دانش را به دست بیاور (فعل «فاز» وقتی با حرف «ب» به کار برود، معنای «به دست آورد» می‌دهد). - «بدلاً»: جایگزین. - «موتی»: مردگان (جمع «میت») - «أحیاء»: زندگان (جمع «حي»)

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ رستگار شو (معنای درستی برای «فاز ب» نیست). - هیچ (اضافی است). / ۳ رستگار شو (مانند ۱) - نجو (معنای درستی برای «لا تطلب» نیست). - زنده می‌مانند («أحیاء» اسم است نه فعل). / ۴ هرگز (اضافی است). - نجو (مانند ۳)

۲۴۷۱ کلمات مهم: «یَفْخَرُ»: افتخار می‌کند - «جهلاً»: از روی نادانی - «بِری»: می‌بیند (این فعل را در این عبارت می‌توانیم به معنای «می‌پندارد» بگیریم). - «حدید»: آهن - «نحاس»: مس

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۲ کسی که گمان دارد («الذی» را باید همراه «یَفْخَر» ترجمه کنیم، نه «بِری»). - نقره («نحاس» به معنای «مس» است، نه «نقره»). - افتخار خواهد کرد («یَفْخَر» مضارع است، نه مستقبل). / ۳ قطعاً («ان» در ابتدای عبارت آمده، نه در میان آن). - نقره («حدید» به معنای «آهن» است). - آفریده‌اند («خَلَقُوا» فعل مجهول است). / ۴ نادانی‌اش (ضمیر «ش» اضافی است).

۲۴۷۲ کلمات مهم: ۱ قطعاً («إِثْمًا» به معنای «فقط، تنها» است). - ۲ ترجمه صحیح: «مردم تنها از یک پدر و مادرند». / ۳ راضی شدن («إِرضاء» بر وزن إفعال است و به صورت متعدی ترجمه می‌شود: «خشنود ساختن»). - به دست نمی‌آوری («لا تُدْرِك» فعل مجهول است). - ۴ گویا راضی کردن مردم هدفی است که به دست آورده نمی‌شود. / ۵ آرزو دارد («تَمَنی» فعل ماضی است: «آرزو داشت»). - باران بسیاری («كثیراً» صفت نیست، بلکه قید است). - ۶ کشاورز آرزو داشت: کاش باران، بسیار ببارد.

۲۴۷۳ کلمات مهم: «خیوط»: نخ‌ها - «تُوجد»: وجود دارد، یافت می‌شود - «كُلّ الجسم»: تمام جسم («كُلّ» وقتی با اسم مفرد «ال» دار بیاید، معنای «تمام، همه» می‌دهد). - «یَجْری»: جاری است - «تَنْتَهی»: ختم می‌شود - منتهی می‌شود - «الدماغ»: مغز - خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ نوارها (معنای دقیقی برای «خیوط» نیست). - آنها را نشان (تنتهی) فعل است، نه اسم. - در مغز («الی» به معنای «در» نیست). / ۳ هر («كُلّ» در این جا معنای «تمام» دارد). - تا جاری شود (معادلی در عبارت عربی ندارد و دلیلی ندارد «یَجْری» به صورت التزامی ترجمه شود). / ۴ رنگ (اضافی است). - هر جسمی (مانند ۳)، ضمناً «الجسم» معرفه است - جاری می‌کنند («یَجْری» فعل لازم است، نه متعدی).

۲۴۷۴ کلمات مهم: «سَيَقُولُ»: خواهند گفت (به خاطر «الذین» جمع ترجمه می‌شود). - «سازعوا»: شتاب ورزیدند - «المعاصي»: گناهان - «البعث»: قیامت، رستاخیز - «یا لیتنا»: ای کاش ما - «ثُراباً»: خاک

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ گناه («المعاصي» جمع است نه مفرد). - زیاده‌روی کرده‌اند (ترجمه درستی برای «سازعوا» نیست). - می‌شدیم («كُنَّا» یعنی «بودیم»). / ۳ شتاب می‌ورزند («سازعوا» فعل ماضی است مضارع). - می‌گویند («سَيَقُولُ» فعل مستقبل است). - شویم (مانند ۱) / ۴ زیاده‌روی می‌کنند (مانند ۱)، ضمناً «سازعوا» ماضی است. - از خاک («از» معادلی در عبارت عربی ندارد).

۲۴۷۵ کلمات مهم: «لا إيمان لـ...»: هیچ ایمانی ندارند (وقتی بعد از «لا» اسم حرف «ل» بیاید، آن را به صورت مالکیت منفی (ندارد، نداری ...) ترجمه می‌کنیم). - «یَطعمون»: غذا می‌دهند - «لا یا کُلون»: نمی‌خورند.

ترجمه صحیح عبارات: ۱ آن کتاب، هیچ شکی در آن نیست، هدایتی برای پرهیزگاران است. / ۲ [ای] پروردگار ما، آن چه را که ما هیچ توانی به آن نداریم، بر ما تحمیل نکن. / ۳ گفتند: ما هیچ دانشی نداریم، به راستی تو بسیار دانای نهان‌ها هستی.

۲۴۶۳ کلمات مهم: «هذا يوم البعث»: این، روز رستاخیز است. - «و لکنتم»: ولی شما - «کنتم لا تعلمون»: نمی‌دانستید

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ روز رستاخیز این‌گونه است («هذا» معادل «این» است، ضمناً «هذا» مبتدا است و باید در ابتدای جمله ترجمه شود!) - آگاه نبودید (معادل «ما کنتم عالمین» است، «کنتم لا تعلمون» معادل ماضی استمراری است). / ۲ این روز (معادل «هذا اليوم» است. در صورت سؤال «هذا» مبتدا و «یوم» خبر است؛ بنابراین باید با فاصله (ویرگول) از هم ترجمه شوند، نه به صورت گروه اسمی و بدون فاصله!) - گرچه (معادل «وان» یا «ولو» است، نه «لکن» ولی، اما!) / ۳ شما بودید که نمی‌دانستید («کنتم لا تعلمون» معادل ماضی استمراری است. در این ساختار فعل «کان» یا صیغه‌های دیگر آن فعل کمکی هستند و خودشان ترجمه نمی‌شوند؛ بنابراین «بودید که» اضافی است!)

۲۴۶۴ کلمات مهم: «یقولون»: می‌گویند - «بأقوالهم»: با دهان‌هایشان - «ما»: چیزی که - «لیس»: نیست - «فی قلوبهم»: در دل‌هایشان - «أعلم»: داناتر - «بما»: به آن چه - «یکتمون»: پنهان می‌کنند

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ وجود ندارد (ترجمه دقیقی برای «لیس» نیست). - قطعاً (اضافی است!) / ۲ پنهان‌کننده آن (معادل «کاتمون» است، «یکتمون» فعل است، نه اسم. در ضمن «آن» اضافی است!) - آگاه (معادل «علیم» است، «أعلم» اسم تفضیل است و باید به همراه «تر» یا «ترین» ترجمه شود!) / ۳ دهان (معادل «فم» است، «أفواه» جمع است، نه مفرد!) - آن را پنهان می‌کنند (معادل «یکتمونه» است، «آن را» اضافی است!)

۲۴۶۵ کلمات مهم: «لا یَحْزُنُ»: نباید ناراحت کند، ناراحت نکند (فعل نهی غایب است). - «قول»: سخن - «لله»: از آن خداوند - «جمیعاً»: همگی

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ باعث ... شود (این کلمه در ترجمه اضافی است). - اندوه تو (لا یحزن» فعل است نه اسم) - ضمناً کلمه «جمیعاً» اصلاً ترجمه نشده است. / ۳ با (اضافی است). - نباید ... اندوهگین شوی (نباید این فعل را به صورت مخاطب ترجمه کنیم). - همواره (ترجمه صحیحی برای «جمیعاً» نیست). / ۴ غمگین نمی‌کند («لا یَحْزُنُ» آخرش ساکن شده، پس فعل نهی غایب است و باید به صورت «نباید + مضارع التزامی» ترجمه شود).

۲۴۶۶ کلمات مهم: «ما أبْزَى»: بی‌گناه نمی‌شمارم (فعل مضارع را با «ما» هم می‌توان منفی کرد). - «أُمارة»: بسیار فرمان‌دهنده (اسم مبالغه) - «السوء»: بدی

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۲ هرگز (اضافی است). - بدی‌ها («سوء» مفرد است نه جمع). - بسیار ... امر می‌کند («أُمارة» اسم است نه فعل و بهتر است به صورت اسم ترجمه شود). - خداوند (أولاً «رب» یعنی «پروردگار»، ثانیاً «ربی» آخرش ضمیر «ی» دارد که در این ترجمه لحاظ نشده است). / ۳ آدمی را (در جمله عربی، کلمه‌ای معادل آن نیست). - فرمان می‌دهد (مثل ۲): «بسیار ... امر می‌کند» ضمن این که معنای «بسیار» در ترجمه منتقل نشده است). - کسی را («ما» غالباً برای اشخاص استفاده نمی‌شود). - خدایش (مثل ۲): خداوند / ۴ امر کردن («أُمارة»: بسیار دستوردهنده) - البته اگر (معنای درستی برای «لا» نیست). - رحم نکند («ما» در این عبارت نافیحه نیست و فعل «رَحِم» مثبت است).

۲۴۶۷ کلمات مهم: «دواء»: دارو - «ما تُبصر»: نمی‌بینی - «داء»: درد، بیماری - «لا تشع»: احساس نمی‌کنی

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ خود توست («خود» اضافی است). - ولی (در عبارت عربی معادل آن نیامده است). / ۲ گرچه (در عبارت عربی معادل آن دیده نمی‌شود). - دیده نمی‌شود («ما تُبصر» فعل معلوم و مخاطب است). - خودت هستی (حرف «من» در ترجمه لحاظ نشده است). / ۴ ولی (ترجمه درستی برای «و» نیست). - آن را نمی‌بینی («آن را» اضافی است). - بیماری (ضمیر در «داؤك» ترجمه نشده است). - گرچه (ترجمه درستی برای «و» نیست).

۲۴۶۸ کلمات مهم: «تزعم»: گمان می‌کنی - «انطوی»: در هم تنیده شده است. (از باب انفعال است و باید به صورت لازم ترجمه شود). - «الأكبر»: بزرگ‌تر

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ گمان کرده‌ای («تزعم» فعل مضارع است، نه ماضی). - جهانی («العالم» معرفه است، نه نکره). / ۲ جرم تو (کلمه «جرم» با خودش ضمیر ندارد). - کوچک است. («صغیر» صفت است، نه خبر. کلمه‌ای که همراه «است» ترجمه شود،

خطاهای سایر گزیندها: ۱ ایمانی «(لا) ی نفی جنس معنای «هیچ» می دهد که در ترجمه ذکر نشده است. - نباید «(لا یأکلون)» فعل نفی است نه نهی، پس «ناباید» غلط است. ۲ «نخورده اند» «(لا یأکلون)» فعل مضارع است نه ماضی. - «می دهند» «(یُطعمون)» یعنی «غذا می دهند» ۳ «غذا نمی دهند» «(یُطعمون)» فعل منفی نیست. - «وجود ندارد» (در عبارت عربی لفظی به این معنی نیامده است).

۲۴۷۶ ۱ در این گزینه دقت کنید که «خُذُوا» فعل امر به معنای «بپذیرید» یا «بگیرید» است و «نُقَاد» با این که جمع است به صورت مفرد ترجمه می شود، زیرا نقش خبر را دارد و خبر اگر اسم بوده و صفت نداشته باشد در فارسی به صورت مفرد ترجمه می شود.

خطاهای سایر گزیندها: ۲ «تا» (اگر بعد از یک فعل امر یا نهی «ف + مضارع» بیاید، آن «ف» معنای «زیرا» می دهد) - دشمنی شان (کلمه «بین» ترجمه نشده است و «العداوة» ضمیر ندارد). - به دست نیایرد «(تکتسبوا)» فعل مثبت است - به مردم دشمنان ندهید، زیرا دشمنی را در میان آنان به دست می آورید. ۳ «آرزو دارد» «(تَمَنَّى)» فعل ماضی است - آرزو کرد، آرزو داشت - باران زیادی «(کثیراً)» قید است نه صفت - زیاد باران بیارد ۴ در سالن (باید در قسمت اول جمله بیاید) - حاضر نشده بود «(لم + یحضر)» به صورت ماضی ساده یا نقلی ترجمه می شود: حاضر نشد

۲۴۷۷ ۳ **خطاهای سایر گزیندها:** ۱ همگی «(إِثْمًا)» به معنای «فقط، تنها» است. - ترجمه صحیح: «مردم تنها از (یک) مادر و پدرند.» ۲ همانا (اضافی است). - خردمند «(عقل)» یعنی «خرد» نه «خردمند». - ترجمه صحیح: «افتخار تنها برای عقلی استوار است.» ۳ برکتی ... «(لا)» از نوع نفی جنس است پس در ترجمه باید «هیچ» اضافه شود. - و «(لا بركة فيه)» جمله وصفیه است، پس باید از حرف «که» استفاده کنیم. - ترجمه صحیح: «گویا آن مَرَضی است که هیچ برکتی در آن نیست.»

۲۴۷۸ ۱ خطای این گزینه: نگه دارنده (در این گزینه، اسم مفعول «مخفوظاً: نگه داشته شده» به اشتباه به صورت اسم فاعل (نگه دارنده) ترجمه شده است). ترجمه درست آیه: «آسمان را سقفی نگه داشته شده قرار دادیم.»

۲۴۷۹ ۳ **خطاهای سایر گزیندها:** ۱ هرگز (معادل درستی برای «لا» ی نفی جنس نیست). - به زیبایی «(أَجْمَل)» بر وزن «أفعل» یک اسم تفضیل است. «هیچ لباسی زیباتر از تندرستی نیست» ۲ دشمنی شان (ترجمه صحیح «العداوة بینهم» به صورت «در میان آنان، دشمنی ...» است). به مردم دشمنان ندهید، زیرا میان آن ها دشمنی به دست می آورید! ۳ نباید ... بگویید «(لا تقولوا)» نهی مخاطب است و نیازی به «ناباید» ندارد. - با (ترجمه درستی برای «بین» نیست). سخنی را نگوید که باعث دشمنی میان دوستانتان شود!

۲۴۸۰ ۱ **کلمات مهم:** «کُنْتُ أَبْصُرُ»: نگاه می کردم (کان + مضارع - ماضی استمراری) - «صُورَ»: عکس ها - «دراسة»: تحصیل، درس خواندن - «أَقُولُ»: می گفتم (به خاطر وجود «کُنْتُ» در جمله قبل، این فعل هم به صورت ماضی استمراری ترجمه می شود). - «مَضَى»: گذشت - «رَجَعَ»: برگردد (فعل مضارع، بعد از «لِيتَ» به صورت مضارع التزامی ترجمه می شود).

خطاهای سایر گزیندها: ۲ عکس های (ضمیر «ی» در «صوري» ترجمه نشده است). - نگاه کردم «(کُنْتُ أَبْصُرُ)» را به صورت ماضی استمراری ترجمه می کنیم. - گفتم «(أَقُولُ)» مضارع است ولی به خاطر «کُنْتُ» در جمله قبلی به صورت ماضی استمراری ترجمه می شود. - برمی گشت «(یرجع)» مضارع است و دلیلی ندارد به صورت ماضی ترجمه شود. ۳ عکس هایی (مانند ۲) - نگاه می کنم ... می گویم (وجود «کُنْتُ» باعث می شود فعل های «أَبْصُرُ» و «أَقُولُ» به صورت ماضی استمراری ترجمه شوند). - می شد (اضافی است). ۴ تحصیل (ضمیر «ی» در «دراستي» ترجمه نشده است). - گذشته «ما» ترجمه نشده است و «مَضَى» فعل است نه اسم. - برمی گشت (مانند ۲)

۲۴۸۱ ۴ **کلمات مهم:** «يُؤَكِّدُ»: تأکید می شود (فعل مجهول است). - «أَنْ نَعْفُو»: که بگذریم - «لَعَلَّ»: شاید، امید است - «رُحِمَ»: مورد رحمت قرار بگیریم، بخشیده شویم (فعل مجهول است).

خطاهای سایر گزیندها: ۱ باید «(علی)» وقتی ابتدای جمله بیاید، معنای «باید» می دهد ولی در این جا حرف اضافه مخصوص «يُؤَكِّدُ» است. - تا بخشیده شویم «(تا)» ترجمه درستی برای «لَعَلَّ» نیست. ۲ دشمن (ضمیر «نا» در «عدونا» ترجمه نشده است). - امید داشته باشیم «(لَعَلْنَا)» را نباید به صورت یک فعل کامل ترجمه کنیم. - ببخشایند «(رُحِمَ)» مجهول است نه معلوم، ضمناً این فعل «متکلم مع الغير»

است نه غایب. ۳ تأکید شده است «(يُؤَكِّدُ)» مضارع است. - قدرتمان «(مان)» اضافی است. - دشمن (مانند ۲)

۲۴۸۲ ۱ **کلمات مهم:** «خُلِقَ»: آفریده شده است. (فعل مجهول) - «الظِّلین»: گل - «انطوى»: به هم پیچیده شده است - «أكبر»: بزرگ تر - «لا نهاية له»: هیچ پایانی ندارد. (وقتی بعد از «لا + اسم» حرف «لِ» بیاید، آن را به صورت مالکیت منفی (ندارم، نداری ...) ترجمه می کنیم).

خطاهای سایر گزیندها: ۲ آفریده اند «(خُلِقَ)» فعل مجهول و مفرد است. - نهفته است (ترجمه درستی برای «انطوي» نیست). - پایانی ... (در ترجمه «لا» نفی جنس، آوردن «هیچ» الزامی است). ۳ این انسانی «(این» اضافی است). - آفرینش از ... (ترجمه درستی برای فعل «خُلِقَ» نیست، چون به صورت اسم ترجمه شده است). - خاک «(الظِّلین)» یعنی «گل» - بوده (معادلی در عبارت عربی ندارد). ۴ عالمی بزرگ «(أكبر)» اسم تفضیل است. - را به هم پیچیده «(انطوي)» از باب انفعال و لازم است و نباید «عالم أكبر» به صورت مفعولش ترجمه شود).

۲۴۸۳ ۲ **کلمات مهم:** «لا خیرَ»: هیچ خبری نیست. - «وَدَّ»: دوستی - «يَجِرَّ»: می کشد - «القبیحة»: زشت - «يُؤَدِّي إِلَى»: منجر می شود به - «الشقاوة»: بدبختی

خطاهای سایر گزیندها: ۱ کشانده «(يجرّ)» مضارع است نه ماضی. - بدبختی تو «(الشقاوة)» ضمیر ندارد. - خبری نیست (در ترجمه «لا» نفی جنس، آوردن «هیچ» الزامی است). ۳ کسی که «(وَدَّ شخص)» یک ترکیب اضافی است و نباید از هم جدا ترجمه شوند. - کار «(أعمال)» جمع است نه مفرد. - دوستی اش «(وَدَّ)» ضمیر ندارد. - برای تو (اضافی است). - ندارد (در عبارت عربی، کلمه یا ساختاری که معنای مالکیت بدهد، وجود ندارد). ۴ کشانده می شوی «(يجرّ)» فعل معلوم است و غایب است و «ك» هم مفعول آن است. - خبری وجود ندارد (مانند ۱)

۲۴۸۴ ۱ **کلمات مهم:** «كَانَ»: گویا - «هذه العظام»: این استخوان ها - «مُتعلِّقَةٌ»: تعلق دارد، متعلق است ... - «كانت تعيش»: زندگی می کردند (كان + مضارع - ماضی استمراری) - «جماعیة»: به صورت گروهی (قید است). - «خوفاً»: به خاطر ترس - «الحيوانات المفترسة»: حیوانات درنده

خطاهای سایر گزیندها: ۲ زندگی کرده اند «(كانت تعيش)» باید به صورت ماضی استمراری ترجمه شود. ۳ شاید (ترجمه مناسبی برای «كَانَ» نیست). - چون ... ترس داشتند «(خوفاً)» اسم است و نباید به صورت جمله ترجمه شود. ۴ استخوان «(العظام)» جمع است نه مفرد. - بوده است (دلیلی برای ترجمه به صورت ماضی نداریم). - می رسیدند (مانند ۳)

۲۴۸۵ ۱ **کلمات مهم:** «لَنْ تجدوا»: نخواهید یافت (مستقبل منفی) - «الکسل»: تنبلی - «يُسَبِّبُ»: سبب می شود - «لا يُحاولُ»: تلاش نمی کند - «نجاح»: موفقیت

خطاهای سایر گزیندها: ۲ هرگز نمی یابید «(لن)» برای مستقبل منفی است. - کسی که «(لِ)» در «لَنْ» ترجمه نشده. - موفق نخواهد شد (لا نجاح) ... هیچ موفقیتی وجود ندارد. ۳ موفقیت (ضمیر «کم» در «نجاحکم» ترجمه نشده). - یافت نخواهد شد «(لن تجدوا)» للمخاطبین است. - تلاش نکرده است «(لا يُحاول)» مضارع است. ۴ نمی یابید (مانند ۲) - دلیل ... باشد «(يسبب)» فعل است. - موفق نمی شود (مانند ۲)

۲۴۸۶ ۴ **خطای این گزینه:** تأیید نمی شوند «(لا يُؤَيِّدُ)» آخرش کسره دارد، فعل مضارع وقتی آخرش کسره بگیرد، یعنی مجزوم شده است؛ بنابراین «لا يُؤَيِّدُ» نهی غایب است، ضمناً این فعل مجهول هم هست؛ نباید تأیید شوند

۲۴۸۷ ۲ **خطای این گزینه:** هیچ علمی «(لا)» ی نفی جنس همراه «قيمة» آمده است، پس لفظ «هیچ» باید همراه «ارزش» بیاید.

۲۴۸۸ ۲ **خطاهای این گزینه:** امیدواریم «(لعلّ)» نباید به صورت یک فعل کامل و مستقل ترجمه شود. - مشکلات (ضمیر «نا» در «مشاكلنا» ترجمه نشده است).

ترجمه صحیح: «امید است که این دستگاه های پیشرفته به مادر حل مشکلاتمان کمک کنند!»

۲۴۸۹ ۴ **کلمات مهم:** «لا يفخر الإنسان»: انسان نباید افتخار کند - «جهلاً»: نابخداانه - «بالنسب»: به دودمان - «فإنّ»: چرا که - «كل امرئ»: هر انسانی - «يُفلح»: رستگار می شود - «بالعلم»: به وسیله علم - «عمل يُحسَنه»: کاری که آن را نیکو انجام می دهد. - «في الحياة»: در زندگی

۲۴۹۴ ۳ کلمات مهم: «لیت»: کاش - «ملف»: پرونده - «ینطوي»: به هم پیچیده شود («ینطوي» فعل مضارع است و چون همراه «لیت» آمده باید به صورت مضارع التزامی ترجمه شود). - «لنستطیع»: تا بتوانیم - «أن نبصر»: که بینیم - «نشعر»: احساس کنیم (به خاطر وابستگی به «أن نبصر» این فعل هم به صورت التزامی ترجمه می‌شود). - «حُلقنا»: آفریده شدیم (فعل مجهول)

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ بسته می‌شد («ینطوي» مضارع است و دلیلی ندارد به صورت ماضی استمراری ترجمه شود). - «و قادر بودیم» (حرف «ل» در «لنستطیع» معنای «تا» می‌دهد و خود فعل هم باید به شکل مضارع التزامی ترجمه شود: تا بتوانیم). - حس می‌کردیم (فعل «نشعر» هم مضارع است، نه ماضی). - به دنیا آمده‌ایم (ترجمه صحیحی برای «حُلقنا» نیست). ۲ با پیچیده شدن («ینطوي» نباید به صورت مصدر ترجمه شود). - همه اعمال ... کلمه «ملف»: پرونده در ترجمه نیامده است. - بتوانیم (مثل ۱): قادر بودیم). - زندگی زیبا («الجميلة» صفت «حقائق» است: حقیقت‌های زیبای زندگی). ۴ شاید («لیت» یعنی «کاش») - همه (باید همراه «اعمال» ترجمه شود). - پرونده‌ها («ملف» مفرد است). - با بصیرت (چنین قیدی در عبارت عربی دیده نمی‌شود).

۲۴۹۵ ۲ کلمات مهم: «لا یتنبخون»: انتخاب نمی‌کنند - «أسرة»: خانواده - «لا یعرفون»: نمی‌شناسند - «حلاً»: ریسمانی - «أقوی»: قوی‌تر (اسم تفضیل) - «مَرصوص»: محکم **خطاهای سایر گزینه‌ها:** ۱ نمی‌توانند (اضافی است) - اصولاً طراحان از این فعل و هم خانواده‌هایش به عنوان «غلط ترجمه‌ای» زیاد استفاده می‌کنند. - انتخاب کنند («لا یتنبخون» منفی است). - به قوت («أقوی» بر وزن «أفعل» اسم تفضیل است و در این جا معنای «قوی‌تر» می‌دهد). - می‌شود (کلمه‌ای معادل آن در عبارت عربی دیده نمی‌شود). ۳ انتخابی ... ندارند (ترجمه دقیقی برای فعل مضارع «لا یتنبخون» نیست). - اندیشمندان (معادل خوبی برای «العلماء» نیست. «المُفکرُون» معنای «اندیشمندان» می‌دهد). - نشناخته‌اند («لا یعرفون» فعل مضارع است نه ماضی). - زیران ... («كأن» گویی). ۴ چون خانواده (تکرار لفظ «خانواده» بی‌مورد است و در عبارت داده شده «الأسرة» یک بار آمده است).

۲۴۹۶ ۱ خطاهای این گزینه: برادر (ضمیر «ی» در «أخی» ترجمه نشده است!) - توانستی («تستطیع» مضارع است، نه ماضی!) - جایزه طلایی («جائزة ذهبية» نکره است، ولی «جایزه طلایی» معرفه است!) - شنا (حرف «فی» در «ترجمه نشده است») **ترجمه صحیح:** «آفرین ای برادرم، تو با این که معلول هستی می‌توانی جایزه‌ای طلایی در شنا به دست آوری!»

۲۴۹۷ ۱ کلمات مهم: «ما أبزئُ»: بی‌گناه نمی‌شمارم - «نفسی»: نفسم - «أُمارة»: بسیار دست‌ورده‌نده - «بالسوء»: به بدی - «ألا ما رحم ربی»: مگر این‌که پروردگارم رحم کند

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۲ نفس افاره («النفس» و «أُمارة» در این آیه، موصوف و صفت نیستند، ولی «نفس أُمارة» یک ترکیب وصفی است). - در مواقعی که («ما» معنای زمان نمی‌دهد). - خدا (معادل «ربی» پروردگارم) نیست). - دائماً (اضافی است). - دستور می‌دهد (اضافی است؛ دقت کنید که «أُمارة» اسم است و به شکل «بسیار دست‌ورده‌نده» ترجمه می‌شود). ۳ به شمار نمی‌آید («ما أبزئُ» معلوم و متکلم وحده است، نه مجهول و غایب). - فرمانم می‌دهد («أُمارة» اسم است، نه فعل و به شکل «بسیار دست‌ورده‌نده» ترجمه می‌شود). ۴ بی‌گناه نیست («ما أبزئُ» یعنی «بی‌گناه نمی‌شمارم»؛ دقت کنید که این فعل متکلم وحده است). - همواره (اضافی است). - بدی‌ها («السوء» مفرد است نه جمع). - فرمان داده (مانند ۲). - خدایم («رب» به معنای «پروردگار» است نه «خدا» - به من (اضافی است).

نکته: در ترجمه اسم مبالغه از کلمه «بسیار» استفاده می‌کنیم. البته برخی از اسم‌های مبالغه به معنای «شغل» یا «آزار» هستند و در ترجمه‌شان دیگر «بسیار» نمی‌آوریم!

۲۴۹۸ ۳ کلمات مهم: «لا تحمِلنا»: بر ما تحمیل نکن - «لا طاقه...»: هیچ طاقتی ... **خطاهای سایر گزینه‌ها:** ۱ خداوند (لفظ «خداوند» ترجمه دقیقی برای «رب» نیست). - هموار نکن (معنای درستی برای «لا تحمِل» نیست). - طاقت نمی‌آوریم (اولاً «طاقه» اسم است، نه فعل. ثانیاً «لا» ی نفی جنس داریم؛ پس باید در ترجمه لفظ «هیچ» بیاید). - ضمناً «به» اصلاً ترجمه نشده است. ۲ بارالها (مانند ۱). - هیچ چیزی (لفظ «هیچ» باید کنار «طاقه» آورده شود). - طاقت نداریم (مانند ۱). - هموار مکن (مانند ۱). - ضمناً «به» هم ترجمه نشده است. ۴ ای خدا (مانند ۱). - نمی‌توانیم (اضافی است). - طاقت بیاوریم (مانند ۱). - «به» در این گزینه هم ترجمه نشده است.

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ افتخار نمی‌کند (انتهای «لا یفخر» کسره گرفته است و این یعنی «لا» تغییر در فعل مضارع ایجاد کرده است؛ در نتیجه لای نهی است، نه نفی!) ۲ انسان جاهل («جهل» صفت «الإنسان» نیست!) - خاندان خود («خود» اضافی است، زیرا در «التسب» ضمیری به کار نرفته است!) ۳ در زندگی («فی الحیاة» مربوط به بخش آخر جمله است و در جای خود ترجمه نشده است!) - فقط (اضافی است!) - کسی که (ترجمه درستی برای «کل امرئ» نیست). - عمل («عمل» عملی، نکره است، نه معرفه!) - به کار گیرد (معادل «یُحسن» به خوبی انجام می‌دهد» نیست!)

۲۴۹۵ ۱ کلمات مهم: «یمكن أن يكون... أكفاء»: ممکن است که با هم برابر باشند - «من كل جهة»: از هر جهت - «إلا»: مگر - «فی أعمال یُحسنونها»: در کارهایی که آن‌ها را به خوبی انجام می‌دهند - «فعلینا أن نفوز ب»: پس ما باید به دست بیاوریم - «هذه المهارة»: این مهارت

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۲ کارهای خوبی («فی» ترجمه نشده است، و «اعمال» صفت از نوع اسم ندارد). - انجام می‌دهند («یُحسنونها» یعنی «آن‌ها را به خوبی انجام می‌دهند») اما (معادل «إلا» نیست!) - در آن‌ها نیکی می‌کنند (معادل «یُحسنون» به خوبی انجام می‌دهند» نیست!) - این‌گونه نیست (اضافی است!) - باید پیروز شوند («نفوز» برای متکلم مع غیر است، نه للغائبین، ضمناً «فاز ب» به معنای «به دست آوردن» است!) ۴ با نیکی انجام می‌دهند (مانند ۳). - استفاده کنیم (معادل «أن نستفید» است، نه «أن نفوز ب»: به دست آوریم!)

۲۴۹۱ ۳ کلمات مهم: «من الأفضل»: بهتر است - «أن لا یُصّر»: که اصرار نورد - «البائع»: فروشنده - «علی بیع بضائعه»: بر فروش کالاها خود - «فی المتجر»: در مغازه - «عندما»: وقتی که - «یکون»: می‌باشد - «المُشتري»: خریدار - «فی شرائها»: در خرید آن‌ها - «متردداً»: دودل - «یقصد»: قصد دارد - «أن یترك المكان»: (که) محل را ترک کند.

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ کالای مغازه‌اش (معادل «بضاعة متجره» است، «بضائع» جمع است، نه مفرد؛ ضمناً حرف جرّ «فی» در «ترجمه نشده است، هم چنین ضمیر «ه» به «بضائع» متصل شده است، نه «متجر»!) - خرید خود (معادل «فی شرائه» است! ضمیر «ها» در «فی شرائها» مفرد مؤنث است؛ بنابراین یا به یک مفرد مؤنث برمی‌گردد یا به یک جمع غیرانسان. در این سؤال به «بضائع: کالاها» برمی‌گردد، نه به «المشتري» که یک مفرد مذکر است!) ۲ نباید (معادلی در عبارت عربی ندارد!) - تردید دارد (معادل «یتردّد» است، نه «یکون متردداً»). «متردداً» اسم است، نه فعل!) - ترک («أن یترك» فعل است، نه اسم!) - ضمناً «من الأفضل» ترجمه نشده است. ۴ بهترین فروشنده (معادل «أفضل بائع» است!) - کسی است که (اضافی است!) - کالای خود («بضائع» جمع است، نه مفرد!) - خریدش (مانند ۱). - آن‌جا (معادل «هناک» است، «المكان» یعنی «محل، جا، مکان»!)

۲۴۹۲ ۱ کلمات مهم: «إذا ینطوي»: اگر در هم پیچیده شود - «الکذب و الضدق»: دروغ و راست - «إنما»: فقط - «یستطیع أن یُبصر»: می‌تواند ببیند - «کطیب یجد»: همچون پزشکی که می‌یابد - «دواء کل داء»: داروی هر دردی

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۲ عاقل فقط می‌تواند (معادل «إنما العاقل یستطیع...» است!) در عبارت صورت سؤال «إنما» بر «العاقل» حصر ایجاد می‌کند!) - برای هر دردی (معادل «لیکل داء» است، «برای» اضافی است!) ۳ قطعاً (معادل «إن» است، نه «إنما»!) - بیابد (معادل «یجد» است، نه «یُبصر»!) «یجد» برای بخش آخر جمله است و در جای مناسبی ترجمه نشده است!) - می‌بیند («یُبصر» و «یجد» به جای هم ترجمه شده‌اند!) ۴ قطعاً (مانند ۳). - همه دردها («داء» مفرد است، نه جمع؛ ضمناً نکره است، نه معرفه!)

۲۴۹۳ ۱ کلمات مهم: «یجب علینا آل نسب»: ما نباید دشنام دهیم (آل + لا) - «من یدعو الآخرين»: کسی که دیگران را دعوت می‌کند - «إلی عقائده»: به عقیده‌های خویش - «ولو کانت خرافیة»: هر چند خرافی باشد - «یبدا بالحوار معه»: شروع به گفت‌وگو با او می‌کند - «لیقنعه»: تا او را قانع کند.

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۲ دعوت می‌شوند («یدعو» فعل معلوم است، نه مجهول، زیرا «الآخرین» مفعول است و منصوب!) - برای قانع‌کردنش (معادل «لإقناعه» می‌باشد، «یُقنع» فعل است، نه اسم!) ۳ آن (اضافی است!) - گفت‌وگویش (معادل «حواره» است، ضمیر «ش» اضافی است!) - تا قانع شود (معادل «لیقنعه» است، در صورت سؤال «یُقنعه» معلوم است، نه مجهول، زیرا ضمیر «ه» مفعول است!) ۴ دشنام‌دادن («آل نسب» فعل است، نه مصدر!) - که خرافی بودند («ولو؛ هر چند» ترجمه نشده است! ضمناً این‌که «ولو کانت...» جمله وصفیه برای «عقائده» نیست.)

★ نکته: ترجمه «رَبَّنَا، إِلَهِي»: وقتی «رَبِّ» و «إِلَه» در نقش منادا قرار بگیرند، اگر ضمیری در انتهای آن قرار بگیرد، لازم نیست که آن را حتماً ترجمه کنیم.

مثال: ﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً...﴾ ➔ **پروردگارا** (= پروردگار ما) در دنیا به ما نیکی عطا کن.

﴿إِلَهِي هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً﴾ ➔ **خداوند!** (= خدایا، خدای من) از جانب خودت به ما رحمتی ببخش.

۲۴۹۹ ۱ خطاهای سایر گزینه‌ها: بیست و چهار «اثنین و أربعین» یعنی «(۴۲)»/۳ شاید «لیث» یعنی «کاش» - بتوانم «کنْتُ أَقْدُرُ» دارای ساختار «کان + مضارع» است؛ پس باید به صورت ماضی استمراری ترجمه شود: «می‌توانستم». - مردم دنیا «فی هذه» در ترجمه لحاظ نشده است.

ترجمه صحیح عبارت: «کاش من می‌توانستم که همه مردم را در این دنیا خشنود کنم.»

﴿بَاعْقِلْ خُودَ﴾ حرف «یا» اضافی است و باعث شده «عَقْلُ» که فاعل است، به صورت متمم ترجمه شود. - جهل (ضمیر «ه» در «جهله» ترجمه نشده است).

ترجمه صحیح عبارت: «عالم سعی می‌کند که عقلش بر جهلش چیره شود.»

۲۵۰۰ ۴ کلمات مهم: «تُجَالِسُ»: همنشینی کنی (فعل شرط) - «لا حيلة لك»: هیچ چاره نداری - «أَنْ تَكُونَ»: که باشی

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ پیوسته کلمه «دائماً» باید همراه فعل «یعمل» ترجمه شود، نه همراه «تُجَالِسُ». - همنشین ... باشی «تُجَالِسُ» فعل است ولی در اینجا به صورت اسم و اسنادی ترجمه شده است. - چاره‌ای نداری (باید کلمه «هیچ» به کار برود، چون «لا» ی نفی جنس داریم). ۲ همنشینی کردی «تُجَالِسُ» مضارع است، نه ماضی. - چاره‌ای ... نیست (اولاً «هیچ» در ترجمه نیامده است، ثانیاً «لك» اصلاً ترجمه نشده است). - بشوی (معنای دقیقی برای «أَنْ تَكُونَ» نیست). ۳ پیوسته (مانند ۱) - همنشین ... شوی (مانند ۱) - هیچ چاره‌ای ... نیست (مانند ۲) - بشوی (مانند ۲)

۲۵۰۱ ۳ خطاهای این گزینه: از نقدکنندگان حرف «از» اضافی است. - افراد «أَيِّ شَخْصٍ» یعنی «هر فردی». - گرفته باشیم «أَنْ نَأْخُذَ» به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود؛ که بگیریم

ترجمه صحیح عبارت: «ما باید نقدکننده سخن باشیم تا سخن حق را از هر فردی بگیریم.»

۲۵۰۲ ۱ کلمات مهم: «لا تَقُلْ»: فعل نهی: نگو. «لا عِلْمَ...»: هیچ علمی «لا» ی نفی جنس است. - «رَبِّمَا»: چه بسا - «لا بَدْ»: ناچار، ناگزیر - «أَنْ تَسْكُتَ»: که ساکت شوی

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۲ علمی «لا» ی نفی جنس ترجمه نشده است. - حرف نزن (ترجمه دقیقی برای «لا تَقُلْ» نیست). - مشکلات «مشاكل» نکره است. ۳ راجع به (اضافی است). - حرف نزن (مانند ۲) - بسیار (ترجمه مناسبی برای «رَبِّمَا» نیست). - مشکلات (مانند ۲) - می‌آورد «يُسَبِّطُ» باعث می‌شود - سکوت خواهی کرد (دلیلی ندارد که «أَنْ تَسْكُتَ» به صورت مستقبل ترجمه شود). ۴ علمی نداری (مانند ۲) - مشکلات بسیاری «رَبِّمَا» را به صورت صفت ترجمه کرده که کاملاً غلط است. - پشیمان خواهی شد «تَتَذَمَّرُ» فعل مستقبل نیست. - نخواهی داشت (مانند ۳) - ضمناً «لك» (بعد از «يُسَبِّطُ» آمده) ترجمه نشده است.

۲۵۰۳ ۲ کلمات مهم: «لا دَاءَ»: هیچ بیماری نیست «مَوْلِمَ» دردناک - «نَسَمَحَ»: اجازه می‌دهیم - «أَنْ يَقُومَ بَ»: که اقدام کند - «خُلِقَ»: آفریده شده است

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ مریضی در... «لا» ی نفی جنس معنای «هیچ» دارد. - و آن این است که (به «أَنْ» باید کلمه «الدواء» آن دارو» اضافه شود). - موجودات همگی «كُلُّ موجود» یعنی «هر موجودی»، چون «كُلُّ» وقتی با اسم مفرد نکره بیاید، معنای «هر» می‌دهد. ۲ بیماری نیست (مانند ۱) - درد نداشته باشد (ترجمه صحیحی برای «هو مَوْلِمَ» نیست، چون این عبارت مثبت است نه منفی). - دواي آن «الدواء» ضمیر اضافی ندارد و باید به صورت «أَنْ دَوَا» ترجمه شود. - همه موجودات «كُلُّ موجود» هر موجودی. - اجازه کارهایی را دهیم (فعل «أَنْ يَقُومَ بَ» ترجمه نشده است). ۴ بدون درد نیست (اولاً «بدون درد» ترجمه مناسبی برای «مَوْلِمَ» نیست، ثانیاً این قسمت بعد از «إِلَّا» آمده، ولی در عبارت فارسی پیش از آن ترجمه شده است. - الا این که «لكن» در ترجمه لحاظ نشده است. - اجازه دادن «أَنْ نَسَمَحَ» فعل مضارع برای متکلم است، ولی به صورت مصدر ترجمه شده است. - ضمناً «بتواند» اضافی است.

★ نکته: کلمه «داء» در این عبارت دو بار استفاده شده که در مرتبه اول به صورت نکره آمده و در مرتبه دوم «ال» گرفته است؛ بنابراین «الدواء» را می‌توانیم همراه اسم اشاره «این، آن» ترجمه کنیم.

۲۵۰۴ ۱ کلمات مهم: «لَا تُبْرئُ»: تبرئه نکن، بی‌گناه نشمار - «أَنْ لَا تَسْتَمَعَ»: که گوش نکنی - «أوامرها»: دستوراتش

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۲ خویشتن تو («نفسك» مفعول است نه مبتدا). - از گناه بری نیست «لَا تُبْرئُ» فعل نهی است. - این (اضافی است). - به بدی «إلیها: به آن» - به آن (باید به جای آن ترجمه «أوامرها» آورده شود). - دقت کنید که در این گزینه فعل‌ها از نظر منفی و مثبت بودن دقیق ترجمه نشده‌اند (نخواهی ➔ بُرئید: بخواهی و.../ ۳ بی‌گناه ندان و تبرئه نکن (فعل «لَا تُبْرئُ» دو بار ترجمه شده است). - نفس تو (ضمیر «تو» اضافی است). ۴ تو هیچ‌گاه از گناه دور نیستی (مانند ۲) - نفس تو (مانند ۳) - هرچند (ترجمه مناسبی برای «إِلَّا» نیست). - نخواهی، گوش دهی، عمل کنی (مانند ۲) - این فعل‌ها از نظر منفی و مثبت برعکس ترجمه شده‌اند.

۲۵۰۵ ۲ خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ به سرعت «ما أَسْرَعُ» بر وزن «ما أَفْعَلُ» است که ساختار تعجب نامیده می‌شود، پس ترجمه صحیح آن به صورت «چه سریع است» می‌باشد. - می‌گذرد «مَرَّ» در این جا مصدر است نه فعل. ۲ ترجمه صحیح: گذر سال‌های عمر چه قدر سریع است در حالی که ما در غفلت هستیم! ۳ با ساختن «يَصْنَعُ» فعل مضارع است. - تبدیل کرده است «تُحَوَّلُ» نیز فعل مضارع است. ۴ ترجمه صحیح: انسان چیزهایی می‌سازد که تاریکی را به روشنایی تبدیل می‌کنند! ۴ گریه ... «الْقَطْ» مضاف‌الیه است و نباید به صورت یک اسم مستقل در ابتدای جمله آورده شود. - با ترشح «بَا» اضافی است و ترجمه «الإفراز» باید در ابتدای جمله بیاید. - زبانش «لسان» ضمیر ندارد بلکه به «الْقَطْ» اضافه شده است. - شده است «جعله»: یعنی «او را قرار داده است». ۵ ترجمه صحیح: ترشح مایع پاک‌کننده از زبان گریه، آن را حیوان خاضی کرده است (قرار داده است)!

۲۵۰۶ ۴ کلمات مهم: «إِثْمًا الْعِلْمُ ثَرُو»: علم تنها ثروتی است که - «لا يستطيع الظالمون»: ستمکاران نمی‌توانند - «أَنْ يَنْهَبُوهَا»: آن را به یغما ببرند (= غارت کنند) - «لا حاجة له»: هیچ نیازی ندارد - «إلى حارس»: به نگهبانی که - «بحرسه»: از آن محافظت کند

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ تنها «إِثْمًا» بر بخش دوم جمله (ثروة) حصر ایجاد می‌کند و در میان مبتدا و خبر ترجمه می‌شود! - ثروت «ثروة» نکره است نه معرفه! - ستمکاران نمی‌توانند (جمله وصفیه است و باید همراه «که» ترجمه شود!) - هیچ نیازی نیست «له» (در «لا حاجة له» یعنی «ندارد») - نگهبانی «إلى» ترجمه نشده است. ۲ ثروت واقعی «واقعی» معادل «إِثْمًا» نیست! - علم را (ضمیر «ها» به «ثروة» بازمی‌گردد نه به «علم») نیازی ندارد (کلمه «هیچ» در ترجمه لای نفی جنس (لا حاجة) لحاظ نشده است!) ۳ نیازی ندارد (مانند ۲) - وجود ندارد (معادل صحیحی برای «لا... له» ندارد) نیست!

۲۵۰۷ ۳ خطای این گزینه: خشمگین می‌شوی «تُسَخِّطُ» فعل متعدی و ضمیر «ك» مفعولش است. ➔ معصیت تو را خشمگین می‌کند.

۲۵۰۸ ۳ خطای این گزینه: قدم‌ها «الإقدام» به معنای «عمل کردن» است و «أقدام» به معنای «قدم‌ها» است.

★ نکته: در «لا شَكَّ، لا بَأْسَ» لزومی ندارد «لا» را به صورت «هیچ» ترجمه کنیم!

۲۵۰۹ ۳ ترجمه کلمات مهم: «هناك لإنسان»: هیچ انسانی وجود ندارد - «بدون خطأ»: بدون خطا - «ولكن»: ولی - «يفشل»: شکست می‌خورد - «عندما»: زمانی که - «بعد»: به شمار می‌آورد - «نفسه»: خودش را - «عالماً»: عالمی - «يعرف»: می‌داند - «كُلُّ شيء»: همه چیز

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ خطا نکند «بدون خطأ» فعل نیست! - دانای همه چیز (فعل «يعرف» در ترجمه لحاظ نشده است، ضمناً «عالماً» نکره است نه معرفه). - شکست خواهد خورد «يفشل» معادل مضارع است نه آینده! ۲ انسان (اسم «لای» نفی جنس به صورت نکره ترجمه می‌شود). - هیچ‌گاه (معادل «لای» نفی جنس نمی‌باشد!) - فرض کند (ترجمه درست و دقیقی برای «يَعِدُ» نیست). - می‌دانسته است (معادل «يعرف» می‌داند) نیست! ۴ انسان (مانند ۲) - هیچ‌گاه (مانند ۲) - آگاه است (ترجمه اسنادی «يعرف» صحیح نیست!)

جمع است (نسبشان) - فخر می‌فروشد (یفتخرون جمع است) / (۴) از گوشت «ما هم سواء» ترجمه نشده است. - اما (مانند) (۳).

۲۵۱۶ خطاهای سایر گزینه‌ها: (۲) صبر ما «صبر» در عبارت عربی مفعول است ولی در این جا مثل مبتدا ترجمه شده است. - طاقتش «لا» ی نفی جنس معنای «هیچ» دارد، ضمناً «طاقة» ضمیر ندارد و «بها» باید به صورت جداگانه ترجمه شود. - در ما نیست «لنا» در این جا چون بعد از «لا» نفی جنس آمده، یعنی «نداریم» یا «برای ما نیست». - زیاد نمی‌شود (اولاً «ما» در این عبارت موصول است نه نافی، ثانیاً «یزید» فعل متعدی است. - در ایمان ... «در» اضافی است. / (۳) صبر ... (مانند) (۲)، ضمناً ضمیر «نا» ترجمه نشده است. - توان آن‌ها (مانند) (۲) - در ما نیست (مانند) (۲) - قدرت ما (اضافی است). - زیاد نمی‌کند (مانند) (۲) - بلکه (در عبارت عربی معادلی ندارد). / (۴) اموری است که «فی» در «فی امور» ترجمه نشده است. - طاقت آن «طاقة» آخرش ضمیر ندارد و «بها» باید به صورت جداگانه ترجمه شود.

ترجمه صحیح: «دانش از دارایی نیکوتر است زیرا آن اصلاً نابودی ندارد.»

۲۵۱۷ کلمات مهم: (۲) «لا»: هیچ ... نیست (لای نفی جنس) - «اکثر»: بیشتر - «مائی متر»: دوپست متر - «کل الألوان»: تمام رنگ‌ها - «تختفی»: پنهان می‌شوند (با توجه به «کل الألوان» جمع ترجمه می‌شود). - «هناك»: آن جا

خطاهای سایر گزینه‌ها: (۱) عمق «عمق» نکره است. - حدود (در عبارت عربی «اکثر» آمده است). / (۳) عمق (مانند) (۱) - آن مکان (ترجمه مناسبی برای «هناك» نیست). - پنهان می‌کند «تختفی» فعل لازم است نه متعدی. / (۴) رنگی نیست «لا» ی نفی جنس معنای «هیچ» می‌دهد که ترجمه نشده است. - وجود دارند «هناك» در این عبارت به معنای «آن‌ها» است. - مخفی شده‌اند «تختفی» مضارع است نه ماضی.

۲۵۱۸ خطاهای سایر گزینه‌ها: (۱) عملاً (اسمی که بعد از «لا» ی نفی جنس می‌آید تنوین نمی‌گیرد). - المتأخرة (به معنای «دیر» ترجمه درستی برای «زودگذر» نیست). / (۲) لیس (دارای معنای «هیچ» نیست). - المشاكل العديدة (به معنای «مشکلات بسیار» است) / (۳) لا یوجد عمل (معادل صحیحی برای «هیچ کاری» نیست) نمی‌باشد. - تحمیل (به معنای «اجبارکردن» است). - الدنیویة (نباید به عنوان صفت «المصاعب» بیاید صحیح - فی الدنيا).

۲۵۱۹ خطاهای سایر گزینه‌ها: (۱) فقیر «فقر» به معنای «تنگدستی» مصدر است. - الجاهل «نادانی» نیز مصدر است و باید از «الجهل» استفاده شود. / (۳) فقراً و ارثاً (اسمی که بعد از «لا» ی نفی جنس می‌آید، تنوین نمی‌گیرد). / (۴) لیس (نمی‌تواند معنای «هیچ ... نیست» را برساند).

۲۵۲۰ خطاهای سایر گزینه‌ها: (۱) لا یتهمسا (دلیلی برای حذف «ن» از آخر فعل نیست). صحیح - لا یتهمسون / (۲) لیث (به معنای «ای کاش» است). - تَهموا (فعل‌ها باید در جمله مطابق با «میلت» که جمع سالم مؤنث است، به کار روند، پس باید از صیغه‌ها لغائبات استفاده کنیم). صحیح - یَهمُن / (۴) حتی یفهمون (حرف ناصبه «حتی» آمده، پس «ن» از آخر فعل باید حذف شود). صحیح - حتی یفهموا

۲۵۲۱ خطاهای سایر گزینه‌ها: (۱) لا تُصبح (یعنی «نشو» و ترجمه صحیحی برای «نباش» نیست. باید به جای آن «لا تُکُن» بیاید. / (۲) کان (باید به جای آن «کُن» بیاید). / (۳) لیس ... (برای ترجمه «هیچ کاری» باید «لا» ی نفی جنس به کار ببریم: «لا عمل»)

۲۵۲۲ خطای این گزینه: لیس ... (برای ترجمه «هیچ شمشیری» باید از «لا» نفی جنس استفاده کنیم: «لا سیف أقطع ...»)

۲۵۲۳ خطاهای سایر گزینه‌ها: (۱) اجتهداً (اسم لای نفی جنس نباید تنوین داشته باشد!) - أقوى القدرات (معادل «قوی‌ترین قدرت‌ها» است و معادل «از» در عبارت عربی نیامده است!) / (۲) من أقوى القدرات (معادل «از قوی‌ترین قدرت‌ها» است، نه «قوی‌تر از قدرت‌ها»!) / (۴) لا المحاوله (اسم لای نفی جنس نباید «ال» داشته باشد!) - من أقوى (مانند) (۲)

۲۵۲۴ خطاهای سایر گزینه‌ها: (۲) لا تموتوا (به معنای «نمیرید» است!) - الطعام الكثير (معادل «غذای بسیار» است) / (۳) القلوب لکم (معادل «دل‌ها برای شما» است؛ بنابراین نادرست است!) - الماء (معادل «آب» است، نه «نوشیدنی») / (۴) لا تمیث (معادل «نمی‌میرانی» است!) - تمیرانید (معادل فعل نهی است، نه مضارع منفی!) - الغذاء الكثير (معادل «غذای بسیار» است!) - الماء (مانند) (۳)

۲۵۲۵ خطاهای سایر گزینه‌ها: (۲) لا تأكلوا («نمی‌خورید» فعل نفی است نه نهی، پس نباید نون آخر فعل حذف شود). - لا تلعمون («مخورانید» فعل نهی است پس نون آخر فعل باید حذف شود). / (۳) لا تعطوا (این فعل به معنای «ندهدید» است نه «مخورانید») / (۴) لا تعطوا (مانند) (۳)

۲۵۱۰ کلمات مهم: «ما»: آن چه - «یزید»: می‌افزاید - «لا طاقة لنا»: هیچ طاقتی نداریم.

خطاهای سایر گزینه‌ها: (۲) صبر ما «صبر» در عبارت عربی مفعول است ولی در این جا مثل مبتدا ترجمه شده است. - طاقتش «لا» ی نفی جنس معنای «هیچ» دارد، ضمناً «طاقة» ضمیر ندارد و «بها» باید به صورت جداگانه ترجمه شود. - در ما نیست «لنا» در این جا چون بعد از «لا» نفی جنس آمده، یعنی «نداریم» یا «برای ما نیست». - زیاد نمی‌شود (اولاً «ما» در این عبارت موصول است نه نافی، ثانیاً «یزید» فعل متعدی است. - در ایمان ... «در» اضافی است. / (۳) صبر ... (مانند) (۲)، ضمناً ضمیر «نا» ترجمه نشده است. - توان آن‌ها (مانند) (۲) - در ما نیست (مانند) (۲) - قدرت ما (اضافی است). - زیاد نمی‌کند (مانند) (۲) - بلکه (در عبارت عربی معادلی ندارد). / (۴) اموری است که «فی» در «فی امور» ترجمه نشده است. - طاقت آن «طاقة» آخرش ضمیر ندارد و «بها» باید به صورت جداگانه ترجمه شود.

۲۵۱۱ کلمات مهم: «لا یغتر»: فریب نمی‌خورد - «یعلم»: می‌داند - «کسراب»: مانند سراب - «یری»: می‌بیند - «لا وجود لها»: اصلاً وجود ندارد (در این جا، کلمه «هیچ» که معادل «لا» ی نفی جنس است، در فارسی به صورت «اصلاً» ترجمه می‌شود). خطاهای سایر گزینه‌ها: (۱) فریب دنیا را ... «أبدأ» ترجمه نشده است. - دانسته است «یعلم» فعل مضارع است. - ضمناً «یری» ترجمه نشده است. / (۲) فریب ... نخورده است «لا یغتر» فعل مضارع است. - اگر (معادلی در عبارت عربی ندارد). - باز هم «یری» ترجمه نشده است. - و «یری ...» جمله وصفیه است، پس باید از حرف «که» استفاده کرد. / (۳) آن چه وجود ندارد «لا» ی نفی جنس ترجمه نشده است. - دیده می‌شود «یری» فعل معلوم است نه مجهول.

۲۵۱۲ سؤال به صورت بسیار حرفه‌ای و دقیق طرح شده است. در همه گزینه‌ها «إن» به کار رفته. «إن» جایی که نیاز به تأکید باشد، به صورت تأکیدی ترجمه می‌شود. نکته مهم این است که «إن» کل عبارت را مورد تأکید قرار می‌دهد؛ یعنی جایش همان ابتدای ترجمه است، مثل (۲)!

پس این نکته بسیار اهمیت دارد که «إن» تؤكد الجملة بأجمعها

۲۵۱۳ خطاهای سایر گزینه‌ها: (۱) بینیم «رأیت» فعل ماضی است نه مضارع. - ترجمه صحیح: «کاش همه کتاب‌ها را دیده بودم». / (۲) نازل شود «قد نزل» فعل ماضی است نه مضارع. - ترجمه صحیح: «شاید خیر بر ما نازل شده بود». / (۳) تمام شود «قد انتهی» نیز فعل ماضی است. - ترجمه صحیح: «کاش امتحان پایان یافته بود.»

نکته: اگر بعد از «لیث» فعل مضارع بیاید، به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود و اگر فعل ماضی بیاید، آن را به صورت ماضی استمراری یا بعید ترجمه می‌کنیم.

۲۵۱۴ کلمات مهم: «لیث ... یعرفون»: کاش ... بدانند - «یقدر»: می‌تواند - «أن یعوض»: جبران کند - «قله»: کمی - «اجتهاد»: تلاش

خطاهای سایر گزینه‌ها: (۱) شاید (ترجمه «لعل» است نه «لیث»). / (۳) شاید (مانند) (۱) - استعداد (ضمیر «ه» در «استعداد» ترجمه نشده است). / (۴) می‌فهمیدند («یعرفون» مضارع است و دلیلی ندارد که به صورت ماضی استمراری ترجمه شود). - توانمند است «یقدر» فعل مضارع است ولی به صورت اسنادی ترجمه شده است.

نکته: فعل مضارعی که بعد از «لیث» یا «لعل» بیاید به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود.

۲۵۱۵ کلمات مهم: «سواء»: برابرند - «ما هم سوی» نیستند ... جز - «لأم و لأب»: از یک پدر و مادر - «والجهال یفتخرون بنسبهم»: در حالی که نادانان به نسب خود افتخار می‌کنند.

خطاهای سایر گزینه‌ها: (۲) با هم (اضافی است). - پدر و مادرشان (لأم و لأب» یعنی «یک پدر و مادر» - نادان «الجهال» جمع است نه مفرد). - مفتخر ... است «یفتخرون» اولاً باید به صورت مضارع اخباری ترجمه شود، ثانیاً مربوط به جمع است نه مفرد. / (۳) با هم (مانند) (۲) - پدر و مادرشان (مانند) (۲) - اما (معادلی در عبارت عربی ندارد). - نادان (مانند) (۲) - نسب خود (ضمیر در «نسبهم»

۲۵۲۶ **۴** **خطاهای سایر گزینه‌ها:** ۱. لعل (لعل) به معنای «شاید»، امید است که «می باشد». ۲. اُشاهد (ماضی استمراری به صورت «کان + مضارع» می آید، اما فعل ماضی بعد از «لیت» را هم می توان به صورت ماضی استمراری ترجمه کرد: «لیتینی شاهدت: کاش من می دیدم» و البته به صورت ماضی بعید: «کاش من دیده بودم»)/ ۳. انظر (فعل مضارع است و به جای آن باید فعل ماضی بیاید یا از ساختار «کان + مضارع» استفاده شود). ۴. کل المذن فی بلادی («فی» اضافی است و باید به صورت یک گروه اسمی بیایند). ۵. لعلی (مانند ۱)

۲۵۲۷ **۳** «هیچ فقری شدیدتر از نادانی نیست»: تشویق به طلب مال. واضح است که عبارت اول تشویق به علم آموزی و دوری از نادانی می کند که با عبارت دوم هم معنا نیست.

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱. «آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند، یکسان هستند»: تشویق به طلب علم. هر دو عبارت به تشویق علم آموزی می پردازد. ۲. «هیچ چیزی سزاوارتر از زبان برای زندانی کردن نیست»: تشویق به سکوت. عبارت اول اشاره دارد به زندانی کردن زبان که همان سکوت کردن است و با عبارت دوم هم معنا است. ۳. «کسی که هیچ پابندی به عهدی ندارد، هیچ دینی ندارد»: تشویق به وفاداری به عهدها. هر دو عبارت به وفاداری به عهد اشاره دارند.

۲۵۲۸ **۲** **ترجمه عبارت سؤال:** «خداوند رحم نمی کند به کسی که به مردم رحم نکند». **ترجمه گزینه‌ها:** ۱. «به کسی که در زمین است رحم کن تا کسی که در آسمان است به تو رحم کند». ۲. «همانا رحمت خداوند همه چیز را فرا گرفته است». ۳. «رحم کن تا مورد رحمت قرار گیری، چرا که خداوند بخشنده به انسان های بخشنده، رحم می کند». ۴. «خداوند به کسی که از خطاهای دیگران می گذرد، رحم می کند». واضح است که ۲. به وسیع بودن رحمت خداوند اشاره دارد، اما گزینه های دیگر بیانگر این موضوع هستند که باید رحم کنیم تا مورد رحمت واقع شویم.

۲۵۲۹ **۳** **ترجمه عبارت:** «هیچ لباسی زیباتر از عافیت و سلامتی نیست». در این گزینه عبارت عربی به مهم بودن سلامتی و عافیت اشاره دارد، در حالی که بیت فارسی می گوید شرافت انسان به آدمیت است نه به لباس زیبایش، که با هم ارتباط معنایی ندارند. **خطاهای سایر گزینه‌ها:** ۱. **ترجمه عبارت:** «هیچ گنجی باارزش تر از قناعت نیست». عبارت عربی با بیت فارسی که می گوید قناعت کن تا به خاطر خواسته های دست به هر کاری نزی، ارتباط معنایی دارد. ۲. **ترجمه عبارت اول:** «گویا راضی کردن همه مردم هدفی است که به دست آورده نمی شود». **ترجمه عبارت دوم:** «رسیدن به رضایت همه مردم ممکن نیست».

هر دو عبارت به این موضوع اشاره دارد که نمی توان رضایت همه مردم را به دست آورد. **ترجمه عبارت اول:** «هیچ چیزی سزاوارتر از زبان برای زندانی کردن نیست». **ترجمه عبارت دوم:** «زبان، چرمش کوچک و جرمش بزرگ است». هر دو عبارت به اهمیت مراقبت از زبان اشاره دارد.

۲۵۳۰ **۴** **ترجمه عبارت:** «گویا راضی کردن همه مردم هدفی است که به دست آورده نمی شود». هر دو عبارت به این مطلب اشاره دارد که نمی توان همه مردم را راضی نگه داشت و با خواسته و مراد آن ها زندگی کرد.

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱. **ترجمه عبارت اول:** «هیچ خیری در سخن گفتن نیست، مگر همراه با عمل کردن باشد». **ترجمه عبارت دوم:** «بهترین سخن آن است که کوتاه و راهنما باشد». عبارت اول به حرف زدن همراه با عمل و عبارت دوم به سخن گزیده و راهنما اشاره دارد. ۲. **ترجمه عبارت:** «خرمای مرا خوردید و از فرمان من سرپیچی کردید». این عبارت با «نمک خوردید و نمکدان شکستید» هم معناست نه با «کوزه گر از کوزه ...»

۳ **ترجمه آیه اول:** «آیا انسان می پندارد که بیهوده رها می شود؟» **ترجمه آیه دوم:** «هر کسی چشندۀ مرگ است». آیه اول اشاره دارد به این که انسان بیهوده آفریده نشده، اما آیه دوم بیانگر این است که هر شخصی بالاخره طعم مرگ را خواهد چشید.

۲۵۳۱ **۲** **ترجمه عبارت:** «هیچ خیری در سخن گفتن نیست، مگر همراه با عمل کردن باشد». **مفهوم عبارت:** «دعوت به همراه کردن حرف با عمل و پرهیز از سخنی که به آن عمل نمی کنیم!». بیت ۲ به پرهیز از سخن بیهوده گفتن دلالت می کند و ارتباطی با همراه کردن حرف با عمل ندارد!

۲۵۳۲ **۳** **معنای آیه شریفه:** «کافر می گوید ای کاش من خاک بودم». **مفهوم عبارت:** «کافران و انسان های بدکار روز قیامت از گذشته خود پشیمان اند و حسرت آن را می خورند».

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱. فرصتی که امروز داریم و در کنار هم هستیم باید غنیمت شمرد، چون این فرصت ها همیشگی نیست. ۲. مرگ برای همه است و کسی نمی تواند از آن فرار کند. ۳. وقتی پایان همه ما مرگ است، نباید برای دنیا حرص و طمع داشته باشیم.

۲۵۳۳ **۱** **ترجمه عبارت:** «داروی تو در خود توست و تونمی بینی / درد تو از خود توست و تو احساس نمی کنی». **مفهوم عبارت:** «آن چه را که دنبالش می گردی در درون خود توست و تو باید ابتدا خودت را خوب بشناسی».

این مفهوم به طور واضح در ۱ (خصوصاً مصراع دوم) دیده می شود.

۲۵۳۴ **۲** **ترجمه عبارت:** «هیچ خیری در سخنی نیست، مگر همراه با عمل». **مفهوم:** «سخن وقتی ارزش دارد که همراه با عمل باشد و حرف بدون عمل بی نتیجه است». این مفهوم در تمام ابیات به غیر از ۲ دیده می شود. در این گزینه بر «صداقت در گفتار و عمل» تأکید شده است.

۲۵۳۵ **۱** آیه داده شده به معنای این است که «در دین هیچ اجباری نیست» ولی عبارت مقابل آن ارتباط معنایی با آن ندارد.

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۲. **ترجمه عبارت اول:** «همانا دروغگو، گاهی [هم] راست می گوید».

ترجمه عبارت مقابل: کسی که به دروغگویی شناخته شود، [سخن] راستش هم شنیده نمی شود.

هر دو طرف به این مفهوم اشاره دارند که انسان دروغگو با این که گاهی راست هم می گوید، اما سخنش باور نخواهد شد.

۳ **ترجمه عبارت اول:** اگر در آن دو [آسمان و زمین] چند خدا غیر از الله وجود داشت، یقیناً آن دو به تباهی کشیده می شدند.

ترجمه عبارت مقابل: «از زیادی ناخدایان، کشتی غرق شد».

هر دو عبارت به این موضوع اشاره دارد که اگر در کاری، چند نفر هم زمان بخواهند مدعی راهبری و فرماندهی باشند، آن کار به سرانجام نمی رسد.

۴ **ترجمه عبارت عربی:** «به راستی زیبایی [همان] زیبایی خُرد و اندیشه است». مفهوم عبارت این است که زیبایی و ارزش حقیقی انسان به ظاهر او نیست، بلکه به زیبایی اندیشه و بیان اوست. این مفهوم در مصرع فارسی هم دیده می شود.

۲۵۳۶ **۴** در «آن» بر سر فعل آمده، پس قطعاً حرف مشبّهة بالفعل نیست، بلکه از حروف ناصبه است.

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱. «لکن» بر سر اسم (اکثرهم) آمده. ۲. «إِنَّ» بر سر ضمیر متصل (ی) آمده. ۳. «لیت» نیز بر سر ضمیر متصل (کم) آمده.

۲۵۳۷ **۳** در این گزینه که «آن» بر سر اسم آمده و از حروف مشبّهة بالفعل است. **خطاهای سایر گزینه‌ها:** ۱. در این گزینه هیچ حرفی که شبیه به حروف مشبّهة بالفعل باشد، نداریم. ۲. «أَنْ» بر سر فعل (أَکُونُ) آمده، پس از حروف ناصبه است. ۳. «إِنْ» نیز بر سر فعل آمده و از حروف جازمه به شمار می آید.

۲۵۳۸ **۱** در این گزینه «إِنْ» بر سر اسم (الله) آمده، پس تلفظ درست آن «إِنَّ» می باشد که از حروف مشبّهة بالفعل است.

خطاهای سایر گزینه‌ها: در سایر گزینه ها «إِنْ» و «أَنْ» به ترتیب (إِنْ کَانَ، أَنْ لا یتَدَخَلَ وَإنْ تَقَفُوا) بر سر فعل آمده که در این صورت از حروف مشبّهة بالفعل به حساب نمی آیند.

۲۵۳۹ **۳** «ان أكثر الناس ...»: «آن» بر سر اسم آمده — حرف مشبّهة بالفعل — ابتدای جمله آمده — إِنَّ «ان الإسلام ...»: دوباره «ان» بر سر اسم آمده — از حروف مشبّهة بالفعل — وسط جمله آمده — أَنْ «ان تحضر ...»: «ان» بر سر فعل آمده — از حروف مشبّهة بالفعل نیست بلکه از حروف ناصبه است — معنای «که» می دهد. — إِنْ

۲۵۴۰ **۲** «إِنَّ» نمی تواند بر سر فعل بیاید و چون «ان» اول جمله آمده، پس از حروف شرط است. — إِنْ تتناول ...

و گمان به کار رفته: «گویا این تندیس از طلا و نقره ساخته شده است.» / «إِنَّمَا: فقط» برای بیان حصر به کار می‌رود: «فقط کسی در کارهایش موفق می‌شود که هنگام رویارویی با مشکلات ناامید نشود.»

۲۵۵۰ «إِنَّ» کلّ جمله را تأکید می‌کند!

۱ بررسی گزینه‌ها: «أَنْ يَبْتَعدُوا: که دوری کنند» («أَنْ» ناصبه داریم.) / «بی‌گمان سلامتی، زیباترین لباس در جهان است.» / «شکی نیست که دوست در مسابقه برنده می‌شود.» («أَنْ» داریم.) / «آیا گمان می‌کنی که ماهی‌ها به این دریا تعلق دارند؟» («أَنْ» داریم.)

۲۵۵۱ «لَيْتَ» غالباً برای بیان حسرت و آرزوی محال به کار می‌رود. «کاش روزهای جوانی برگردند.» طبیعتاً بازگشت به زمان عقب، غیرممکن است! دقت کنید که در ۱ «لکن: ولی» برای رفع ابهام از جمله قبلی و تکمیل معنا، در ۳، «كأنّ: گویا» برای بیان تشبیه و «لعلّ» در ۴ برای بیان امید به کار رفته‌اند.

۲۵۵۲ ۱ بررسی گزینه‌ها: ۱ دیروز درس را نخواندم، قطعاً در امتحان امروز موفق می‌شوم! (یا باید می‌گفت «لأنّجُحُ: موفق نمی‌شوم» و یا «لَيْتَ: کاش»، چون خیلی بعید است که درس را نخوانده باشی و موفق بشوی!) / ۲ دیروز درس را نخواندم، اما در امتحان امروز موفق نشدم! («لکن: اما» در این جا اشتباه است!) / ۳ قطعاً فردا من در امتحان موفق خواهم شد، برای این‌که بسیار درس خوانده‌ام! (صحیح است!) / ۴ آرزو می‌کنم قطعاً من در امتحان موفق می‌شوم، کاش سوالات سخت نباشند! (با توجه به معنای جمله و این‌که این حرف دو جمله را به هم ربط داده، «إِنَّ: قطعاً» نادرست است و باید به جای آن از «أَنْ: که» استفاده می‌شد!)

۲۵۵۳ حرف «لعلّ» به معنای «امید است که، شاید که» غالباً بر «امیدواری» (رجاء) دلالت دارد. این حرف در ۴ دیده می‌شود.

۲۵۵۴ ۲ با توجه به معنای عبارت و گزینه‌ها، تنها ۲ می‌تواند معنای عبارت را به درستی کامل کند.

معنای کامل عبارت: «پیامبران تلاش کردند که اقوام خود را از تاریکی‌های نادانی بیرون بیاورند، اما بیشتر مردم نمی‌پذیرفتند.» دقت کنید که «أَنْ» به معنای «که» نوعی رابط بین جملات است که با وجود حرف «و» نیازی به آن نیست.

۲۵۵۵ ۳ در جای خالی اول باید حرفی بیاید که «شک و تردید را از عبارت پس از خود برطرف کند.» پس «إِنَّ» مناسب آن است، زیرا با تأکید کردن بر عبارت، شک و تردید را از بین می‌برد.

در جای خالی دوم حرف‌های «لعلّ» یا «كأنّ» می‌توانند مناسب باشند، چون «شک و تردید را در عبارت وارد می‌کنند» یعنی نشانه وجود شک و تردید می‌توانند باشند.

۲۵۵۶ ۲ برای این گزینه حرف «لعلّ» که مفهوم «امیدواری» را دارد مناسب نیست و باید از «لا» نفی جنس استفاده شود: «هیچ ایمانی همراه با بدگمانی وجود ندارد.»

۱ بررسی گزینه‌ها: «لکن» به معنای «اما» در این عبارت کاملاً مناسب است: «این روز رستاخیز است اما شما نمی‌دانستید.» / حرف «أَنْ» که رابط بین جملات است، کاملاً مناسب این عبارت است: «آیا ندانستند که خداوند روزی را برای هر که بخواهد، گسترش می‌دهد؟» / حرف «لکن» می‌تواند همراه فعل‌ها به کار برود: «اعراب گفتند ایمان آورديم بگو ایمان نیاوردید، بلکه بگوئید اسلام آوردیم.»

۲۵۵۷ ۲ چون جای خالی اول در وسط عبارت و بر سر فعل قرار گرفته، پس ما به «أَنْ» احتیاج داریم نه «إِنَّ» که در ابتدای جمله قرار می‌گیرد. رد ۱ و ۴ جای خالی دوم هم در وسط عبارت قرار گرفته، پس «أَنْ» در آن قرار می‌گیرد.

بعد از جای خالی سوم، اسم فتحه دار و نکره (أَنْزَر) قرار گرفته، در نتیجه «لا» نفی جنس جواب صحیح برای این بخش می‌باشد.

ترجمه جمله: «ای گوینده بدون عمل باید که بدانی که هیچ اثری در سخن تو میان مردم نیست.»

۲۵۵۸ ۴ حرف «أَنْ» به هیچ وجه ابتدای جمله نمی‌آید. کاربرد این حرف، وسط جمله و برای ربط دادن دو قسمت از آن است.

۱ بررسی گزینه‌ها: «إِنَّ» به معنای «قطعاً» در ابتدای جمله سر و کلاه پیدا می‌شود: «بی‌شک دانش آموز در خواندن درس‌هایش بسیار تلاش می‌کند.» / «لَيْتَ: کاش» برای بیان آرزو به کار می‌رود. «کاش دانش آموز در خواندن درس‌هایش بسیار تلاش کند.» / «لعلّ: امید است که، باشد که» برای بیان امید به کار می‌رود: «امید است که دانش آموز در خواندن درس‌هایش بسیار تلاش کند.»

۱ بررسی گزینه‌ها: «إِنَّ» بر سر اسم (مَثَل) و در ابتدای جمله آمده. / «أَنْ» بر سر فعل (تَعَطَّلَ) و در وسط عبارت آمده. / «أَنْ» بر سر ضمیر متصل (كَمْ) و در وسط جمله آمده. ✓

۲۵۴۱ ۱ «قُلْ إِنَّ اللَّهَ...» «إِنَّ» صحیح به کار رفته، چون بعد از آن اسم آمده و «إِنَّ» در ابتدای جمله قرار گرفته.

«عَلَى أَنْ يَنْزِلَ...» «أَنْ» نمی‌تواند بر سر فعل بیاید و چون در وسط عبارت قرار گرفته شکل صحیح آن به صورت «عَلَى أَنْ يَنْزِلَ...» می‌باشد.

۱ بررسی گزینه‌ها: «إِنَّ تُحْسِنَ»: «إِنَّ» ابتدای جمله و بر سر فعل آمده، پس حرف شرط است. «أَنْ أَجْرُكَ...»: «أَنْ» وسط عبارت و بر سر اسم آمده. / «إِنَّ الَّذِينَ...»: «إِنَّ» در ابتدای عبارت و بر سر اسم آمده (موصولات جزء اسم‌ها هستند). «أَنْ يُصَلُّوا»: «أَنْ» در وسط جمله و بر سر فعل آمده. / «أَنْ الدّٰلِیْنَ...»: «أَنْ» وسط عبارت و بر سر اسم آمده – «أَنْ تُرْشِدُنَا...»: «أَنْ» وسط عبارت و بر سر فعل آمده.

۲۵۴۲ ۲ بعد از «ان» فعلی «تؤمن» قرار گرفته، پس قطعاً «إِنَّ» نمی‌تواند درست باشد «إِنَّ تُؤْمِنَ»

۱ بررسی گزینه‌ها: «أَنْ نَسَافِرَ»: «أَنْ» بر سر فعل و در وسط جمله آمده. / «أَنْ النّٰجَاحَ»: «أَنْ» بر سر اسم و در وسط جمله آمده. / «إِنَّ اللَّهَ»: «إِنَّ» بر سر اسم و در ابتدای جمله قرار گرفته. ✓

۲۵۴۳ در ۴ «أَلَا (أَنْ + لا) بر سر فعل «يَغِیْبُ» آمده، یعنی «أَنْ» ناصبه است، اما در گزینه‌های دیگر به ترتیب بر سر اسم آمده که از حروف مشبّهة بالفعل محسوب می‌شود.

۱ إِنَّ تَكَاثُرَ الْإِنْسَانِ... با توجه به معنای جمله «تکامل» در این جا مصدر است (تکامل انسان، موضوعی تدریجی است...) / «إِنَّ أَحْسَنَ النَّاسِ...» بر سر اسم تفصیل آمده (نیکوکارترین مردم...)، «أَحْسَنَ» را به اشتباه فعل نگریید. / «لَأَنَّ الذَّنَابَ...» بر سر اسم آمده. (... چرا که گناه محصولات را می‌دزدند.)

۲۵۴۴ ۳ در این گزینه «إِنَّ» از ادوات شرط است و فعل شرط را مجزوم کرده است که علامت جزم آن حذف «ن» از آخر فعل مضارع است.

۱ بررسی گزینه‌ها: ۱ بعد از «أَنْ» بلافاصله فعل به کار نمی‌رود. «أَنْ» «أَنْ» / ۲ «أَنْ» هیچ‌گاه در آغاز جمله به کار نمی‌رود. «أَنْ» «إِنَّ» / ۳ «إِنَّ» که از ادوات شرط است، در وسط جمله به کار نمی‌رود. «إِنَّ» «أَنْ»

۲۵۴۵ ۱ عبارتی را مشخص کن که بر «تمتی» (آرزوی غیرممکن) دلالت دارد: «لَيْتَ» در ۱ بر تمّی دلالت دارد «... ای کاش خاک بودم.»

۱ بررسی گزینه‌ها: ۲ «كأنّ» به معنای «گویا» بیشتر برای تشبیه به کار می‌رود. / ۳ «لعلّ» به معنای «امید است» می‌باشد. / ۴ «عسى» به معنای «شاید» بر امید داشتن دلالت دارد.

۲۵۴۶ ۴ حرف «إِنَّ» بر کلّ عبارت پس از خود تأکید دارد نه بخشی از آن، پس صحیح است.

۲۵۴۷ ۲ «لَيْتَ» به معنای «کاش» حرفی است که برای بیان آرزو یا «تمّی» به کار می‌رود.

۱ بررسی گزینه‌ها: «إِنَّ» کاربرد تأکیدی دارد و با توضیح مقابل آن تناسب ندارد: «دو جمله را مرتبط می‌کند.» / «لکن» برای رفع ابهام به کار می‌رود ولی حرف «لا» در این عبارت از نوع «نفی» است نه «نهی»، چون حرف «نون» از آخر فعل حذف نشده است. / ۴ با توجه به ساکن بودن آخر «تَحْزَنُ»، «لا» از نوع «نهی» است نه «نفی».

۲۵۴۸ ۲ طبق قواعدی که در حروف مشبّهة بالفعل گفته شد، «لعلّ» حرفی است که برای مفهوم «رجاء» (امیدواری) استفاده می‌شود. این حرف در ۲ آمده است.

ترجمه عبارت: ۱ قومی قوم دیگر را نباید مسخره کند، چه بسا آنان از ایشان بهتر باشند. / وقتی قرآن خوانده شود، به آن گوش کنید و ساکت باشید، امید است که مورد رحمت قرار بگیرید. / عزیزان من، برای شما موفقیت و پیروزی را در راه زندگی‌تان امید دارم. / ای کاش این دوستان مرا در سختی‌های زندگی‌ام رها نمی‌کردند.

۲۵۴۹ ۱ بررسی گزینه‌ها: «لعلّ: امید است که، باشد که» برای بیان امید به کار می‌رود: «در زندگی‌تان مردم را ببخشایید، امید است که مورد بخشش قرار گیرید.» / «کافر در روز رستاخیز خواهد گفت: ای کاش من خاک بودم.» «لَيْتَ» برای بیان آرزو و حسرت به کار می‌رود. / «كأنّ: گویا، انگار» در این جا برای ظنّ

۲۵۵۹ خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ هر کس تلاش می‌کند، می‌داند

که موفقیت، غیرممکن نیست. (آن: برای ربط دو قسمت از عبارت به کار می‌رود.)
۲ این شیء بسیار مفید است، اما آن کوچک است. («لکن» غالباً برای رفع ابهام به کار می‌رود.)
۳ سربازان، با شجاعت از میهن دفاع می‌کنند؛ کاش آن‌ها بنایی استوارند.
(در این عبارت باید از «کأن» مانند) استفاده شود. «کأن»: غالباً برای تشبیه به کار می‌رود.)
۴ بی‌گمان عاقل کسی است که آزموده‌شده‌ای را برای بار دوم نمی‌آزماید.
(«إن» بار تأکیدی به همراه دارد. البته در بسیاری از جملات عربی معاصر، این کلمه صرفاً تکیه کلام ابتدای جمله است و به صورت تأکیدی ترجمه نمی‌شود.)

۲۵۶۰ ۲ در جای خالی در وسط عبارت قرار دارد؛ بنابراین «إن» قطعاً برای آن مناسب نیست، بلکه «أَنَّ» درست است.

ترجمه گزینه‌ها: ۱ معلم با تأخیر به مدرسه رسید ولی دانش‌آموزان کلاس را ترک نکرده بودند. ۲ ای خواهرم، آیا می‌دانی که برگ زیتون نماد صلح است؟ ۳ گویا برپایی یک آزمایشگاه کوچک در مدرسه‌های برخی روستاها ممکن نیست. ۴ گویا دوست من در مسابقه پایانی پینگ‌پنگ برنده نشده است.

۲۵۶۱ ۲ در برای برقراری ارتباط بین دو عبارت «لاحظ المعلم» و «ثلاثة من الطلبة...» باید از حرف «أَنَّ» استفاده کنیم: «معلم دید که سه تا از دانش‌آموزان در امتحان حاضر نشدند».

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ دانش‌آموزان در امتحان موفق نشدند، اما سعید در آن موفق شد. «لکن» وسط عبارت آمده و عبارت «سعید در آن موفق شد» پیام عبارت قبلی را کامل کرده است. ۳ به خانه مادر بزرگت رنگ بزن، شاید کیفیت را آنجا رها کرده‌ای. «لعل» برای بیان «احتمال» به کار رفته است. ۴ همانا من از جغدها با کشتن بسیاری‌شان خلاص شدم. «إن» در ابتدای عبارت آمده و جنبه تأکیدی دارد.

۲۵۶۲ ۲ ضمیر منفصل «أنتم» نمی‌تواند بعد از «كأن» به کار رود و باید از ضمیر متصل استفاده شود. — کانکم

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ در ابتدای این عبارت، جار و مجرور «في هذه المدرسة» آمده که خبر است و «طالب» مبتدأست؛ برای همین با آمدن «إن»، مبتدا (طالب) به «طالباً» تغییر یافته. ۲ در این عبارت نیز با آمدن «إن»، «الأثار القديمة» به صورت منصوب آمده است. ۴ «لیت» نیز اسم بعد از خود (الطالب) را منصوب کرده است.

۲۵۶۳ ۳ در این عبارت «للمدرّسين» که جار و مجرور است، در ابتدای جمله آمده و خبر محسوب می‌شود، پس «حق» اسم «إن» است و باید منصوب شود: «حقاً»؛ «الطلاب» هم بعد از حرف جرّ (علی) آمده و باید مجرور شود: «الطلاب»

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ «القرآن» — «القرآن» [اسم «إن» منصوب است.] / «المسلمون» — «المسلمین» [یأمر: فرمان می‌دهد] فعل متعدی است و به مفعول نیاز دارد، مفعول همواره «منصوب» است. می‌دانیم که جمع‌های مذکر سالم علامت نصبشان حرف «ی» است نه «و». ۲ «عالماً» — «عالم» [این کلمه، خبر «أَنَّ» و «مرفوع» است!] / ۴ «شاعراً» — «شاعر» [شاعر: خبر «كأن» و «مرفوع» است!]

۲۵۶۴ ۲ «لیس» از افعال ناقصه است که اسمش مرفوع و خبرش منصوب است؛ در این عبارت «المسلمون» اسم «لیس» و مرفوع به «واو» و «متحدین» خبر «لیس» و منصوب به «یاء» است. هر دوی این کلمات جمع مذکر سالم هستند که رفعتشان با «واو» و نصبشان با «یاء» می‌باشد!

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ «إنما» از ادوات حصر به شمار می‌رود که جمله پس از آن می‌تواند اسمیه و یا فعلیه باشد. در این عبارت «إنما» بر سر جمله اسمیه وارد شده است، ولی تفاوتش با «إن» در این است که پس از «إنما»، مبتدا (مرفوع) + خبر (مرفوع) به کار می‌رود. بنابراین «متحدین» که منصوب است نادرست می‌باشد! در ۳ و ۴ که هر دو از حروف مشبّهة بالفعل هستند، اسمشان باید منصوب و خبرشان مرفوع باشد که در این عبارت برعکس آمده است!

۲۵۶۵ ۱ در این گزینه، «كأن» از حروف مشبّهة بالفعل است که اسمش باید منصوب و خبرش مرفوع باشد. «السماء» اسم «كأن» و منصوب، و جمله فعلیه «تُططّر» خبرش است! خطاهای سایر گزینه‌ها: ۲ «عمل» اسم لای نفی جنس است و خبرش (أفیح) باید مرفوع باشد! أفیح — أفیح ۳ «السماء» اسم «كان» است که باید مرفوع باشد! السماء — السماء ۴ «أَنَّ» از حروف مشبّهة بالفعل است. «الوقایة» اسم آن است و «أفضل» خبر آن است که باید مرفوع باشد! أفضل — أفضل

۲۵۶۶ ۱ در این گزینه، «لا» لای نفی جنس است، پس «لباس» باید «لباس» باشد، ولی خبرش باید مرفوع باشد که به اشتباه به صورت منصوب آمده است! أجمل — أجمل ترجمه عبارت: «برای انسان هیچ لباسی زیباتر از تندرستی نیست!»

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۲ وقتی بعد از اسم اشاره، اسم بدون «ال» بیاید، خبر محسوب می‌شود و باید مرفوع شود، پس «یوم» صحیح است. ۳ در این عبارت «الله» اسم «إن» و منصوب است. «عَلَّام» هم خبر «إن» است و باید مرفوع شود: «عَلَّام» / «إنما» در اعراب کلمات بعد از خودش تأثیری ندارد، پس «المُسلمون» مبتدا و «إخوة» خبر است که به درستی مرفوع شده‌اند.

۲۵۶۷ ۲ «إن» از حروف مشبّهة بالفعل است و ویژگی این گروه از نظر اعرابی این است که اسمشان «منصوب» و خبرشان به صورت «مرفوع» می‌آید؛ در این عبارت «العفو» اسم «إن» و منصوب، و «حسن» خبر آن و مرفوع است!

۲۵۶۸ ۳ خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ «الطالبان» — الطالبین: [اسم «لعل» منصوب است و اسم‌های مثنی، علامت نصبشان حرف یاء (یا) است!] / ۲ «نافع» — «نافعاً» [«الکذب» اسم «لیس» و مرفوع است و «نافع» خبر آن است که باید منصوب باشد!] / ۴ «مجتهدین» — «مجتهدون» [«طَلَّاب» اسم «إن» و منصوب است و خبرش باید مرفوع باشد و چون «مجتهدین» جمع مذکر سالم و خبر «إن» است باید با واو (و) به کار رود؛ زیرا علامت رفع در جمع مذکر سالم، حرف واو است.]

۲۵۶۹ ۳ «المحسنون» که جمع مذکر سالم است، در این عبارت، اسم «إن» و منصوب است، در نتیجه باید به «المحسنین» تغییر یابد. [المحسنون — المحسنین] / «كانت» از افعال ناقصه است. در این عبارت «قلیلة» خبر «كانت» است و باید منصوب باشد. «قلیلة» — «قلیلة» / «لکن» از حروف مشبّهة بالفعل است.

ضمیر «هم» اسم «لکن» است و «مجهولین» خبر آن است و می‌دانیم که خبر حروف مشبّهة بالفعل مرفوع است و چون «مجهولین» جمع مذکر است، علامت رفعش با واو (و) نشان داده می‌شود. [مجهولین — مجهولون]

۲۵۷۰ ۱ در «طَلَّاب» اسم «إن» و منصوب است و «فائزون» خبر و مرفوع است. ضمناً «نشیطون» خبر «أَنَّ» است و مرفوع می‌باشد. ضمیر «هم» نیز اسم «أَنَّ» است، ولی چون مبنی است نشانه اعراب ندارد!

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۲ تغلقین — تغلقین برای مفرد مؤنث مخاطب است و برای این جمله مناسب نیست، زیرا برای «المديرة» باید فعل مفرد مؤنث غایب بیاوریم؛ پس «تغلق» صحیح است! / ۳ شاعر (این کلمه، خبر «كأن» است و باید مرفوع باشد؛ پس «شاعر» صحیح است!) / ۴ الإیرانیون (این کلمه صفت «الشعراء» است و چون «الشعراء» اسم «كأن» و منصوب است؛ پس صفت آن نیز باید منصوب می‌شد؛ پس «الإیرانیین» صحیح است!]

۲۵۷۱ ۳ در هیچ مصدر مزیدی دیده نمی‌شود. دقت کنید که «أثمار» جمع «ثمر» است و آن را با «إثمار» که بر وزن «إفعال» است اشتباه نگیرید.

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ «مسابقات» جمع «مسابقة» بر وزن «مفاعلة» است، پس یک مصدر مزید به حساب می‌آید که از طرفی اسم «كأن» نیز هست. / ۲ «اختراعات» جمع «اختراع» بر وزن «افتعال» است و مصدر ثلاثی مزید است و اسم «أَنَّ» محسوب می‌شود. / ۴ «إنزال» بر وزن «إفعال» بوده و مصدر مزید است و از طرفی اسم «إن» به حساب می‌آید.

۲۵۷۲ ۴ در «الله» اسم «أَنَّ» و منصوب است. «الأرض» اسم «تصبح» و مرفوع هست و «مختصرة» خبر «تصبح» و منصوب!

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ کلمه «حاضرون» خبر «كان» است که باید منصوب باشد؛ بنابراین «حاضرين» صحیح است! / ۲ این عبارت با «للعاقل» که جار و مجرور است، شروع شده؛ بنابراین «للعاقل» خبر و «خصال» مبتدأست، پس کلمه «خصال» که اسم مؤخر «إن» است باید منصوب باشد؛ بنابراین «خصالاً» صحیح است! / ۳ کلمه «ناجحون» خبر «یصبحون» است که باید منصوب باشد؛ بنابراین «ناجحين» صحیح است!

۲۵۷۳ ۱ بررسی گزینه‌ها: ۱ لا تَغْضَبْ: عصبانی نشو، خشمگین نشو! فعل نهی مخاطب است و معادل مضارع التزامی نیست. / ۲ سخن آن‌ها نباید توافراحت کند، زیرا عزت، همه از آن خداست. «لا یحزن» فعل نهی غایب است؛ نهی غایب: نباید + مضارع التزامی / ۳ ما این جاگرد هم آمده‌ایم برای این که دانش‌آموز نمونه را تکریم کنیم. «لی» ناصبه + مضارع: تا (برای این که) + مضارع التزامی / ۴ امید است که خواهر کوچکم در امتحاناتش قبول شود. لعل + مضارع: مضارع التزامی

۲۵۸۲ حروف «أ، لکن و أن» نمی‌توانند در شروع عبارت به کار بروند. ترجمه عبارت کامل: «کاش دوستم از استاد مشورت بگیرد شاید که در زندگی اش به او سود بخشد.»

۲۵۸۳ **خطاهای سایر گزینه‌ها:** ۱. نجاه (در این عبارت، «فی الصدق» که جار و مجرور است و ابتدای عبارت آمده، خبر مقدم است و «نجاه» به عنوان اسم «إن» باید منصوب شود. ۲. سامعاً (خبر «کان» است و باید منصوب شود. ۳. مکرّم (در ترجمه همراه «بود» می‌آید، پس خبر «کان» است و باید منصوب شود مکرّماً).

۲۵۸۴ در این عبارت «أن» به معنای «قطعاً» می‌باشد («إن» و در سایر گزینه‌ها به معنای «که» و «أن» می‌باشد. دقت کنید که «إن» در ابتدای جمله و «أن» در وسط جمله به کار می‌رود.

ترجمه گزینه‌ها: ۱. در تاریخ آمده است که ابراهیم (ع) قومش را از عبادت بت‌ها نجات داد. ۲. ای انسان بر آن چه از دست داده‌ای ناراحت مباش، قطعاً (زیرا) ناامیدی تو را از خداوند دور می‌کند. ۳. آیا انسان گمان می‌کند که خداوند او را پوچ و بی‌پوده و تنها رها می‌کند؟ ۴. خدایا و پروردگارا، می‌دانیم که تو همیشه همراه بندگان هستی!

۲۵۸۵ «لیت: کاش» غالباً برای بیان کار یا آرزویی استفاده می‌شود که امید یا به رخ دادنش نداریم. صورت این سؤال بسیار مهم است.

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱. «لعل»: امید است که، باشد که» غالباً برای بیان امید و گاهی برای بیان شک به کار می‌رود. ۲. «کأن»: گویی، مانند» غالباً برای بیان تشبیه به کار می‌رود که البته در این گزینه برای بیان احتمال به کار رفته است. ۳. «أن»: که» برای ارتباط دو قسمت از جمله و «لکن»: اما، ولی» برای رفع ابهام از جمله قبل و کامل کردن فعل به کار می‌رود.

۲۵۸۶ صورت این سؤال غیرمستقیم گفته که در کدام گزینه حرف مشتبه‌بالفعل «لکن» به کار رفته است. همان‌طور که می‌دانید کارکرد «لکن» برطرف کردن ابهام از جمله ماقبل خود و تکمیل آن است.

نکته: «إن» کل عبارت را تأکید می‌کند و «أن» رابط بین دو قسمت از عبارت است.

۲۵۸۷ **بررسی گزینه‌ها:** ۱. «امر شدید که عصبانی نشویم، ولی عصبانی می‌شویم و این کار میانمان رواج دارد.» حرف «أن» باعث شده که «لا نغضب» به صورت مضارع التزامی ترجمه شود، اما «نغضب» دومی به صورت مضارع اخباری ترجمه می‌شود. دقت کنید که «لکن» تأثیری بر معنای فعل مضارع ندارد. ۲. «شاید انسان از طریق نوشته‌ها و نگاره‌ها تمدن‌ها را بشناسد.» فعل مضارع بعد از «لعل» به صورت التزامی ترجمه می‌شود. ۳. «گویا این کوه از بقیه کوه‌ها بلندتر است، کاش من به قلّه‌اش صعود کنم.» فعل مضارع بعد از «لیت» به صورت التزامی ترجمه می‌شود. ۴. «کاش ما نظرات چندین نویسنده درباره این موضوع را بخوانیم تا نتیجه درستی بگیریم.» داستان فعل مضارع بعد از «لیت» را که گفتیم، «ل» در «لناخذ» از نوع ناصبه است و باعث می‌شود فعل مضارع به صورت التزامی ترجمه شود.

۲۵۸۸ با توجه به ضمیر «هُنَّ» که از صیغه «للفانات» است، باید فعل از همین صیغه «يَنْفَعْنَ» به کار رود نه از صیغه «للمخاطبات (تَنْفَعْنَ)»! در هر چهار گزینه، جای خالی اول، اسم «لیت» و جای خالی دوم خبر «لیت» است!

۲۵۸۹ در این گزینه بعد از «لا» اسمی قرار گرفته که نه تنوین (ـَ) دارد و نه «ال»، پس «لا»ی نفی جنس داریم.

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱. «لا» در وسط عبارت آمده و به معنای «نه» است — شرافت انسان به علم و ادب است نه به اصل و نسب. ۲. «لا یا بنتی» یعنی «نه ای دخترم» که در جواب یک سؤال می‌آید و نفی جنس نیست. ۳. بعد از «ألا» (أن و لا) فعل آمده، پس نمی‌تواند «لا»ی نفی جنس باشد.

۲۵۹۰ صورت سؤال عبارتی را خواسته که نفی در آن بیشتر باشد، پس باید به دنبال «لا»ی نفی جنس باشیم که فقط در ۳ آمده است.

خطاهای سایر گزینه‌ها: «لیس» در ۱ و «لا»ی در ۲ و ۴ که همراه فعل آمده و نافی است، تأکیدشان کم‌تر است.

۲۵۹۱ بعد از «لا» اسم فتحه دار آمده، پس «لا»ی نفی جنس داریم. **خطاهای سایر گزینه‌ها:** ۱. دقت کنید که در این گزینه «تَعْلَمُ» بر وزن «تَفْعُلُ» و مصدر است نه فعل و «لا» بر سر اسم آمده و معنای «هیچ» می‌دهد، پس «لا»ی نفی جنس است — هیچ آموزشی نیست که ما را از استاد بی‌نیاز کند. ۲. «ألا» به معنای «هان و آگاه باش» یک کلمه مستقل است. ۳. «لا» در این گزینه نافی است — خوش به حال کسی که به زر و زینت‌های دنیا توجه نمی‌کند.

۲۵۷۴ سؤال گفته گزینه‌ای را مشخص کن که در آن مضارعی (یک فعل مضارع) نباشد که معادل مضارع التزامی فارسی است. کافی است یک مضارع التزامی در گزینه‌ها پیدا و آن را رد کنیم!

بررسی گزینه‌ها: ۱. «اگر به این پندها عمل کنی، تو موفق می‌شوی.» «تعملی» فعل شرط است و فعل شرط را غالباً به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌کنیم. ۲. «کاش او به سرعت برای این مشکل به دنبال راه حلی بگردد.» لیت + مضارع: مضارع التزامی / حتی + مضارع: مضارع التزامی — حتی یَحْكَمْ: تا دآوری کند. ۳. «نیکی کنی، بی‌گمان خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد.» «أحسبوا» فعل امر مخاطب است و معادل مضارع التزامی نیست. «يُحِبُّ» هم به صورت مضارع اخباری ترجمه می‌شود و دلیلی ندارد به صورت مضارع التزامی ترجمه شود.

۲۵۷۵ «لا یُضارِعُ» آخرش کسره دارد، یعنی مجزوم شده است (یعنی در اصل «لا یُضارِعُ» بوده)؛ پس فعل نهی به حساب می‌آید و چون غایب است باید به صورت مضارع التزامی ترجمه شود: «نباید مبارزه کند».

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱. «تنهوا» بر وزن «تَفْعَلُوا» فعل ماضی است و چون همراه «لیت» آمده باید به صورت ماضی استمراری یا بعید ترجمه شود نه مضارع التزامی: «ای کاش ... آگاه می‌شدند (شده بودند)». ۲. «تَنفَقُ» فعل مضارع است و «کأن» تأثیری در زمان فعل ندارد: «اتفاق می‌کند، می‌بخشد». ۳. «یَرَفَعُ» فعل مضارع است و با آمدن «لا»ی نفی جنس منفی می‌شود ولی التزامی نمی‌شود: «هیچ کس صدایش را بالای صدای پدر و مادرش بالا نمی‌برد».

۲۵۷۶ وقتی فعل ماضی همراه «لعل» به کار برود، می‌توانیم آن را به صورت ماضی التزامی ترجمه کنیم: «امید است که پروردگار بخشنده‌ام گناهان بزرگم را آمرزیده باشد».

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱. «لا یَسْبِقُ» فعل نهی غایب است، پس ترجمه آن با «نباید» صحیح است: «نباید پیشی بگیرد». ۲. «جَعَلَ» فعل ماضی است و چون همراه «لیت» آمده به صورت ماضی بعید یا استمراری ترجمه می‌شود: «ای کاش پروردگارم مرا از رحمت شدگان قرار می‌داد (قرار داده بود)». ۳. با حضور «لا»ی نفی جنس، فعل باید به صورت منفی ترجمه شود: «هیچ کتابی از کتاب‌های جهان، تو را از تجربه بی‌نیاز نمی‌کند».

۲۵۷۷ سؤال از ما عبارتی را می‌خواهد که در آن «امید وقوع آن نداریم!» حرف «لیت: کاش» بیانگر امری است که امیدی به وقوع آن نداریم. این حرف در ۳ به کار رفته است. «لَیتنا — لیت + نا: ای کاش ما»

۲۵۷۸ **صورت سؤال:** تأکیدی را مشخص کن که برای کل جمله باشد. طبق آن چه درباره «إن» می‌دانیم، این حرف بر کل جمله پس از خود تأکید دارد؛ پس باید به دنبال «إن» بگردیم.

۲۵۷۹ صورت سؤال حرفی را می‌خواهد که «ابهام را از جمله پیش از خود از بین می‌برد.» این کاربرد مربوط به حرف «لکن» است که در ۱ آمده است.

۲۵۸۰ با توجه به مفهوم عبارت، مناسب است: «دشوار نیست که دوست را به شدت دوست داشته باشی، ولی دشوار است که دوستی را بیایی که شایسته این دوست داشتن باشد.» البته موارد زیر را هم می‌توان در نظر داشت: ۱. «أن» نمی‌تواند در ابتدای عبارت یا همراه فعل استفاده شود؛ پس نمی‌تواند در جای خالی اول و چهارم به کار برود. ۲. مفهوم جمله را کاملاً برعکس می‌کند. ۳. در این عبارت اصلاً ساختار شرط نداریم؛ پس «إن» در هیچ‌کدام از جاهای خالی کاربرد ندارد.

۲۵۸۱ سؤال، خبر حروف مُشْتَبِهَة بالفعل را خواسته که فعل باشد. همان‌طور که در جمله اسمیه، خبر می‌تواند از نوع فعل باشد، در جمله‌ای که با حرف مُشْتَبِهَة بالفعل شروع شده نیز این امکان وجود دارد. مثل «لیت» حرف مُشْتَبِهَة بالفعل، «إطعام» اسمش، «یکون» خبرش از نوع فعل (کاش غذا دادن به نیازمندانمان از آن چه ما می‌خوریم، باشد).

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱. «لَعَلَّ» حرف مُشْتَبِهَة بالفعل، «العالم» اسمش، «محبوب» خبرش از نوع اسم (شاید دانشمندی که منتظرش هستیم و درباره‌اش حرف زدیم، برای تو نیز دوست‌داشتنی باشد). دقت کنید که جمله «الَّذِي أَنْتَظِرُهُ وَتَكَلَّمْتُ عَنْهُ» جمله‌ای توضیحی برای «العالم» است و خبر نیست؛ چون جمله با آن کامل نمی‌شود. ۲. «إنَّ» حرف مُشْتَبِهَة بالفعل، ضمیر «ها» اسمش، «قربیه» خبرش از نوع اسم (از رحمت خدا ناامید نشوید، قطعاً آن به نیکوکاران نزدیک است). ۳. «كأنَّ» حرف مُشْتَبِهَة بالفعل، ضمیر «هم» اسمش، «جناح» خبرش از نوع اسم (دوستانان را گرامی بدار، گویا آنان بال تو هستند که با آن پرواز می‌کنی).

۲۵۹۲ بعد از «لا» اسم (عَلِمَ) آمده، پس «لا»ی نفی جنس داریم.

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ «لا» در این جا ناهیه است، چون «ن» در آخر فعل حذف شده است. ۲ نخورید... وجود ضمه (ه) در آخر فعل به ما می‌فهماند که «لا»ی نافییه است، چرا که فعل را مجزوم نکرده است. ۳ صحبت نمی‌کنند... درست است که «لا» بر سر اسم آمده، ولی توجه کنید که «الجاهل»، «ال» دارد، پس نمی‌تواند «لا»ی نفی جنس باشد به ویژه این که از روی ترجمه هم می‌توان فهمید. ۴ عاقل فرصت‌هایی را که برایش رخ می‌دهد غنیمت می‌شمارد نه جاهل.

نکته: «لا»یی که در وسط جمله می‌آید و به معنای «نه» است، «لا»ی عطف می‌باشد.

۲۵۹۳ در این گزینه اولین «لا» باعث حذف نون فعل شده و ناهیه است، ولی بقیه گزینه‌ها «لا»ی نافییه دارند.

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۲ با توجه به معنای عبارت هر دو «لا» نافییه است: «خداوند رحم نمی‌کند بر کسی که به مردم رحم نمی‌کند». ۳ با توجه به معنای عبارت، «لا» نافییه است: «هر غذایی که نام خداوند بر آن ذکر نمی‌شود، خیری در آن نیست». ۴ «لا» بر سر فعل مضارع آمده، ولی نون آن حذف نشده، پس نافییه است.

۲۵۹۴ «تکلم» فعل مضارعی است که آخرش کسره عارضی گرفته، یعنی مجزوم شده، پس «لا» از نوع ناهیه است: «با مردم درباره چیزی که از تکذیبش می‌ترسی، حرف زن!»

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ «تقدّم» بر وزن «تفعّل»، اسم (مصدر) است، پس «لا» از نوع نفی جنس است: «هیچ پیشرفتی همراه نادانی نیست». ۲ «تقدّموا» نونش حذف شده، پس لای نهی است نه نفی. ۴ «اعتماد» بر وزن «افتعال» مصدر و اسم است، پس لای نفی جنس داریم.

۲۵۹۵ «لا» وقتی مضارع التزامی می‌سازد که از نوع نهی بوده و با فعل غیرمخاطب به کار رفته باشد. در این گزینه «لا یحزن» این ویژگی را دارد؛ «نباید ناراحت کند». در ۱ و ۳ «لا» با فعل مخاطب آمده و البته «طاقة» نیز اسم است. در ۴ هم «شعب» اسم است.

۲۵۹۶ «ألا» از (أَنْ) لا تشکیل شده که «لا» در آن همیشه نافییه است.

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ «لا» در این گزینه فعل را مجزوم کرده و نهی است نباید مسخره کنند... ۲ «لا» در این جا نیز نهی است. این را می‌توانیم از حذف شدن «ن» از آخر فعل متوجه شویم. ۳ به آن‌ها لقب ندهید... ۴ «لا» بر سر اسم (عیب) آمده که نفی جنس است.

۲۵۹۷ در این عبارت «إنما» معنای «فقط» می‌دهد و مفهوم این گزینه با سایر گزینه‌ها متفاوت است، چون در گزینه‌های دیگر مفهوم «هیچ» به کار رفته است: ۱ «لا تلمیذ...»: هیچ دانش‌آموزی... ۲ «ما من تلمیذ»: هیچ دانش‌آموزی... ۴ «أبي تلمیذ»: هیچ دانش‌آموزی...

۲۵۹۸ در این عبارت «راحة» و «تحمل» هر دو اسم هستند («تحمل» در این جا مصدر است). پس هر دو «لا»، نفی جنس به حساب می‌آیند: «هیچ آسایشی ندارد کسی که در مقابل سختی‌ها هیچ تحملی ندارد».

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ «تستوي» فعل و «السّيئة» اسم است، لذا حتماً دو حرف «لا» نوعشان متفاوت است. ۲ «تحمل» فعل بوده و «طاقة» اسم است، پس باز هم نوع «لا» مختلف است. ۴ «خير» اسم بوده و «يعمل» فعل است، لذا نوع «لا» متفاوت خواهد بود.

۲۵۹۹ صورت تست از ما عبارتی را خواسته که در آن «نفی» شدیدتر و بیشتر باشد! و همان‌طور که می‌دانیم، در لای نفی جنس، نفی از همه شدیدتر و بیشتر است! ۱ «لا» نافییه «گنجی بی‌نیازکننده‌تر از قناعت نمی‌باشد». ۲ «لیس» منفی‌کننده جملات اسمیه «گنجی بی‌نیازکننده‌تر از قناعت نیست». ۳ «لا» نفی جنس «هیچ گنجی بی‌نیازکننده‌تر از قناعت نیست». ۴ «لا» نافییه «گنجی بی‌نیازکننده‌تر از قناعت وجود ندارد».

۲۶۰۰ ترجمه ۳ «هیچ شکی در کتابی که بر پیامبر ﷺ نازل شده است، نیست!» در ۱ هیچ نوعی از «لا» استفاده نشده است. [ألا: هان، آگاه باشید] یعنی «آگاه‌ساختن، هشدارکردن» در ۲ «لا» به معنای «نه» است و در ۴ چون «أخ» تنوین کسره «پ» گرفته، «لا» نمی‌تواند نفی جنس باشد.

۲۶۰۱ در این گزینه چون پس از «لا» اسم فتحه‌دار به کار نرفته است، بنابراین لای نفی جنس هم نداریم. در سایر گزینه‌ها به ترتیب: «لا رجاء»، «لا مشكلة» و «لا أخطأ» لای نفی جنس هستند چون همراه اسم فتحه‌دار آمده و معنای «هیچ» می‌دهند.

۲۶۰۲ در این عبارت، «ربّ» اسم لای نفی جنس و «فی الكتاب» خبر لای نفی جنس از نوع شبه جمله است!

خطاهای سایر گزینه‌ها: در بقیه گزینه‌ها «لا + اسم» وجود دارد اما چیزی که معنای آن را کامل کند، وجود ندارد پس در همه آن‌ها خبر «لا» محذوف است. ۱ «بأس» اسم لای نفی جنس است، ولی [فی] خبر لای نفی جنس از نوع شبه جمله محذوف است! ۲ «إله» اسم لای نفی جنس است، ولی خبرش [موجود] محذوف است! ۳ «معبود» اسم لای نفی جنس است، ولی خبرش [موجود] محذوف است!

۲۶۰۳ پس از لای نفی جنس یک اسم فتحه‌دار (بدون تنوین) می‌آید و خبرش باید مرفوع باشد و این ویژگی فقط در ۴ آمده است!

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ عبادۀ — عبادۀ [گفتیم که اسم پس از لای نفی جنس همواره فتحه‌دار است!] ۲ عبادۀ — عبادۀ [اسم لای نفی جنس هیچ‌گاه تنوین نمی‌گیرد!] — أحسن — أحسن [خبر «لای» نفی جنس باید مرفوع باشد!] / أحسن — أحسن [خبر لای نفی جنس باید مرفوع باشد!]

۲۶۰۴ **خطاهای سایر گزینه‌ها:** ۱ در «ألا تُضيّعوا» لای نفی (چون «حرف ناصبه + لا» داریم! ألا = أن + لا) / ۲ در «لا تفكر» لای نفی جنس (چون «لا + اسم» داریم؛ دقت کنید که «تفكر» اسم است «تفكر» و اگر فعل مضارع بود اولش ضمه می‌گرفت «تُفكر»). ۳ در «لا تطبخ» نمی‌پزد» لای نفی (چون «لا + مضارع» داریم و معنای دستوری ندارد!) / ۴ در «لا يضمّ» در بر نمی‌گیرد» لای نفی (چون «لا + مضارع» داریم و معنای دستوری ندارد!) بنابراین صحیح است.

۲۶۰۵ در تمام گزینه‌ها «لا» بر سر اسم آمده است. هیچ‌کدام از اسم‌ها «ال» یا تنوین ندارند (دقت کنید که «التيّفات» توجه» و «التهاب» الف و لام معرفه ندارند و این الف و لام جزء اصلی آن‌هاست!) و علامت انتهای آن‌ها هم مشخص نشده است؛ بنابراین راهی به جز استفاده از ترجمه باقی نمی‌ماند.

بررسی گزینه‌ها: در ۱ «لا» به معنای «نه» است، نه «هیچ»؛ بنابراین نفی جنس نیست! (برادرم، این سخن فقط یک احتمال است، نه بیشتر از این!) / در ۲ «لا» التفات: هیچ توجهی نیست... در ۳ «لا التهاب» هیچ التهابی نیست... و در ۴ «لا توقّف» هیچ توقفی نیست... لای نفی جنس داریم.

۲۶۰۶ **بررسی گزینه‌ها:** ۱ در «أن لا يُشركوا» از وجود «أن» می‌شود فهمید که «لا» از نوع نفی است، نه نهی. دقت کنید که حذف «ن» در «یُشركوا» به خاطر وجود «أن» است، نه «لا». (دقت کن که طراح، جمله رو طوری نوشته که گول معنای جمله رو بخوری و خیال کنی از نوع «ناهییه» هستش.) / ۲ «یحسب» آخرش کسره دارد. دقت کنید که اگر فعل مضارعی آخرش کسره باشد، حتماً مجزوم بوده (یحسب) و به خاطر این که بعدش اسم «ال» دار آمده، کسره گرفته است؛ پس «لا یحسب» فعل نهی است، نه نفی. ۳ «تُفكر» بر وزن «تُفعل» بوده و یک فعل به حساب می‌آید، پس «لا» نمی‌تواند نفی جنس باشد، بلکه نهی است. / ۴ «ضیف» یک اسم نکره است، پس «لا» در این جا نفی جنس است: «این روزها هیچ مهمانی به خانه ما نمی‌آید».

۲۶۰۷ در ۴ «بیع» و «شفاعة» تنوین دارند، پس «لا» نمی‌تواند نفی جنس باشد.

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ برای این گزینه نباید عجلانه قضاوت کنید. درست است که «یتقدّم» فعل است و حرف «لا» نمی‌تواند نفی جنس باشد، اما در ادامه عبارت (لا هدف...) لای نفی جنس داریم. ۲ «لا» بر سر «خير» آمده و نفی جنس است. ۳ «لا» بر سر «أحد» آمده و نفی جنس است.

۲۶۰۸ در ۳ «لا» بر سر «نفع» آمده که اسم است، پس لای نفی جنس است: «فهمیدم که نادانی هیچ سودی در پیشرفت ملت‌ها ندارد».

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ «لا» بر سر فعل آمده و «لا»ی نفی است. ۲ «لا» به معنای «نه» است. دقت کنید که غالباً بعد از «لا»ی نفی جنس یک جمله اسمیه می‌آید. «بازاری وجود دارد که دور از خانه ماست نه نزدیک آن...» / ۴ «لا» دو بار بر سر فعل آمده که اولی ناهیه و دومی نافییه است: «یادگیر چیزهایی را که در کارهای مهم به تو سود نمی‌رساند».

۲۶۱۶ ۳ لای نفی جنس، لایه است که بر سر اسم نکره و مفرد می‌آید و معنای «هیچ... نیست» می‌دهد؛ «لا» در «لا إطار» از نوع نفی جنس است!
ترجمه عبارت: «تایر ماشینم به چیز تیزی برخورد کرد و منفجر شد و هیچ (اصلاً) تایر زایاس ندارم».

در ۱ و ۲ «لا» بر سر فعل مضارع آمده است و در ۴ «لا» از نوع «جوابیه» و به معنای «نه» می‌باشد!

۲۶۱۷ ۲ «لا» در «لا تُحْبُ، لا يَتَعَدُّ، لا تُطْبِخُ» همراه فعل آمده و از نوع نفی است، اما در ۲ همراه اسم نکره آمده، پس «لا» ی نفی جنس داریم.

۲۶۱۸ ۱ سؤال از ما چیزی را می‌خواهد که نفی کاملی انجام می‌دهد. چنین امری با «لای نفی جنس» انجام می‌شود. «لا» در «لا خبز: هیچ خیری نیست» از نوع نفی جنس است. دقت کنید که لای نفی جنس بر سر اسمی به کار می‌رود که «ال» و «تثنوین» ندارد و فقط فتحه (ـا) دارد. در سایر گزینه‌ها چنین شرایطی برقرار نیست!

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۲ «لا» اول همراه کلمه خاصی نیامده و معنای «نه» دارد و «لا» دوم همراه فعل آمده. (نه، تو دروغ نمی‌گویی) / ۳ هر دو «لا» معنای «نه» دارند و اسم بعدشان تثنوین گرفته است (نه شری می‌خواهم و نه فتنه‌ای). / ۴ هر دو «لا» همراه اسم «ال» دار آمده‌اند و به معنای «نه» هستند (نه به دروغ علاقه دارم و نه غیبت).

۲۶۱۹ ۴ «لا» نفی جنس بر سر اسم مفتوحی می‌آید که «ال» و «تثنوین» نداشته باشد. این مورد در ۴ دیده می‌شود: «هیچ ملتی از ملت‌های جهان نیست مگر این که روشی برای عبادت دارد».

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ «حیاء» تثنوین دارد و این برای اسم لای نفی جنس صحیح نیست. / ۲ «العزة» «ال» گرفته است در حالی که اسم «لا» نمی‌تواند «ال» بگیرد. / ۳ «لا» همراه فعل آمده است.

۲۶۲۰ ۴ «لا» نفی جنس همراه اسمی مفتوحی می‌آید که «ال» یا «تثنوین» نداشته باشد. ضمناً خبر «هم اگر اسم باشد، باید مرفوع شود. در ۴، این موارد رعایت شده است: «هیچ نیرویی قدرتمندتر از خرد برای حل مشکلات ما نیست».

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ «اليوم» به عنوان اسم «لا» نباید «ال» داشته باشد: «لا يوم» / ۲ «أسوء» خبر «لا» است و باید مرفوع شود: «أسوء» / ۳ «فصل» اسم «لا» است و باید فتحه بگیرد: «لا فصل»

۲۶۲۱ ۴ «لا» در این عبارت، لای ناهیه است نه نافی؛ زیرا باعث تغییر در آخر فعل مضارع (حذف نون) شده است. تَرْجُونْ + لای نفی لا تَرْجُوا! امید نداشته باشید.

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ «این سنتی است که خداوند قرارش داده است که هیچ پیشرفتی همراه با نادانی نیست.» «تَقَدَّمَ» در این جا به معنای «پیشرفت» و مصدر است. پس: «لا» در «لا تَقَدَّمَ» نفی جنس است. / ۲ «نباید توقع خوبی داشته باشیم مگر از...» یا «توقع خوبی نداریم مگر از...» در این جا «لا» می‌تواند ناهیه یا نافی باشد. / ۳ «لا» در این جا هم می‌تواند ناهیه یا نافی باشد: ترجمه عبارت: ائت تبتل نباید پیشرفت و موفقیت بخواهد (نمی‌خواهد).

۲۶۲۲ ۲ در ۲، «لا» نفی جنس است و «فائدة» اسم آن است. ضمناً «لا» در «لا يُستَفَادُ» نافی است.

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ «لا» نافی (موقف نمی‌شود) / ۳ «لا» ناهیه [از معنای عبارت می‌فهمیم که این «لا»، ناهیه است. / معنای عبارت: به نوبدی اجازه نده که در جانت نفوذ کند! / ۴ «لا» نافی [لا يَدْخُ: رها نمی‌کند] «كَانَ لا يَدْخُ: رها نمی‌کرد»]

۲۶۲۳ ۱ قبلاً هم گفتیم که اسمی که پس از لای نفی جنس می‌آید، نه «ال» می‌گیرد، نه تثنوین می‌پذیرد و نه به ضمیری متصل می‌شود و نه آن اسم از لای نفی جنس فاصله می‌گیرد!!! بنابراین فقط ۱ صحیح است!

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۲ بعد از «لا» اسمی «ال» دار آمده که نادرست است! / ۳ «أحد» که اسم لای نفی جنس است، از «لای نفی جنس» فاصله گرفته و میان آن‌ها «هناك» جدایی انداخته است! / ۴ اسم لای نفی جنس (ضیوف) به ضمیر «نا» متصل شده که نادرست است!

۲۶۲۴ ۲ در این گزینه بعد از «لا»، اسم «شك» آمده است.

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ «لا» در وسط جمله آمده و به معنای «نه» است: او یک شاعر بزرگ است نه یک تاجر فعال. / ۳ «لا» بر سر فعل آمده، پس نفی جنس نیست «لای» ناهیه یا نافی. / ۴ درست است که «لا» بر سر اسم آمده، ولی «انفاق» به یک اسم معرفه اضافه شده است، در حالی که اسم بعد از «لا» ی نفی جنس باید نکره باشد.

۲۶۰۹ ۲ در ۱ «لا» بر سر اسم آمده است و «لای نفی جنس» داریم و انتهای اسم بعد از آن فتحه می‌گیرد! «لا صديق: هیچ دوستی...» / در ۳ در فعل «لا تُعامل: رفتار نکن» لای نهی به کار رفته است و انتهای فعل را ساکن می‌کند! / در ۴ در فعل «لا يحزن: نباید ناراحت کند» لای نهی به کار رفته است و انتهای فعل را ساکن می‌کند! اما در ۲ در فعل «لا تحزن: که ناراحت نشوی» لای نفی داریم و به خاطر حضور حرف ناصبه «أن» آخر فعل فتحه گرفته است!

۲۶۱۰ ۴ «لا یكاتب»: نباید نامه‌نگاری کنند فعل نهی است، زیرا انتهای فعل «یكاتب» تغییر کرده و كسره عارضی گرفته است!

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ فعل «لا تتدخلی»: دخالت نکن مجزوم شده، پس نهی است! / ۲ حرف «لا» در «لا حيلة»: هیچ چاره‌ای نیست از نوع نفی جنس است! / ۳ حرف «لا» در «لا تستوي»: مساوی نیست از نوع نفی است، چون فقط فعل را منفی کرده است.

۲۶۱۱ ۳ عبارتی که با «لیت» آغاز شود، امیدی به وقوع آن نیست و این توضیح در مقابل آن آمده است. «هیچ امیدی به برنده شدن این بازیکن نیست».

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ توضیح مقابل عبارت، مربوط به حرف «لكن» است، ولی آن چه در این عبارت آمده «لكن» به معنای «برای شما» (لـ + كُنْ) است: «ای دانشمندان، شما تلاشگرید و نزد ما جایگاه رفیعی دارید.» / ۲ «نفی کامل» مربوط به «لای نفی جنس» است، ولی در این عبارت «بیئت» و «وَلَدُ» تثنوین دارند، پس «لا» نمی‌تواند نفی جنس باشد. / ۴ «كأن» در این جا مفهوم حدس و گمان دارد نه تشبیه: «گویی هم‌کلاسی من مریض است و به دانشگاه نیامده است».

۲۶۱۲ ۱ «سخنشان تو را نباید ناراحت کند، زیرا سربلندی، همه از آن خداوند است.» با توجه به معنای عبارت، «قَوْل» فاعل و مرفوع است و «العزة» نیز که بعد از این آمده، اسم این و منصوب است.

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۲ «آن کتاب هیچ شکی در آن نیست، هدایتی برای پرهیزکاران است.» «ریب» اسمی است که بعد از «لا» نفی جنس آمده، پس اسم «لا» است. «الْمُتَّقِينَ» هم بعد از حرف جرّ «لـ» آمده و مجرور به حرف جرّ است. / ۳ «آیا می‌دانی که دلفین مانند کودکان گریه می‌کنند و می‌خندد؟» «الذلفین» اسم آن است و «الأطفال» بعد از حرف جرّ «ك» آمده و مجرور به حرف جرّ است. / ۴ «افتخار تنها به جزئی استوار است.» «إنما» در محل اعرابی کلمات تأثیری ندارد، پس «الفخر» مبتدأست و «ثابت» نیز صفت «عقل» است.

۲۶۱۳ ۴ در این عبارت، «الجنود» اسم «كأن» و منصوب است؛ «كأن» از حروف مشبّهه بالفعل است! و «بنیان» خبر «كأن» و مرفوع است. «مرصوص» هم که صفت برای «بنیان» است باید به تبعیت از اعراب موصوف خود (بنیان) مرفوع باشد!

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ «المحسنين» مضاف‌إلیه است نه مفعول: زیرا «أجر» به آن اضافه شده است! / ۲ ضمیر «ی» در «لیتني» [لیت + (نون و فایه) + ی] اسم «لیت» است نه خبر آن! / ۳ «علم» اسم لای نفی جنس و منصوب است نه مرفوع!

۲۶۱۴ ۲ «لا» در این عبارت، همراه اسم آمده، پس لای نفی جنس است نه نافی و «من: از» حرف جرّ است نه اسم موصول!

ترجمه عبارت: هیچ گناهی سنگین‌تر از قطع امید از خدا نیست!

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ لیعلم «لـ» بر سر فعل آمده و آن را مجزوم کرده است. دقت کنید که كسره در آخر فعل مضارع نشانه مجزوم بودن آن است. - آن به معنای «که» و از حروف مشبّهه بالفعل است. / ۳ لا یستطیع «لا» بر سر فعل مضارع آمده ولی آخر آن را مجزوم نکرده است، پس «نافیه» است. - من - وسط عبارت آمده و معنای «کسی که» می‌دهد پس موصول است. / ۴ این - ابتدای جمله و بر سر فعل آمده، پس شرطیه و جازمه است. دقت کنید که «یُرَد» در حقیقت «یُرید» بوده که به خاطر مجزوم شدن «یُرید»، حرف «ی» هم برای تلفظ ساده‌تر فعل حذف شده است. - فلیتوکل «لـ + فعل» بعد از «ف» آمده و معنای دستوری دارد، پس «ل» از نوع امر یا جازمه است.

۲۶۱۵ ۲ در ۲ اسم لای نفی جنس «مفرّ» به صورت صحیح آمده است (نه «ال» دارد و نه «تثنوین» و حرکت آخر آن، فتحه است!)

در ۱ «أحد» غلط است و باید به جای آن «أحد» بیاید، زیرا اسم لای نفی جنس، هرگز تثنوین نمی‌گیرد. در ۳ «الکثر» غلط است و باید به جای آن «کثر» بیاید، زیرا اسم لای نفی جنس، هرگز «ال» نمی‌گیرد در ۴ «شیئا» غلط است و باید به جای آن «شيء» بیاید، زیرا اسم لای نفی جنس، هرگز تثنوین نمی‌گیرد!

۲۶۲۵ خطای این گزینه: خبر و ... («کَلَّ طعام: هر غذایی» ترکیب اضافی و «طعام» مضاف‌الیه است.)

۲۶۲۶ خطای این گزینه: مبتدا و مرفوع («لِلرَّجَالِ» (ل+الرَّجَال) جار و مجرور در واقع خبر مقدم است.)

★ نکته: فعل «يُحِبُّ» در این عبارت به معنای «خوب انجام می‌دهد» است و ضمیر «ه» هم مفعول آن است بنابراین در این جا متعدی است، در صورتی که «يُحِبُّ» غالباً معنای «خوبی می‌کند» داشته و لازم است.

۲۶۲۷ خطای این گزینه: معرّف بالعلمیّة («العلم: دانش» معرفه به «ال» است.)

۲۶۲۸ خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ مبتداً و مرفوع (اسم «إِنَّ» و منصوب/ خبر «إِنَّ» و منصوب (مفعول و منصوب) / من مجزئ ثلاثي (من مزید ثلاثي، اسم‌های فاعلی که ساختار (مُ... ـ ... ـ ...) دارند، از فعل ثلاثی مزید گرفته شده‌اند.)

★ نکته: فعل‌هایی که بر وزن «يُفْعِل» باشند، از باب «إفعال» هستند. مانند: يُضَيِّعُ (أضاع، يُضَيِّعُ، إِضَاعَة)

۲۶۲۹ ترجمه عبارت: «خداوند کسانی را دوست دارد که صف در صف در راه او می‌جنگند، آنان مانند ساختمان‌ی استوار هستند.»

خطای این گزینه: لازم («يُحِبُّ» به معنای «دوست دارد» متعدی بوده و «الَّذِينَ» مفعول آن است.) - فاعله «الَّذِينَ» (با توجه به معنای عبارت «يُحِبُّ» به «الله» برمی‌گردد و «الَّذِينَ» مفعول آن است نه فاعلش.)

★ نکته: «يُحِبُّ» در واقع «يُحِبُّ» و بر وزن «يُفْعِل» است یعنی از باب إفعال است.

۲۶۳۰ خطای این گزینه: خبره «على الناس» - خبره «ذو».

إِنَّ اللَّهَ لَ ذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ.
بی‌گمان خدا (قطعاً) دارای بخشش بر مردم است.
«خبر» بخشی از جمله است که معمولاً با یکی از فعل‌های اسنادی (است، بود و ...) ترجمه می‌شود؛ بنابراین خبر «ذو ...» است: «همانا خدا دارای بخشش ... است.»، اما «على الناس» نمی‌تواند خبر «الله» باشد: «همانا خدا ... بر مردم است!».

۲۶۳۱ خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ اسم تفضیل («آیه: نشانه» اسم تفضیل نیست.) / من باب «تَفْعَل» («يُنْزِل» بر وزن «يُفْعَل» از باب «تفعیل» است.) / نكرة («الله» همواره معرفه علم است.)

۲۶۳۲ خطای این گزینه: اسم مفعول («مُتَرَدِّد» عین الفعلش کسره دارد بنابراین اسم فاعل است نه اسم مفعول.)

۲۶۳۳ خطاهای این گزینه: «لَا تَجْتَمِعُ» (این فعل بر وزن «تَفْعُل» و از باب افتعال است، پس عین الفعلش باید کسره بگیرد: «لَا تَجْتَمِعُ») - «خَصْلَتَانِ» (شکل صحیح این کلمه «خَصْلَتَانِ» است.)

۲۶۳۴ خطاهای این گزینه: «الْمَدْرَسَةُ» (این کلمه اسم مکان و بر وزن «مفعلة» است، بنابراین «مدرسة» صحیح است.) - الإمتحانات (این کلمه بر وزن «افتعال» است پس حرف «ت» باید کسره بگیرد: «الإمتحانات».)

۲۶۳۵ خطاهای این گزینه: يُقَاتِلُ (حرکت‌گذاری این فعل به صورت مجهول است در صورتی که طبق معنای عبارت، این فعل معلوم بوده و «المُجاهدون» فاعل آن است؛ پس عین الفعلش باید کسره بگیرد: «يُقَاتِلُ») - «رَبُّهُمْ» (با توجه به این که حرف آخر کلمه «رَبُّ» کسره دارد، ضمیر «هم» باید اولش مکسور باشد: «رَبُّهُمْ»)

۲۶۳۶ خطای این گزینه: لا تُطْعَمُوا (با توجه به معنای عبارت، این فعل نباید مجهول باشد. لا تُطْعَمُوا: «به درماندگان از آن چه نمی‌خورید غذا ندهید.»)

با اسکن کردن کیو آر کد کتاب، می‌تونید پاسخ سوالات ۱۰۰ شوی این درس رو ببینید.